ژوندون



شنبه ۱۸ میزان ۱۳۶۰
ـ۱۰ـ اکتوبر ۱۹۸۱







ـك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزیحزب دمو کراتیك خلق افغا نستان و رئیس
انقلابی پس‌ازادای نمازعیدسعید اضحی در مسجد جامع مقر شورای انقلابی •



ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزیحزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ورئیس
شورای انقلابی پس از ادای نماز عید در قصرگلخانه مقر شورای انقلابی رفته اشخاصی را
که در نماز عید سعید اضحی باایشان شرکت‌داشتند پذیرفتند •



اختصار وقایع مهم

ـمیزان مصادف باروزاول‌عید سعیداضحی
ـومردم مسلمان متدین وآزاده ماباسرور
از این ایام متبرك استقبال نمودند •
ـك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
دمو کراتیك خلق افغا نستان ورئیس
ـی انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغانستان
نه‌ونیم صبح ۱٦ میزان نماز عید سعید
رادر مسجد جامع مقر شورای انقلابی
قاری محمد عمر خطیب مسجد ادا نموده
ـیان برای سعادت ورفاه مردم زحمتکش
ـتان عزیز وترقی و تعالی هر چه بیشتر
محبوب ما وهمچنان تمام جهان اسلام
ـودند •

ـنگار آژانس باختر گزارش میدهد که

مـــر کـــز ی حـــز ب ، ا عضـا ی کمیتـه
مرکزی حزب ، معاونین شورای انقلابـــــی
و صدر هیئت رئیسه شورای انقلابی واعضای
شورای انقلابی،معاونین‌واعضای شورای وزیران
رئیس ستره محکمه اعضای کمیته ملی جبهه
ملی پدر وطن ، والی کابل ، کابل ښاروال
ومعاونین واعضای شئوون اسلامی وشورای‌عالی
علماء ورو حانیون افغا نستان وعده از جنرال
هاو افسران عالیرتبه عسکری شرکت داشتند•

* * *

از طرف ببرك كارمل منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان و
رئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیك
افغا نستان تلگرام های تبریکیه بمناسبت
عید سعید اضحی عنوانی یك عده
های اسلامی مخابره گردیده است

* * *

از طرف ببرك کارمل منشی
مرکزی حزب دموکراتیك‌خلق افغانس
شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك
وسلطانعلی کشتمند رئیس شورای
جمهوری دمو کراتیك افغا نستان
تبریکیه بمناسبت سی‌و دومین سالگ



جمهوری دمو کراتیك آلمان‌عنوانی‌اریش هو
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب سوسیالی
متحده آلمان ورئیس شورای دولتی جمه
د مـــو کـــر ا تیـــك آ لمـا ن و و یـ
شتوف رئیس‌شورای‌وزیران‌جمهوری دموکرا
آلمان به برلین مخابره گردیده است .

* * *

دافغانستان دخلك‌دموكراتيك گوند دمر
کمیتی عمومی منشی‌اودافغانستان د دموکرا
جمهوریت دانقلابی شورا رئیس ببرك کا
دمیزان ۸ نیته مازیگر داسیا او افریقا دخ
دپیوستون دسازمان سکرتر جنرال نـــ
عبدالرزاق دانقلابی شورا په مقر کی دپ
گلوی کتنی لپاره ومانه .

* * *

دافغانستان دخلك دموكراتيك گوند دمر
کمیتی عمومی منشی اود انقلابی شورا ر
ببرك كارمل دميزان ۸نیته‌مازیگر په خلور
په کابل کی دلیبیا دوگړنی کمیتی ددفتر
منشی حسن البرکی سره دانقلابی شورا
مقر کی وکتل .

* * *

سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاس
کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلـق اف
نستان ورئیس شورای وزیران جمهوری د
کراتیك افغا نستان صبح روز ۹ میزان و
ولایت هرات گردید .

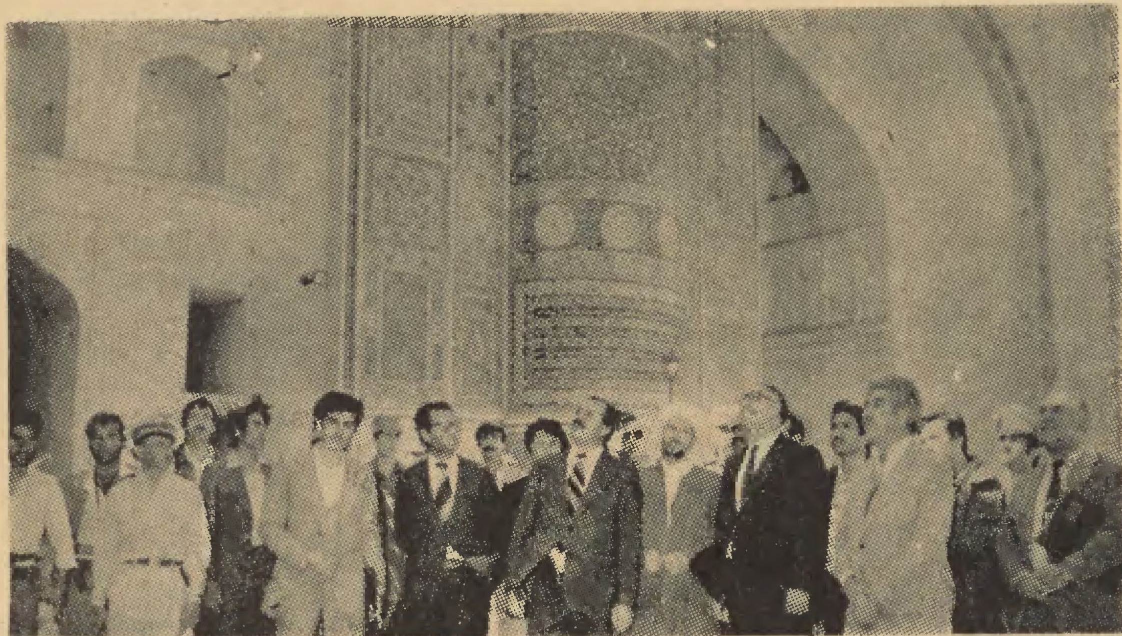
* * *

نوراحمد نور عضو بیروی سیاسی و منش
کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك‌خلق افغانس
ومعاون شورای انقلابی قبل از ظهر ۹میز
درجلسه کار مندان کمیته مرکزی مسوولین ام
جوانان ، زونها ، منشی هاو اعضای کمیته
شهر وولایت کابل و منشی های نواحی ش
کابل سازما ن دمو کراتیك جوانان افغانس
که در کاخ مرکزی پیشا هنگان دایر شده
اشتراك نمود .





احمد نور عضو بیروی سیاسی ومنشی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا هنگـا م صحبت درجلسه کارمندان کمیته مرکـزی مسؤولین امور
زونها، منشی ها واعضای کمیته های شهر وولایت کابل و منشی های نواحی شهر کابل سازمان دمو کرایك جوانان افغانستان.



سلطـانعلی کشتمند رئیس شورای وزیران هنگام بازدید ازمسجد جـــامع شهر هرات .



پیک نوی ثور

«به تمام هموطنان شرافتمند و زحمتکش درهرگوشه وکنار کشور که باشند ومنجمله به‌همه کسانی که بنا بر فریب دشمنان علیه مردم وانقلاب قرار گرفته اند ولی اکنون از اعمـــال خویش پشیمان اندءاعلام میداریم که بخاطرصلح‌وآرامش سرتاسری در کشوربادولت دموکراتیک وملی خودبه‌همکاری وتشریك مساعی بپردازند.»

ببرك کارمل

شنبه ۱۸ میزان ۱۳۶۰ــ ۱۰ اکتوبر ۱۹۸۱

در این شماره



عیدسعید اضحی

میزان ۱۳٦۰ مصادف
ه عیدقربان یعنی جشن
ی همهٔ مسلما نان‌جهان
سم خا صی تــو سط
نها ن تجلیل میگردد .
لما ن و متدین‌ما امسا ل
را با رو حیه سر شا ر
دا پر ستی پر شکو ه
ته استقبا ل نمودند و
مهٔ حج ، قربا نی‌ودیگر
طه آنرا تجلیل کردند.
ن بر علاو ه اینکه یــك
ی است همچنا ن‌بمثابهٔ
ی شا مل فر هنگـــك
م مسلما ن ما گردید ه
ا مقا م ار جمند ی‌دارد
است که مرد م ما چه
ز رگ با بهتر یـــن
را می آرا یندخو شی
کنند و با دو ستا ن و
ادید مینما یندار برکت
ی عید است که هــر
عداو ت ، کینه‌وکدورت

در راه حق ، در راه و طن و در را ه دفا ع از صلح و سعا د ت اســت و**نمایند گی از صفا ی قلب‌وخلو ص** نیت انسا ن ز حمتکش و متدیـــن جا معه ما می کند مرد م ما امسا ل عید سعید اضحی را در شرایطــی برگزا ر می کنند که کشور ما بــه پیروز ی های نوین انقلا بی تو فیق یافته و در را ه دفع و طرد تجاوز ارتجا ع و امپریا لیز م‌وسا ختما ن جامعهٔ شگوفا ن مبتنی بر عدا لت اجتما عی کار و پیکا ر مینما یند و در برابر ار زش ها و آر مان هـا ی مر حله نوین و تکا ملی انقـــلا ب ثور آزا دی کا مل اجرا ی مراسم دینی و مذ هبی تا مین شد ه است چنا نچه دو لت انقلا بی ما بتا سی از اصو ل اساسی جمهور ی دموکرا تیك افغانستا ن که در آن‌رعایت حفظو احترا م دین مقد س اســـلا م تاکید شد ه است نه تنهااز دیا نت پاك اسلام و عقا ید دینی و مذ هبی مرد م مسلما ن ما حمایت مینماید بلکه امکانا ت و تسهیلات فراوا نی

می کند . علما ی دینی، ملا یا ن و امامان مسا جد بدیدهٔ تکریم‌واحترام نگر یسته می شو ند و هیچگو نــه محدو دیتی در جهت انجا م مرا سم دینی و مذ هبی برای همو طنـــا ن مسلما ن ما و جود ندارد ، مرد م‌ما اکنو ن در مسا جد فرایض‌پنجگا نه را با آرا مش رو حی‌و مصوونیت کا مل ادا می نمایند .

بر شمار ی همهٔ این فا کت ها و حقایق از یکطر ف دا ل بر آنست که حزب دموکرا تیك خلق افغانستان ودو لت جمهور ی دمو کرا تیــك افغانستا ن احترا م عمیق به آیین مقد س اسلام این آیین دیرین مردم زحمتکش ما داشته و عملا از آ ن حمایت می کند از سو ی دیگر بی اساس بود ن ارا جیف،پروپاگندها و درو غ با فی ها ی ارتجـــا ع وامپریالیز م و تمام دشمنا ن اسلام را در مورد دو لت انقلا بی ماثابت وبر ملا می سازد .

ما در حا لیکه حلو ل عید سعید

تبصره

دولت انقلابی مابر آراء و نظریات نیک مردم ارج میگذارد

بر سر طرح قانون ارگان های محلی ...ولتی واداره است که به ابتکار دولت ...مادر مرحله نوین و تکاملی انقلاب ... ثور غرض پررسی وارزیابی و اظهار ...وطنان ماز طریق رسانه های‌جمعی ...ه نشر رسیده است ۰

... محبوب وباستانی ما تاریخ کهنی‌دارد ...ن صلح جوو آزادی پسند این دیار ... در طول تکامل تاریخ کشور با فراز ... های فراوانی روبرو گشته اند۰

...ز پیروزی انقــلاب شکـوهمنـد ثـور ...مان جبار وستمگر یحیی به بیر حمانه ...یوه یی بر مردم زحمتکش وعذاب‌دیده ...ابیداد می نمود وابرسیاه فقر ، غربت ...گری بر آسمان شفاف میهن دوست ... ما چادر گشوده بود مردم مادر بدترین ... از نگاه اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی ... حیات می‌نمودند مردم زحمتکش کشور ...ن دوره سیاه تاریخ کشور خویش از ...صرفاً بنامی بر خوردار بودند ،ودرعمل ...گونه استقلال و آزادی فکری ، اجتماعی ... و بیان در جامعه ما سراغی نبود چه ...

به اجرای آن می‌پرداختند بدون آنکه راجع به مفیدیت و موثریت آن در حیات اجتماعی و اقتصادی توده ها بیندیشند وآن را از دید - گاه هاو معیار های علمی وتجربی مورد ارزیابی ومداقه قرار دهند ۰

آری ! انقلاب آزادی بخش ثور که بارادهٔ توده های وسیع مردم زحمتکش کشور مابه پیروزی انجامید و میهن وجامعه مـــا را وارد مرحله نوینی از زنده گی خوش گردانید برهمه اینگونه نابسامانی ها ، خود سری ها و مطلق العنانی ها خاتمه بخشیده حاکمیت زحمتکشان را در کشور تحقق بخشید و حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان که از میان توده‌های ملیونی مردم عذاب دیده میهن ما برخاسته است به نمایندگی از کار گران ، دهقانان ، پیشه وران وسایری زحمتکشان‌قدرت سیاسی رادرکف گرفت ۰ بعد از پیروزی انقلاب ملی و دمو کراتیك ثور وبخصوص مرحله نوین و تکاملی آن حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان «پیش آهنگ طبقه ی کارگر وتمام زحمتکشان کشور» ودولت جمهوری‌دمو- کراتیك افغانستان این‌ره آورد بی نظیر انقلاب ثور بنابر داشتن خصایل بیشمار مردمی و پشتیبان راستین مدافع توده های وسیع مردم زحمتکش کشور محسوب می‌شوند ودر جهت منافع آن ها گام برداشته از حمایت بیدریغ ایشان بر خوردار می‌باشند سعی می‌نمایند تادر همه امور مربوط به زندگی مردمان آزاده‌ی سر زمین مقدس ماز افکار واندیشه های والای خود آن هـــا استفاده بعمـل آید۰ روی همین اساس است که دولت ملی‌و مترقی مادر شرایط حساس کنونی به طرح قانون ارگان های محلی قدرت دولتی واداره دست یازیـد وآن رادر معرض بررسی ، ارزیابی و اظهار نظرو اندیشه هموطنان شریف ما قرار داده است ۰

دولت ملی و مترقی ما که در امر خدمت‌به خلق نجیب کشور شریفانه تعهد سپرده است به آراء وعقاید نیك کار گران ، دهقانان ، مزدوران پیشه وران وسایر اقشار وطبقات مردم زحمتکش کشور صمیمانه ارج می‌گذاردو در شرایط کنونی که بحق میتوان آن رادوران رشدو تکامل انقلاب ملی و دمو کراتیك ثـور نامید میکوشد تا توده های وسیع وملیونی مردم زحمتکش مارا جهت اشتراك درمسایل وامور مربوط به ترقی وتعالی کشور و جامعه امر معتقد می‌سازد که دولت انقلابی ... دولتی است ملی ومردمی که در خدمت ... دوران ساز کشور قرار دارد ۰ و میان ... روابط محکم ونا گسستنی ای وجود دار... می گـــردد تـا تـــوده ها نیـز در راه ... اندیشه هامرام‌هاوکنش های‌انقلابی حزب ... که درروند منافع توده هاقراردارد از ... بذل مساعی دریغ نورزند وچون کوه ... پشتوانه حزب ودولت انقلابی خویش ... دهند وازسوی دیگر قانونی که مطابق ... نظریات و اندیشه های نیك عامه بوجو... در تسوید و تصویب آن از نظریات ... زحمتکشان بخصوص صاحب نظـران ... تجربه ودانش استفاده بعمل آید قانو... بود مطابق به شرایط زمان وبرابر با ... ونیاز مندی های کشور و جامعه ۰

اکنون که در اثر توجهات بهیخـواه... ودولت انقلابی ما طرح قانون ارگان ... قدرت دولتی واداره در معرض بررسی ... عقاید و نظریات مردم شریف کشور ... داده شده است ودولت انقلابی‌ما به‌ارا... ونظریات نیك مردمان زحمتکش کش... ایجاد این قانون مورد نیاز کشور و ... ارج عظیم گذاشته است‌برهمهٔ هموطنا...



عبدالقسیم سرباز



ضیاء الله سرباز

بعد از پیر وزی انقلاب آزادی بخش ثور و انتقال قدرت سیا سی از ید- جباران و ستمگران به‌توده های‌وسیع مليونی مردم زحمتکش کشور و بـه نماینده گی‌از آن به حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان، ارتجاع، هژمونیزم و امپر یالیزم جنگ اعلام ناشده ای را بر ضد مردم ، وطن و انقلاب ما براه انداخته اند که هرگز از نظر جها نیان پوشیده نیست ولی مردم زحمتکش کشور که در صف اول‌آن اردوی قهرمان و حماسه ساز میهن ما قرار دارد بر همه مداخلات تجا- وزات و اخلا لگری های‌ارتجا عی ، هژ مونیستی و امپر یالیستی جواب های قاطع و دندان شکنی می دهند و از وطن مردم و انقلاب دورا نساز خویش مردانه وار دفاع به عمل می آورند .

آری ! عناصر ضد انقلاب که در بدل کلدار و دالر خود را به نوکران تمام عیار ارتجاع و امپر یا لیزم‌مبدل نموده اند و به منظور خدمت بباداران خویش می خواهند فضای آرام آزادو صلح آمیز این و یـا آن گـو شه‌و کنار میهن محبوب ما را بر همـزده باعث اذیت وآزار مردمان زحمتکش کشور ما گردند همیشه از طـرف گردان حماسه ساز اردوی انقـلا بی ما به شکست های افتضاح آمیز و زوال و نابودی کشانیده مـــی شوند .

هفته ایکه گذشت‌قوما ندانی قطعه ۷۷ دافع هوا طی محفل شکوهمندی از پیروزی هایی که سر بازان بطریه سوم خفیف آن قطعه درولایت‌کندهار در مقابل اشرار این دشمنان بدنهاد شرف و آزادی مردمان زحـــمتکش کشور و غـلامان حلقه بگوش ارتجاع و امپر یالیزم نصیب شده بودند در گرامی داشت .

در آغاز این محفل شکو همنـــد معاون سیاسی قطعه طی بیانیـــه مختصری گفت : انقلاب نجات بخش ثور برای رفاه و آرامی مردم زحمت کش کشور پیروز شده است و هدف حزب ما یعنی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان ایجادیك زنـــدگـی آرام ومرفه در کشور است . آن هایی‌که در کشور محبوب و دوست داشتنی مادست به ترورو آدم کشی ،تخریب

با چند تن از این سر بازان ...
پرست مصا حبه‌ای به عـمل ...
است که در ذیل پیشکش ش...
خوانند گان عزیز میگردد :

سهر گل یکتن از سر باز... وحماسه آفرین‌بطریه‌سوم خف... ۷۷ دافع هوا است که تحص... را در رشته ریاضی‌تا در جه... درفاکولته علوم پو هنتون ... اتمام رسانیده ازمدت هشت ... سو خدمت مقدس عسکری را ...

دفاع ما از ناموس و...

پل ها ، مساجد ، شفا خانه ها و دیگر بنا های عام المنفعه می زنند می خواهند رژیم های منفور و مستبد گذشته را در کشور باز آورند کـه مسلما نمی توانند بـه‌آرزوی شوم خود برسند .

وی گفت :ارتجاع هژمو نیزم و امپر یالیزم برای بر هم زدن فضای آرام و صلح آمیز میهن ما عناصـر ضد انقلاب را با پشتاره هایـــی از اسلحه و باروت مجهـز می‌سازندو برای کشتار بی رحمانه همو طنـان مسلمان و انقـلابی ما بدین دیار می فرستند که حقیقت این ادعا را سلاح های ساخت کشور های ارتجا عی و امپر یا لیستی ای که از نزد عناصر ضد انقلاب بدست سر بـــازان و افسران شجاع کشور ما آمده است به اثبات می رساند .

در ختم این محفل شکو همند معاون سیاسی قطعه یك یك جوره بوت‌های زمستانی اموال امدادی‌کشور دوست و برادرا تحاد شوروی را که ازطرف قوما ندانی قطعه برای سر بازانی که

درفش پر افتخار دولت جمه...
دمو کراتیك افغا نستان به ...
بـــرد .

او که تازه از سنگر نبر...
بـا د شـنما ن ا نقلا ب...
موفقانه بکابل بـاز گشته ا...
مورد اینکه چه عاملی باعث ...
که بولایت کندهار برود و د...
دشمنان شرف و آزادی مردم...
خویش دلیرانه بر زمد میگو...

چندی قبل از طرف قوما...
محترم قطعه از سر بازان ج...
مربوط دعوت به عمل آمد ت...
رفتن بولایت کندهار وقلع ...
دشمنان انقلاب ثور از آن ولا...
طلبانه ثبت نام نمایند من‌ب...
یکی از فرزندان ما در وطن ...
حکم وجدان و درك مسوو لیـ...
خود در برابر وطن ، مردم ...
خویش حاضر شدم تا برای ...
کندهار به منظور سر کوب ...
اجیران ارتجاع و امپر یالیز...
آگاهانه و داوطلبانه ثبت نام...
عازم آن محل گردم .



عبدالباقی سرباز



محمد اعظم سرباز



آن ها گردیده تلفات زیادی بکر عناصر ضد انقلاب در آن ار آوردیم و پیروزی هـای ری رابرایشان‌کسب نمودیم. گل سخنان خود را اینطور خشید ، من بحیث یك جوان تحصیل کرده عـلاوه بر آن نبرد رویا روی با دشمنـان ثور رسالت تاریخی خود را م رسا نیدم در امر تنویـر توده هاو افشای دسایس و گند های زهر آگین دشمنـان آزادی مردمان کشور محبوب ا نستان آزاد ، سر بلنـد و نیز لحظه‌یی غافل نه‌نشسته راه نیز در حد توان انسانی به برداشت قدم های بزرگی دم ، پرو پاگند های بی بنیاد و امپر یالیزم را در میان‌توده ردم زحمتکش افشاء ساختم

عمل آمد گفت : من بحیث قوما ندان یکصد وبیست وپنج تن از عناصـر ضد انقلاب افغا نستان بودم که آن هادرتحت قوماندہ من به‌اجرای‌اعمال حرابکا رانه ضد انقلابی مبادرت می ورزید ند .

اسدالله سر باز دیگر بطریه‌سوم خـفیف قـطعه ۷۷ د ا فع هوا است که تحصیلات خود را تـا صنف دوادهم در لیسه شیر شـاه سوری در کابل بپایان رسانیده ویك سالی را هم در کشور دوسـت و برادر اتحاد شوروی تحصیل نموده است . او که دوره مکلفیت عسکری اش را به اساس قبولی معلمی برای شش سال سپری نموده است باز هم عشق به‌وطن و علاقه به مردم‌و انقلاب وی را وادار ساخته است تا بتاریخ ٦ جدی ۱۳۵۹ بطـو ری شعوری ، آگاهانه وداو طلبانه شامل

میهن و انقـلاب ما براه اندا ختـه شده است .

او میگوید : یکی از روز هـا در شفا خانه کندهار بودم ، پیر مرد ی رادیدم‌که سخت مجروح بودواشرار پلید با تبر به فرقش کوبیده بودند ومغز هایش بیرون آمده بود بـه شفا خانه یکصدو پنـجاه‌بستر اردو آوردند او که نه حزبی بود و نه در شعبات دولت کارمیکرد علت مجروح شدنش را از جانب اشرار چنیـن حکایت نمود : در یکی از روز ها در خانه‌خودبودم اشراربخانه ام‌حمله‌ور گردیدند و از من خواستند یا پول بدهم و یا در اجرای جنا یات بـا ایشان سهیم شوم . من که نه پول داشتم و نه می خواستم اعمال ضد انقلاب شکو همند ثور را انجام‌بدهم به خواست آن ها جواب رد دادم و بدین علت مورد ضرب تبر واقـع گشتم و از ناحیه سر زخم بزرگـی بر داشتم که اینك آن را مشا هده می نمایید .

اسدالله علاوه می‌کند . چیز دیگری که در کندهار به چشم من خوردداین بود که اشرار بد نهاد در آن جـا چهره های کثیف خود را بـا چادری و دیگر لباس های زنانه مـی پوشانیدند ودر لباس زنان‌به‌اجرای اعمال جنا یتکار انه ، می پرداختندو نمی توانستند چهره های واقعـا

حق وزوال ونابودی دشمنان حتمی است

ما بر ماهیت ضد انسا نی‌و نقلابی دشمنان انقـلاب ثـور ی پی ببرند و دیگر فر یـب راگنی های آن ها را نخورند. ب‌الرحمن سر باز دیگر بطریه فیف قطعه ۷۷ دافع هوا که وس‌سال ۱۳۵۹ بخدمت‌مقدس ی شتافته است نیز یـکی از زانی است که جهت محو و ی عناصر ضد انقلاب شکوه‌ بولایت کندهار رفته بود او جنایات عناصر ضد انقلا ب ر آن ولایت به چشم سر دیده چنین حکایت می کند یکی از یکتن از رفقای سر باز مـا ی ادای نماز بود که اشـرار دانه بالای‌ماحلمه ورگردیدندو فیقی که مصروف ادای نماز انداخت آغاز نهادند و مافورا ی های خود داخل شدید و به

خدمت مقدس عسکری گردد و عمـلا از دست آورد های انقلاب ثـور و مرحله نوین و تکاملی آن دفاع بـه عمل آورد .

او نیز در جمله سر بازانی بوده که بولایت کندهار رفته بودنـد . موصوف چشم‌دید های خود را درآن ولایت چنین حکایت میکند : دشمنان انقلاب ثورتبلیغ مینمودندکه‌اشراردر کنـد هـار از نـیرو منـد ی بزرگی بر خور دار اند ولی زمانیکه ما به آنجا رفتیم‌و حقایق را ازنزدیك مشاهده نمودیم این حقیقت بیش از

کثیف و شرم آور خود را در مقابل مردم زحمتکش افغا نستان عریـان بگذارند وبه‌اعمال ضد انقلابـی‌وضد انسانی خود بپردازند.

یکی از جوانان دیگری که مـدت سه ماه در ردیف دیگر همر زمـان خویش مردانه وار در مقابل دشمنان



سحر گل سرباز

یگوید: نظر به‌در خواست‌قوماندانی
بطور آگاهانه و داو طلبانه به
یخ اول سر طان سال جاری به
یت کندهار رفتم در آن جا در
ه ٦٦ دافع هوا مصروف خدمت
م و به د شمن مجال ا ین
امر را نمی دادیم که بر ما
ه حاصل کند و عندالضر ورت‌به
ان جواب های دندان شکنی نیز
دادیم . و یکی از جنا یات نا
سودنی اشراراین‌بود که‌بی‌رحمانه
ی شرمانه بالای شفا خانه که در
ده ها مریض داخل بستر بود
ت انداخت نمودند و مو جبات
بق شفا خانه را مهیا ساختند که
اثر این حادثه المناك خسا رات
ی ای زیادی ببار آمد ، این است
نه‌یی از جنایات بیشرما نه
رار .

و به جواب این سوال که از نظر
ا گروه های اشرار راچه کسانی
کیل میدهند میگوید : گروه های
رار را اکثرا دزدان ،قطاع الطر-
ی ، اوباشان و راهز نان تشکیل
هند که از علم و دانش بهره یی
رند و ارتجاع و امپر یالیزم ازآن
بحیث آله دست خویش کار می-
د و با استفاده از عدم آگاهی و
ی آن ها ، آنان رابرضد انقلاب

اوکــه د ر برج دلو سال ١٣٥٩ به خدمت مقدس عسکری شتا فته است و اکنون نیز درسنگر دفاع از وطن و دست آورد های انقلاب شکو همند ثور قوار دارد میگوید :

راز موفقیت ما در ولایت کند هاربر اشرار دراین بود که‌پلان های ایشان را قبل از جامه عمل پوشا نیدن آن کشف می نمو دیم .

و قبل از آنکه اشرار توسط سلاح های مرگز ای خویش بر ما فیر کنند ما آن را از بین می بردیم و بدین



حبیب الرحمن

ترتیب کسب پیروزی می نمودیم. از جانب د یگر علت پیروزی مابراشرار این است‌که مبارزه ما مبارزه بر حق و عادلانه است و به نفع توده ها و مردم زحمتکش ،ولی آن ها بخاطر احیای منافع مشتی از اقلیت نا چیز و مفتخوار جامعه و به نفع ارتجاع و امپر یا لیزم می‌جنگند و به ترور و آدم کشی دست می‌زنند مگر توده های وسیع زحمتکش از ما پشتیبانی مینمایند و از اشرار نفرت داشته و دوری می جویند.

وی در اخیر پیامش را به آنانیکه فریب‌تبلیغات دروغین‌دشمنان انقلاب

دشمنان انقلاب ثور باشد . جبران پذیر است . بر همه آنانی که فریب دشمنان‌را خورده‌اند لازم است تاهر چه زودتر به اشتباه خود پی ببرندو سلاح را برزمین گذاشته خودرا به دولت ملی و مترقی خویش‌تسلیم نمایند و همدوش دیگر برا دران هموطن خویش در امر اعمار جامعه- نوین و شگو فان در کشور سهیم شوند .

حال نوبت می رسد بچند تن از سربازان جوان دیگری که به ندای دولت جمهوری دمو کراتیك افغا - نستان جواب مثبت ارائه داشته اند

و به اثر مصوبه شورای وزیران جمهوری دمو کراتیك افغا نستان مبنی‌برجلب واحضار قسمی آن عده سربازان وخوردضابطان قطعه به صفوف قوای مسلح که تا قبل از٣٠ میزان ١٣٥٧ خدمت مقدس عسکری راسپری نموده و تر خیص ا خذ نموده اند و سن شان از ٣٥ تجاوز نمی کند، برای گذشتا ندن‌یك سال خدمت در زیر بیرق دولت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان داو طلبانه ثبت نام نموده شامل خدمت شده انـد .

عبدا لقسیم سربازجوانی است‌که تازه به قطعه ٧٧ دافع هوا شا مل خدمت شده است و نیرومند و پر- توان در سنگر دفاع از وطن ، مردم‌و انقلاب شکوهمند ثور قرار گرفته است .

او بعد از آنکه رویه و برخورد آمرین خود را در برابر سر بازا ن



درشرایط پیروزی انقلا
بخصوص مرحله نو ین و
نهایت عالی و برادرانه تو
دارد وطی پیامی از دیگر ب
جوان وهمو طن خویش می
تا برای دفاع از وطن ، حا
تمامیت ارضی و نوامیس م
به صفوف قوای‌مسلح قهرم
به پیوندند و بر نیرو مند
قهرمان و حما سه ساز ک
افزایند تا باشد هر چه زو
چرکین گماشتگان ارتجاع
یالیزم از سراسر میهن ما
شود و صلح و آرامش کام
اطراف و زوایای کشور ح
گردد .

محمد عظیم سرباز دیگری
به‌قول خودش‌در سال ١٣٥٤
٧ خدمت مقدس زیر بیرق
نموده است و بخواست دو
خود بار دیگر به صفوف قو
کشورپیوسته استاومی گ
در صفوف قوای مسلح در
کنونی تا دوران حکمر وا
های مستبد قبل از انقلا
زمین تا آسمان تفاوت دا
زمان مشکلات و مشقات ب
برای یکنفر سرباز وجود د
امروز برای ماهیچ‌مشکلی و
از نظر مواد غذایی ،محل
استرا حت اندکترین تکلی
و همه دریك فضای کاملا
و برادر انه بکار وبیکار انق
ادامه میدهیم وبرای رسی
واحدی مبارزه می نماییم

محمد اعظم سرباز دیگری
اکنون که ما به تقاضای دو
و مترقی خویش جواب مث
داشته ایم و به صفوف قو
قهرمان‌کشورپیوسته‌ایم دو
بر ما نیز مساعدت های ز
ارزانی داشته است به ط
برای هریك سر باز ماها
سه هزار افغانی پر داخته
در دوره خدمت یك ساله



شمس الدین ظریف صدیقی

...ت دهۀتحقیق برامیر علیشیرنوایی‌وعصر وی ·

...رکس‌درزمان امیرعلیشیرنوائی



نخستین سرکس درکشورما:

امروز اگر از بیننده گان تلویزیون پرسیده شود که دلچسپ ترین و مشغول کننده ترین برنامۀ تلویزیون کدام است ؟

یقیناً اکثر شان خواهند گفت که : برنامۀ سر کس حیوانات ·

چون در سر کس و نمایش حیوانات نه‌تنها بیننده از نظر تفریحی اقناع میگردد بلکه به استعداد انسان در جهت تربیت ورام کردن حیوانات و توفیق در تلاش برای وا داشتن یك حیوان به اجرای کارهای دشوار نیز پی‌می‌برد در دنیای امروز چنین نمایشات رادر کشور های پیشرفته مشاهده مینماییم اما بایدبخاطر آوریم که روز گاری ما خود رام کنندگان و هنرورانی داشته ایم‌که‌سر کس های باشکوهی را تنظیم ورهبری مینمودند ، البته این مربوط

های برگزیده‌چون‌امیر علیشیر نوایی بایـ...
همبستگی در ساختمان یك جـامعۀ شگـو...
مجدانه تلاش میورزیدند به کمك وتوجه ...
مجدانه تلاش میورزیدند به کمك وتوجه ...
وزیر نامدار یك سر کس منظم نیز به نما...
های دلچسپ وشگفت ، شهریان هرات ر...
اوقات فراغت به تفریح ولذت گیری مصر...
میگردانید · تاجائیکه اسناد تاریخی مو...
است این نخستین سر کس منظم وکامل ...
کشور ماست که از آن سراغ داریم ·

ترکیب سر کس :

رهبر ورام کنندۀ این سرکس بابا جـ...
بز باز نام داشت که از عراق به هرات آمـ...
معرکه ماو نمایش های مختلفی رابا حیوا...
دست آموز ورام شده عرضه مینمود ، عـ...
بر آرکستر موسیقی حیوانات شامـل سیـ...
عبارت بود از :

- شتری که بالای سه پایه بالا می‌شـ...
- میمونی که سطرنج راما هرانه بازی‌مـ...
- بز کبودی که معرکه میگرفت ·
- خری که زیبایی را درك میکرد ·
- وبالا خره‌سایره‌ایکه پول رادوست‌میدا...

شتری که‌بالای‌سه پایه نمایش‌مید...

زین الدین محمود و اصفی در بدایع الو...
چند دفعه راجع به این شترصحبت‌کرده اسـ...
دریك جای در بارۀ شتر سر کس چنین ...
است :-

«شتری داشت بغایت عظیم جثه وقوی ...
··· واین شتر را آموخته بود که بر با...
سه پایه‌ای برمی آمد وخلق عظیم برگرد مـ...
وی جمع می‌آمدندوتعجب می‌نمودند » (ص...
-ج۲) در جای دیگر در مورد این شتر ...
است :

«واین شتر را برسه پایه قدمی برمی...
ودر آهنگ بیاتی و عربان عملی بسته ...
اگر نه بختیان افلاك به زنجیر مجره محکـ...
مضبوط نبودی از سماع تفننی او زیر و ...
گردیدی ، وشتر وی سرو گردن می‌افـ...
وآواز حزین میکرد که گویا چیزی می‌خو...
(ص ۲۹۸- ج ۲)

میمونی که‌شطرنج را ماهرانه‌بـ... میکرد

«واورا میمونی بود بغایت مقبول و مـ...
شطرنج رابه مثابه‌ای‌خوب می‌باخت که‌اسـ...
این صنعت را مثل دوستی،وبر ناچه وجعفـ...



صادق پیکار رئیس قضایای دولت
سوالات خبر نگار ما پاسخ گفت:

از : س . ر. ها شمیار

گفت و شنود هایی پیرا مو نسیمینا ر

طفل وقانون درافغانستان

سیمینا ر طفل و قانو ن که‌اخیرا به ابتکا ر وزار ت عد لیه ، بـــه همکار ی ادار ه یو نسیف در کابل وبا شر کت نمایند گا ن ار گا ن‌ها و ساز مان های دو لتی در تالا ر ریاست طب و قایو ی دایر گردید روزنه ها ی تاز ه یی را در زمینه بهبود زندگی کود ك در کشو رما نو ید میدهد خبرنگا ر هفتگی نا مه ژوندو ن آگا هی بیشتر خوانندگان در این ز مینه گفت و شنـــــو د شنود های کو تا هی را با بر خی از روسا و اعضا ی گرو پ ها ی مختلف سیمینا ر به عمل آو رد ه‌که اینك از نظر تا ن میگذرد :

سید نجا ت الله حسینی رئیسس گرو پ تعلیم و تر بیه سیمینا ر طفل و قانو ن نخستین کســـــی است که با او به گفت و شنو دمی نشنم ، او دراین زمینه کــه چـــه انگیز ه یی مو جب تدویر سیمینار گردید ، میگو ید :

ـوزار ت عد لیه به منظـــــو ر تا مین حقو ق کود ك در کشور و به وجود آور ی ز مینه های قانو نـی برای بهبود ز ندگی طفل پیشس از تدویر سیمینا ر مطالعا تی را بــه آغاز گرفته و مونو گرافـی رابـــه ترتیب آو رد ه بود که طر ح آ ن مونو گرا ف و خلا های احتما لی آن میباشد .

رئیسس پلان و زار ت تعلیم‌وتربیه در پاسخ به این پرسشس کـــــه سیمینا ر بیشتر در چه موا رد ی‌به طرح مسایل مربو ط به طفل مـــی پر دازد و شکل کار آ ن چه گو نه است ، میگو ید :

ـمسایل تعلیم و تر بیه ، رفا ه اجتما عی ، صحت و کار موا رد ی است که در ارتبا ط با طفل‌و قانون مورد بحث است و شیو ه کارنیزبر این منوا ل است که تعدا د ی ا ز اعضا ی سی و هفت نفر ی‌سیمینار در گرو پ های جدا گا نه تعیین شده اند تا در بخشس ها ی خصو صی تر هریك از مسایل چهار گا نه را به بررسی و ارزیا بی گیر ند و نتایج کار خود را به جلسه‌عمو می به طر ح آورند .

حسینی در این مورد که‌سیمینار شرایط تعلیمی و تربیو ی‌کودکا ن راچگو نه به بررسی گر فته و چه سفار شاتی را در زمینه بـو جـود آمد ن شرایط تاز ه یی که بتواند بهبود کیـفی را در امـور آموزش وپرورش اطفا ل به میا ن آو رد ، به دولت دارد ، میگو ید :

ـنخستین سر شما ر ی نفو س سه و نیم ملیو ن نفر شـ
بوده ومتباقی آن یا درخا
مصرو ف کار اند ، یا بـ
باشند و یا در حا ل ولگر
میکنند که دوا م این و ضـ
آمیز است ، گرو پ‌تعلیم
نیز شرایط شمو ل تعداد
اطفا ل درسن مکتب را مـ
قرار داد ه و هم چنین
مسایل دیگر ی در ارتبا
تعلیم مطالعا تی انجا م
بعدا مورد بررسی عمیق
خواهد گر فت .

محمد صا د ق پیـ
رئیسس قضا یا ی حکو
وزارت عدلیه که سمـت
گرو پی کار را نیز در سـ
و قانو ن دارد در جوا بـ
سوال که وزار ت عد لیه ـ
و حقو قی این مو ضو ع
شرایط کنو نی به خاطر مو
زمینه های وقا یه امرا ـ
در حدو د بیشس از چهل
کود کان نار سیده به سـ
ساله گی میمیر ند چگو ـ
میگیرد و در این سیمینـ
کاستن از حجم این فا جـ
مطا لعا تی را در دست
گو ید :



نماینده یو نیسف درکابل حین
فت وشنود باخبر نگار ژوندون.



...ها ی دو لتی ،ساز مان
ی و مکا تب مو ظف
اطفال به خانواد ه ها

اساس رخصتی سه
بعد از انفاذ این قانو ن
حکو مت رسید ، هم
ما یت بیشتر مادرا ن
که در صور تضرورت
ز سپر ی شدن سه ماه
ـا معا شـ و لادی
س ماه نیز رخصتی
داشته باشند. در این
ضرور ت های دیگر ی
برای مادرا ن نیاز مند
قرار خواهد گر فت و
نوصیه خواهد شد .
یکار در این زمینه که
خدما ت دو لتـی درده
یکسو و مو جود بودن
خرا فی که به صور ت
ده حاکم است از دیگر
میگردد که تطبیق مقرره
که در مجموع حما یت
ا تضمین‌میکند درروستا
روبرو گردد ، مـی

است اینها دشوار ی
ی است اما، مابـه آن
دیم و مشکلا ت را از
ار یم چرا که صادقا نه
برای مرد م کار می کنیم
فر یب توده ها نمیباشد
ه شما هم اشار ه کردید
م ساز مان ها ی رفا ه
گستر ش دهیم و هم
ئیه دقیق در موار د
هیه بدار یم که وضع‌مارا
کنو نی مشخص کند و
ا هیم کوشید دشواریها
داریم .
قضایا ی حکو مت دراین
مینا ر در زمینه از میان
مشکل اطفا ل معیو ب
له ها یی رسیده است

دوشس جا معه تلقی نکنند .

به صادق پیکار میگو یم :

ـ من تاکنون شا هد تد ویر سیمینار ها ی فراوا نی در دروا ن پیشس از انقلاب در همین سا لو ن بوده ام که بد بختا نه هیچ کدا م جز سخن پرا گنی و مقا له خوا نی کار ی از پیشس نبرد ه و جهـت تطبیقی کم داشته اند ، سر نوشت سیمینار کنو نی از نظر شما چگونه برر سی میگردد ؟

ـتاجا ییکه وزیر عد لیه و عده داده است نتایج این سیمینا ر به مقا ما ت صلا حیت دار گزار شس می‌گردد تا جهت تطبیقی آن مورد مطا لعه قرار گیرد .

دکتور ناجیه خرد از گروپ رفاه اجتما عی در پاسخ به یك پرسشس در زمینه مسایلی که در جهت تامین رفاه اجتما عی اطفا ل به بر رسی آمده است کدام است ، میگو ید :

ـعمده ترین مسا یلی را که در زمینه رفاه اجتما عی اطفا ل به طرح آمد میتوا ن در این موارد تو جه به اطفال منحرف ، توجه بـه اطـفال معیو ب فزیکی و روا نی و تو جه همه جانبه به‌حال آنان ، اطفال نـاتوان از نگا ه اقتصاد فا میلی ،اطفالیکه مادرا ن آنها در بیرو ن از خا نه وظیفه دار ند ، اطفا ل یتیم واطفالی که با مادران خود در محبس قـرار دارند ودر نها یت اطفال بی سـر- پرست و اطفا لیکه نظر به ضرور ت باید کار کنند . و چگو نگـی- استخدا م آنا ن که در هر یك از موارد گفته شده بررسی ها یـی صورت گرفته و توصیه ها یی بـه- حکو مت داده خواهد شد . وی در یك مورد دیگر در پاسخ به ایـن پر سشس که شرا یط کار برا ی اطفا ل نیاز مند چگو نه و با چـه ضوا بطی تعیین خواهد شد مـی گو ید :

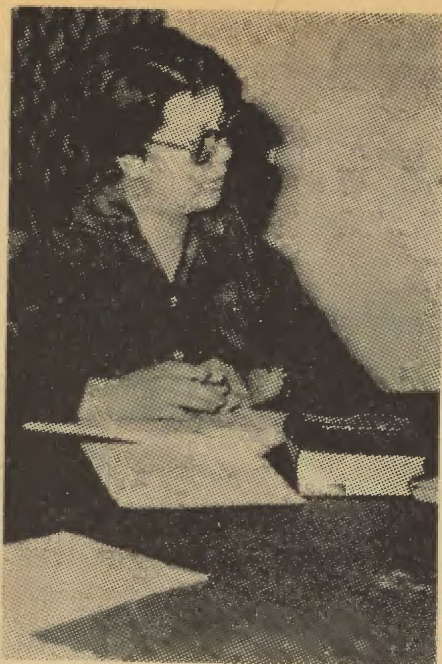
ـباید قیودا تی وضع گردد که کار ها ی خارج از توا ن کود کا ن بـه آنـان سپرده نشود ،هم چنین

رهنما ی خانواد ه که در گرو پ صحت شا مل است در این زمینه که گرو پ وی چه موارد ی را زیر مطا لعه گرفته و چه تو صیه هایی را به حکو مت دارد ، میگو ید :

ـ گروپ صحت باتوجه به‌محتوی مواد بیست‌و چهارالی‌بیست وشش اصو ل اساسی جمهور ی دموکراتیك افغا نستا ن که طفل، مادر وخانواده را مورد حمایت جد ی دو لت قرا ر دا ده است در مجموع مطالعا تی را به انجا م آورد ه که بر اساس آن تو صیه حیا تی در زمینه ها ی مرا قبت مادرا ن در زما ن بار داری و ولادت و دور ه بعد از ولاد ت ، تهیه غذای متمم برای اطفا ل‌گسترده سا ختن سا حه تعلیمات صحی و تغذ ی ، تدو ین قانو ن عا مه ، اجرای واکسینا سیون علیه امراض ساری ، تکمیل معا ینات صحـی اطفال قبل از شمو ل به مکتـب جلو گیری از معتاد شدن اطفـال به دخانیات و هـم چنین و ضـع قوانینی جدا گا نه در زمینه ها ی طفل غیر قانو نی ، اطفا ل یتیم ، به فرز ند ی گرفتن اطفا ل ، جلوگیری و تشخیص قبلی معیو بیت ، جلو گیر ی از شکنجه اطفا ل ، وتنظیم خانواد ه به حکو مت داده خواهد شد .

وی اضا فه کرد :

ـافغا نستا ن متعهد به هـدف ساز مان صحی جها ن در جهت (صحت برای همه) تاسال دو هـزار از طریق سترا تیژ ی کمك ها ی او لیه صحی میباشد و این مشتمل است به همکاری سکتوری ، سهـم گیری اهالی ، واکسینا سیـون ، تشخیص قبلـی و معا لجه امرا ض تهیه آب آشا مید نـی صحی ، و تامین حفظ الصحه منا سب ، ترویج ادو یه مورد نیاز ، تعلیم و تـر بیا صحی و تربیه پر سو نل منا سـب صحی ،تطبیق این‌استرا تیژی غرض بهبود صحت اطفال و مادران حتمی است .

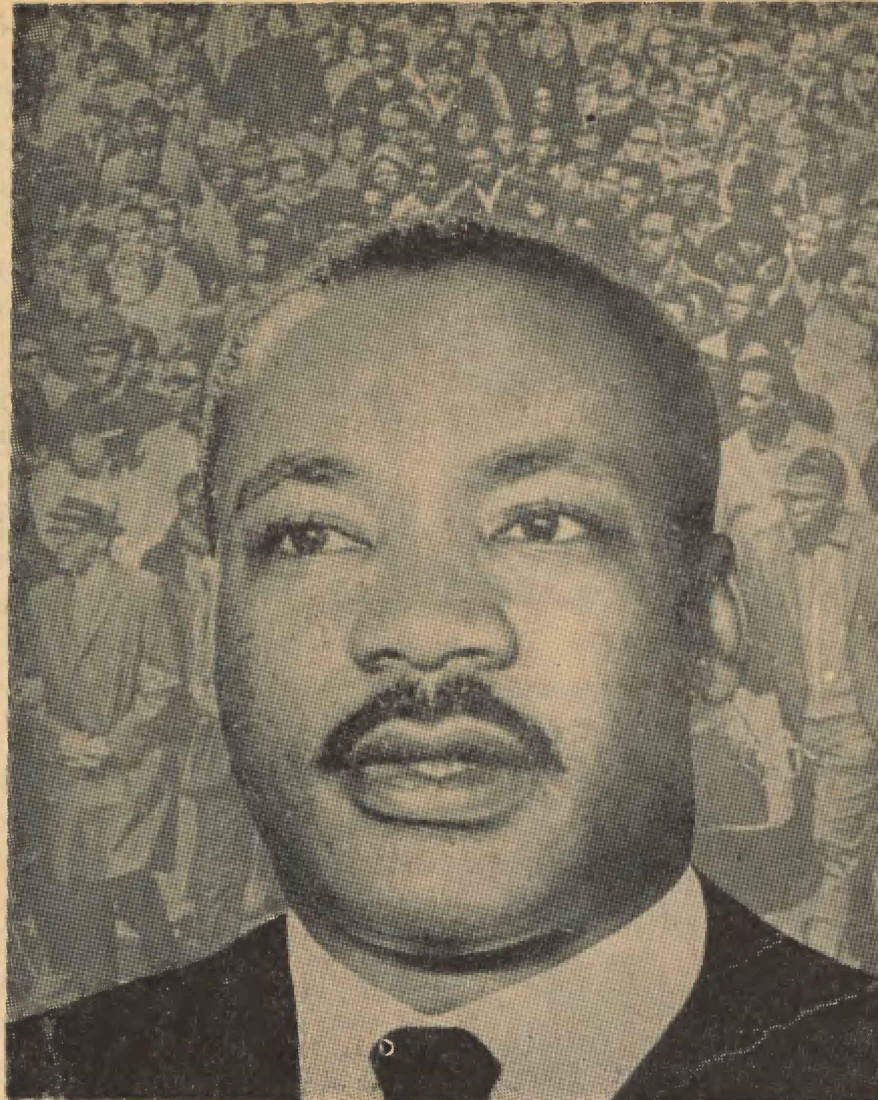


عایشه امیر



راحله راسخ خرمی مد یر مجله ژوندو ن





مارتین لوتر کینگ

ترجمهٔ قاسم «سرمد»

قسمت سوم

من هم یك انسانم

* * *

مارتین لوتر کنگ رهبر سیاهان

چگونه بقتل رسید؟

نهم اپریل ۱۹۶۸ روز تدفین داکتر شدند .

مراسم دعا در تمام شهر های امریکا بر گزار گردید و سفید وسیاه پهلو به پهلوی هم بمارش می پرداختند.

وقتی مرا سم دعا پایان یافت زنگ کلیسا ی بزرگ نرمك نرمك به صدا آمد جوانان به آهستگی آهنگ «ما پیروز خواهیم شد» را زمزمه می کردند . ما تمز ده گا ن ترانه مخصوص «آزادی مد نی» رابه یك صدا می خواندند، صدا در فضای کلیسای بزرگ سنگی مستو لی می شد .

روز شنبه آب ها ی سواحل‌شرقی وسواحل غربی آرام و خا لی بود. کار گران سواحل در مراسم یادوبود کنگ اشتراك کرده بودند .

بیرق های کشتی ها ییکه دربنادر لنگر انداخته بودند بحال نیمه افراشته در اهتزازدرآمده بود.رئیس جمهور امریکا روز هفتم اپریل را روز عزای ملی اعلام نمود. در این روز در جاده نمبر (۷) نیو یارك (۲۵۰۰۰) نفر اجتما ع نمودند ودر شهر بمارش پر داختند .

اغلب مکاتب بسته بود متعلمین یکی از مکاتب به چوکی های شان سا کت نشسته بود ند . دفعتا یکی از آنها سوال نمود ما رتین لو تر کنگ‌کی بود ؟ معلم جواب وی‌را بروی تخته نو شت کنگ شخصیتی بود که برای احقاق حقوق مدنی در امریکا مبارزه می کرد. او برنده جایزه نوبل بود و فلسفه عدم تشدد را به مردم تو صیه می کرد. متعلم دیگری گفت داکتر مارتین برای حقوق مدنی سیاهان مبارزه می‌کرد معلم از آنها سوال کرد آیا کنگ صرف حقوق مدنی سیاه پوستان‌را خواستار بود ؟ شاگردان جواب‌دادند نه‌وی این حقوق را برای تمام ملت امریکا مطا لبه می داشت .

صدراعظم هند ، داکتر کینگ را «فرشته صلح‌خواند» اعضا ی پارلمان هند و همچنان پار لمان آلمان‌فدرال واسامبله ایالت جنیو نیز بخاطر

روز نامه های ارو پا
یك روز نامه هسپا نوی
هادز امریکا که منجر به
کنیدی و داکتر کینگ د
همکار صمیمی شده بو
گلوله های یك آدم کش
ونادان از پای در آمده
نگرا نی کرد .

روز نامه پر تگا لی
امریکا او ضاع عادی
کنیدی و به تعقیب او
قتل رسید .

یك روز نامه فرانسو
تاثیرات قتل‌رهبرسیا ه
حقوق مدنی اظهار نگرا
نوشت اگر بلو او شور
می گردد . اگر انقلاب
فلسفه عدم تشدد را ک
درآنصورت چنین مفهوم
که واقعه ممفیس آغاز

روز نامه افریقای ج
عقیده نمود که‌روابط نژا
انسان را بلر زه می اند
ناآگاهانه آنچه را که تا
پذیر گردیده برای یك
عقب می اندازد .

جسد کنگ در کلی
کالج اسپل من در اتلا
داشت . صفوف طویل
ادای احترام از مقابل آ
وقتی چشم مردم به
داکتر می افتاد آنها به
رهبر سیا هان متو جه
میرسید ند که بعداز ای
وآرام وی‌که به مردم
ومحبت میداد بگو ش
رسید، بر خی گر یه م
سرعت خارج می شدن
می‌گزیدند و دور می ش

دو شنبه شب تا ب
کلیسای (ای‌بی‌نی‌زر)
منبر کلیسا گذاشتند
که‌کینگ و پدرش بوع
مراسم تدفین صورت‌م
به‌تابوت نزدیك می شد
محبوب خو یش خدا ح



ی کنگ‌ازترك نمودن رستوران‌سپید پوستان خود داری‌نمودپولیس اورا دستگیر کرد .

وبروی واگون گذاشتند . و وقتـــی واگون به مسا فرت چهار مینی خود یادومین مر حله مراسم تدفین‌شروع کرد در حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر بدنبال آن روان شدند در بین این جمعیت سیا و سفید فرما ندار و دهقان‌دیده می شد . وا گون از جاده (اوبرن)که کنگ در همین جا چشم به جها ن کشوده بود گذشت .

واگون و جمعیت انبوه از کوچه میشل به طرف مور هو س براه‌افتاد وقتی از کوچه (هن نن) محله نگرو نشین عبور می کردندآهنگ «فانوس کوچك من» را می خواندند

وقتی قاطر ها از گولایی که بـه صحن کالج ختم می شود گذشت جمعیت مزدحم از هردوطرف به‌طرف جلو هجوم بردند . قاطر ها برای لحظه ایستاد ند را ست و چپ را نگاه و گوشی‌های‌خود را پهن ساختند ولی اند کی بعد آرام گرفتند براه افتادند و به آرامـــی از در وازه گذشتند .

ساعت ۳ بجه بعداز ظهر فریادو گـریـه درمورهـوس شروع شـد جمعیت بسیار انبوه بود و بار هااز مردم‌خواسته‌شداز‌نزدیك شدن به‌تراس احتراز کنند، قسمت زیاد پرو گرام نسبت نبودن وقت کا فی حـــذف گردید.

کور تیا بیوه کنگ به آرامی و خاطر آسو ده تمام این تشریفات را پشت سر گذاشت . وی که یك‌زن ملیح و بردبار می باشد کنگ‌را در تمام فعالیت هایش یاری کرده بود

ولی تعداد کم مردم از فعا لی
همکاری ها یش بامار تین ا
داشتند . قتل شوهر ش اورا
به مردم شنا ساند . ثبات
به نفس او به همه قوت قلب

کورتیا برای آماد گی باین
وقت زیاد داشت . از شروع
کنگ هردو میدا نستند که ا
بدون اخطار قبلی به سراغ
خواهد آمد . وقتی حادثه
پیو ست اول پسر (۱۲) س
اش‌را در جریان گذاشت . با
خبر قتل پدر بمادر ش گفت
زن شجاع هستی من ترا کو
کنم هر گز فریاد و گریه س
دهم. مادر پسر ش را در آغ
گرفت و هردو اشك ریختند
ده ساله کنگ مار تین سوم
ترسیده ام ما در طفلش را ن
نمود .

در روز تدفین یعنی پنج ر
از قتل شوهرش کورتیا آسود
به نظر میرسید . صبح همان
جان کنیدی رئیس جمهور
امریکا بدیدن وی آمد آنها بر
دقیقه باهم صحبت کردند ،
بعد هر دو برای سهم گرفت
مراسم تدفین کنگ از خا نه
شدند .

وقتی مرا سم ته فین پایا
مارش کنندگان برای آخرین
آهنگ «ما پیروز خواهیم شد
خواندند .

بقیه در صفحه

لی ساعت پنج صبح هنگا میکه
اشعه‌ی زرین آفتاب بـــروی
ها بدر خشیدن آغاز کرد صد
بحال سا کت د انتظار بودند
۱۰٫۳۰ در حدود ۵۰۰۰۰نفر
بل کلیسا جمع شد. منسوبین
بحری ملبس به یو نیفـــورم
سان ها ، شا گردان سیـــاه
، دختران سیاه پوست و
ن سفید پو ست د[illegible]

معینه اخذ مو قع کرده بود، در بالای سر آنها از ورای شیشه کلکین‌زنگ زده که در آن مجسمه حضرت مسیح انعکا س یافته بود شعاع آفتاب بـه کلیسا داخل می شد .

بالای سر تا بوت مقابل منبر یك صلیب که از گلهای‌رنگارنگ ساخته شده بود قرارداشت. لنز تلویزیونی مراسم را در سرا سر امریکا برای بیشتر از ۱۲۰ میلیون نفر بیننده



گردهم آیی های اختصاصی ژوندون

سایل: سیاسی، اجتماعی وخانوادگی

وفرهنگ وهنر

ربوتهٔ نقد وانتقاد

راه‌های رشددر باروری تجارت ملی

در کشور

آیا تجارت ما دچار رکود شده است؟

نظیم : رووف راصع
حله راسخ خرمی

ن جدل :
انجنیر محمد عزیز رئیس عمومی ارزاق
مهر چند ورما رئیس عمومی اتاقهای تجارت
انجنیر شاهین رئیس افغان کارت
انجنیر امراحمد لمر رئیس عمومی‌موادنفتی و شکر
انجنیر مسکین‌مل‌رئیس انکشاف زراعت

راسخ خرمی : تجارت به گونه‌رهبری اساس پلانگذاری های علمی‌ومترقی توده های میلیونی در آن درنظرباشد زیر بنای اقتصادی کشور ودر جلب سعار خارجی نقش عمده و والایی‌دارد، کشور روبرو است ، به این جهت زمینه‌بحث و گفتگو را دراین مورد میگشاید که ازسوی شکایات ، انتقادات و پیشنهاد های دست اندر کار تجارت ملی‌وسرمایه گذاران انفرادی بازرگان هاو مقام های مسوول وزارت‌تجارت دشوار یهاو مشکلات تجارتی .

از جانب خود سپاس و تشکر ات عمیقم رابه وزارت تجارت و اعضای شرکت کننده جدل که دعوت ژوندون را برای این گفت و شنود پذیرا شدند هدیه میداریم .

رووف راصع : وسایل‌ارتباط جمعی ورسانه های گروهی که در واقع باید آئینه راستین نمای رویداد هاو مسایل‌موردعلاقه جامعه‌باشند وپل رابطه میان مردم وارگان های عهده دار توزیع خدمات اجتماعی ، زمانی میتوانندمورد اعتماد خواننده ، شنونده و بینندمواقع گردند که راستی ودرستی پیشه شان باشد ، هرگز به مسخ و رویگردانی رویداد ها نپردازند ، بابی پیرایه گی ودر نقش آگاهی‌دهنده به‌طرح مسایل بپردازند و هدف عمده شان از بررسی وارزیابی دشوار یهاو مشکلات همگانی رفع اختصاصی خود به طرح دشواری های زندگی مردم میپردازد و مسایل سیا اجتماعی و خانوادگی و فرهنگ و ه بوته ی نقدو انتقاد میگذارد .

هدف ما از تدویر این جدل هااین ا بتوانیم با بررسی مشکلات زندگی گ مردم وطرح آن باارگان های مسوول میان سازمان های مسؤول عرضه خ اجتماعی و مردم را استحکام بخشی جریان قرار دادن مسوو لان امور از ها وتقاضا هادر زمینه کار شان و ع بروز مشکلات طرق وشیوه های عم آنرا نیز به کاوش گیریم که درهمین

گردهم آیی های ما پیرامون مسایل در ارتباط با زندگی مردم ودشواریهای از نتایج سود مند بر خوردار بوده



ز میز گرد ژوندون پیرامون‌چگونگی وضع تجارت در کشور

ی را که دراین جدل به طرح میاید
راین موارد خلاصه ساخت :

نکه : یکی از راه های جلب اسعار
، وسیع انکشاف توریزم در کشور
نکشاف توریزم نه تنها میتواند ده
دالر را سالانه‌به عاید کشوربیفزاید
ی اقتصادی مارا تقویت کند، بلکه‌در
ت آوری فرهنگ پر غنا و بارور بومی
نیز به مردمان‌کشور های دیگر نقش
ارد ، از دیگر سو انکشاف توریزم
صنایع دستی تاثیر عمده‌یی به جای
وسبب میگردد که هزاران خانواده‌اند
یع در اشکال بومی و محلی بتوانند
وش دایمی برای تولید های خود
ورده و چرخ زندگی راآز این راه
وبه رفاه‌نسبی اقتصادی نایل گردند.
به اینکه شرایط خاص انقلابی و
ابکارانه عمال ضدانقلاب موجب‌رکود

به مرور دچار ناهمآهنگی گردد و از تعداد
خرید اران کاهش به عمل آید .
دو دیگر آنکه :
عده یی بر این باورند که
شیوه های کنونی مدد رسانی ارگان های
رسمی وزارت تجارت به‌تجار انفرادی به گونه
یی است که اغلب سرمایه ها راکد میماندو
این بیشتر مشمول‌سرمایه هایی میگردد که‌در
صادرات لباس های افغانی دوران داشتند به
گفته برخی از دست اندر کاران خارجی حجم
تجارت انفرادی تا بیش از پنجاه فیصدکاهش
یافته در حالیکه طرق‌وشیوه هایی وجود دارد
که ارگان های تجارتی با پیروی ازآن نه تنها
میتوانند این کاهش حجم دورانی سرمایه‌های
انفرادی را به مقایسه گذشته جبران کنند ،
بلکه آنرا افزایش نیز بد هند .
سه دیگر :

خدمات بانکی و خدمات گمرکی

مطالعه آید و با راه های عملی ازآن جلو گیری گردد.

وپنج آنکه : تاهنرز هم نوعی روابط استثمار گرانه میان مولدین صنایع دستی‌وتجاروموسسات صادر کننده آن وجود دارد با یـــن معنی‌که رنجبران وزحمتکشان تولید کننده صنایع دستی هم چنان درفقر میزیند ، قیمت کار شان افزایش نیافته است و آنانی که بـــرای موسسات شخصی کار می کنند از تمام مزایای‌که‌کارگران دولتی دارند محروم می باشند در حالیکه ثمره کار آنـان است که سرمایه هـارا بیشتر و افزون تر می سازد و به‌این دلایل و دلایل فراوان تر باید وزارت تجارت در به وجود آوری نوعی مناسبات عادلانه میان کار گر وکار فرمای تجارتی اقدام کند و بـــه کمك وزارت عدلیه در این زمینه‌ها به وضع مقرره مالی خاصی بپـــر- دازد .

اینك نوبت سخن را به شما می دهم.

رئیس عمومی اتاق های تجارت:

باامتنان از وزین نامه ژوندون که زمینه این گفتو شنود را فراهم آورده است به پاسخ شمایادآورمی گردم که‌وزارت‌تجارت برای انکشاف امور تجارتی کشور به دوران‌اندازی مثبت هر چه بیشتر سکتور سرمایه گذاری های خصوصی ، افزایش حجم صادرات کشور ،تورید اجناس ومواد مصرفی طرف ضرورت های اولی مردم ، ثابت نگهداشتن قیم در مار کیت های داخلی و دیگـــر اهداف رشد و بار وری تجارت ملی اقدامات وسیع داشته و بعـد از پیروزی مرحله نوین و تکاملـــی انقلاب ثور ساحه این گونه فعالیت ها بسط و وسعت بیشتر یافته وبر اساس هدایات مواد هجده و بیست ویك اصول اساسی جمهوری دمو- کراتیك افغانستان سر مایه گذاری های سکتور خصوصی را در جهت

شرایط انقلابی و در این شمار
مصونیت ترانسپورتی و خرابک
هایی که در همین زمینه برای
زدن موتر هاو حمله های مسلح
صورت می گیرد و از سوی دیگ
تبلیغات و پروپاگند های روز اف
رسانه های گروهی امپر یا لی
در باره افغانستان .
اما رکود در امور توریستی ه
موجب آن نشده است که بازار
برای کالا های توریستی افغانس
متوقف گردد و یاد چار رکود
چنانکه برای حفظ بازار های فر
وبالا روی حجم صدور کالا هـ
توریستی و بازار یابـی تاز
مارکیت های جهانی فعالیت
گسترده یی از مانــند گشا
امپوریم هاو نمایشگاه ها در
برای جلب مشتری بیشتر و
داشته و دارد و در این رده ا
بخواهید شواهد مستند فراو
وجود داردکه‌می توانید آنرا درگ
نامه خودبه‌نشر رسانید.
مورد دومی که شما اشاره
شدید دراین زمینه است که گ
نحوه برخورد ارگان های رس
تجارتی با تجار انفرادی به گو
ایست که آنان ساحه محدودی
فعالیت تجارتی دارند و سر
های شان را کد میماند و از د
همیشگی باز میماند در حالیک
واقعیت غیر از این است و شو
برای تایید ادعای من فراوان
تاپیش از پیروزی مرحله ن
تکاملی انقلاب ثور تجار ملی‌و و
پرست نیز مانند همه‌اقشار و ط
دیگر زیر فشار های فراوان
داشتند تاجاییکه حتی ملکیت
سرمایه های شان نیز بر پا
اتهامات بی پایه مورد تجاوز و
قرار می گرفت ولی باپیروزی م
نوین انقلاب و با پیروی از مح

معا فیت ر سم ار ضیه
، معا فیت دیمر ج بنــادر،
دیمرج سگرت ، تمد یـــد
جواز نامه و فرا هــم آوری
ت بیشتر در امور جوازنامه
رید موتر های لاری مستعمل
ر خصو صی ، جلو گیری‌از
نه اجباری از تجار، تخفیف
یت در تمام اقلام‌وبا لخصوص
مورد ضرورت او لیه مردم،
تورید تلویزیون برای تجار،
اخذ حق الانحصار از پشم،
آوری تسهیلات فراوان در
نتقالات اموال ، تاد یه بیست
از ما حصل فروش صادراتی
صورت گرفته باشد گوشه‌یی
گو نه اقدامات است در جهت
، و پشتیبانی از تجار ملی.
چنان پیش از مرحله نویـن
ی انقلاب ثور طرز العمل اخذ
ل اموال‌تور یدی و بار تری
بود که محصول برو یت و
اصل اسناد سنجش و اجرا
دید و اغلب چنان میشد کـه
اصلی نظر به ورود اموال در
مد تی معطل می ماند ودر آن
تاجر در صورتی میتوا نست
خو یشی را بر و یت کا پـــی
از گمرك محصول و خـــارج
که علاوه بر تادیه محصو ل
مال وارده مبلغی را نیز بـه
ضمین نزد گمرك به اما نت
، در این شکل اجرا علاوه از
جارت دچار رکود می گردیدو
یه های هنگفتـــی از دوران
ی باز می ماند ، مشکلات‌عمده
برای تجار کم سر مایه‌بار می
که چون توان تحمل آنرا از
می سر مایه دورانی خـــود
ند موجب میگردید که نسبت
ر تجار تی بد بین گشته و حتی
تجارت را ترك گو یند ، بـه
ایل و بادرك این مشکلات برای
، تاجران کم سرمایه و تشویق
به فعالیت‌بیشتردرامور تجارتی
تجویز گرفته شد که اجراآت

موفق گردند چنا نکه ارقام مقایسوی
حجم تجارت به‌وسیله سرمایه‌گذاری
خصوصی در سال های ۵۸و ۵۹ خود
گواه این ادعا ست و من نظر شمارا
به آن معطوف می دارم .

مجموع مبلغ پرو فورمه هادرسال
۱۳۵۸ به موجب اسناد عبارت است
(۱۸۶۰۲۷۸۵۶) دالر که این رقم‌در
سال ۱۳۵۹ به (۳۳۲۰۸۶٤٦٤) دالر
بالارفته‌ورقم‌افزا یشی(۱٤٦۰۵۸۰٦۸)
دالر یعنی تزیید (۷۸) فیصد را در
سال ۱۳۵۹ نشان میدهد .

رئیس انکشاف‌صادرات : به‌تایید
گفته های رئیس عمومی اتاق های
تجارت و برای اینکه نشان دهیم که
نه تنها تجارت در کشور ما د چار
رکود نگردیده بلکه بعداز پیروزی
مرحله نو ین و تکاملی انقلاب ثـور
به فیصد ی قابل ملاحظه یی رو به
تزاید بوده است که طبیعی است‌با
وارقام واعداد واقعیت هابه بیـــان
آید .

مجموع صادرات ربع او ل سال
۵۹(۱۲۹۵۵٦) هزار د ا لر ومجموع
صادرات در همین مدت سال ۱۳٦۰
(۱۷۹۵۱٤) دالر است که افزا یش
۳۸ فیصد را نشان میدهد .

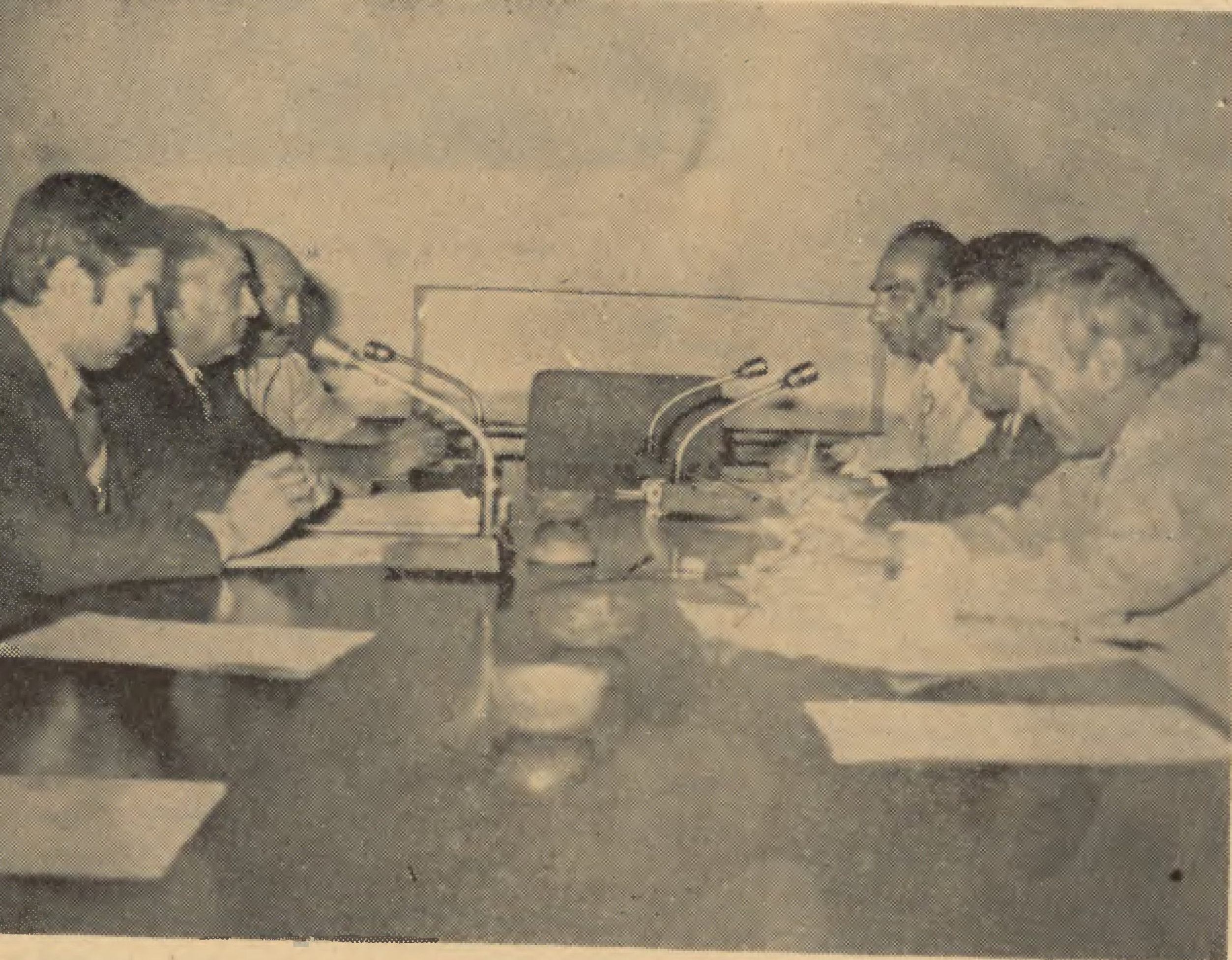
به ارقام و اعدادبه‌صورت مشخص
ترنگا هی میا ندازیم :

ارزش صادرات میوه تازه در سال
۵۹ معادل (۳۳۹۰۰۰) دالرو درهمین
مدت سال ۱۳٦۰ (۸٦۰۰۰۰) دالر
است میوه خشك در سه ماه اول
سال ۵۹ بیش از ۳۵ هزار دالروهم
زمان باآن در سال شصت به بیش‌از
شصت و شش هزار دالر دالر افزایش
یافته‌است همچنین صادرات پشم‌به
صورت مجموع در ربع اول سال۵۹
معادل(۱۱۱) هزار دالر و در همین
مدت سال شصت بیش از یکهزارو

سال ۱۳٦۰ با سال ۱۳۵۹ ت
مقداری سیـــزده فیصد و ا
شانزده فیصد را نشان میدهد.

برای ثابت‌نگهداری‌قیم درما
های داخلی توجه فراوانی به
آمده که اجنا س و مواد او لیه
نیاز همگا نی بیش از گذشته
اندازه یی تورید گردد که عـ
فراوان روی تقا ضا اثر نیك گ
ازصعود قیمت ها جلوگیری گ
عنوان مثال مجموع واردات ش
ربع اول سال ۵۹ شش اعشا
هفت میلیون دالوو در همین
سال شصت یازده اعشاریه چ
میلیون دالر است که افزایش
فیصد را نشان می دهد.

این افزایشی درمورد چای
سیاه در همین مدت شامل
چار فیصد افزایش ، از روغ
دو صدو شصت و شش فیـ



گوشه‌یی ازمیز گرد ژوندون کـه‌پیرامون مسایل تجارتی کشور دایرگردیده بود.

: سرا ج الدين صنعتيار

...ردوزی بخارایی





نمونه یی ازکلاه‌زردوزی

...ی از افسا نه های قدیم ...آمد ه است که پاد شا هی از طر ف دشمن دستگیر و اسیر شد . پادشا ه با اجاز ت دشمن سوزنی * را با دست خود دو خته به کشورش به شاه خانم ارسا ل نمود . چند ی بعد عساکر به‌شهر رسیدند و پادشا ه را از کشتن نجا ت دادند . معلو م گردید که‌شاه خانم ازلای گلهای سوزنی نوشته را خواند ه بود که شو هر ش اسیر است .

آنچه را قصه کردیم همه تخیلی نیست . قبلا نقاشا ن و دوزندگا ن اجاز ه ندا شتند که در آثار شا ن زنده جا ن هارا رسم نمایندوبدوزند همینکه در کشور های شر قی صنعت میده کار ی رونق گر فت واشا عه یا فت ، اسرار نقشس هاو سمبو ل ها دربخیه های دو خت مر مو ز با قی ماند .

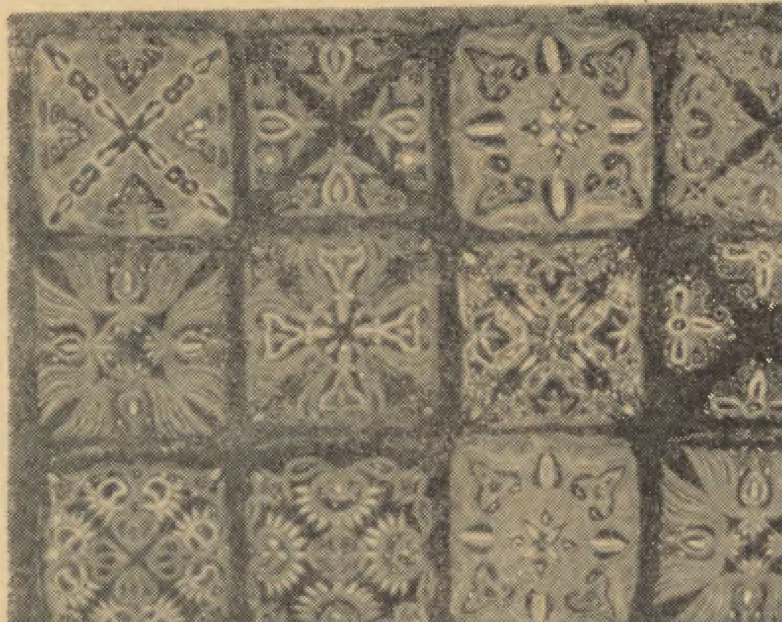
صنعت و هنر تز ئینا تی‌خصوصا زیبا یی خیر ه کنند ه لباس ها ی ملی آسیا ی میا نه و بیشتر ازهمه پیرا هن های گلا باتو ن دوز ی و ابریشم دوز ی ، کمز و ل* های مخملی ، چشم بیننده‌را خیره می نماید . تز ئین اطا قها توسط حریر و تکه های مخملی سوز نی‌تا حا ل در حیا ت عنعنو ی مرد م حفظ شد ه . در زما ن های قدیم روجا یی ها ، سفر ه ها. دستما ل ها و امثا ل آنرا با دست میدو ختند که یك سا ل و قت را در بر می گرفت. ضمنا قسمتی از سوزنی‌زا نا دو خته میگذ اشتند ، بدین معنی که خو شی و خو شبختی‌همان فا میل تما م نه شود . گو یا این هم‌جزء رسم و روا ج مرد م به‌شمار می رفت ، اما اکنو ن چنین نیست .

اگر در خانهٔ کدا م او زبک ...

زر دوز ی مردا نه ویا ز نانه ح... در آن منز ل دیده می شود . ... قدیم این کلا ه ها را زر دوز ها... دو ختند ، و بهتر از همه کلا ه... نوع دو خت بخارا به شمار می... برا ی یاد گر فتن این نو ع دو... حتی مرد م از دیگر کشور ها ... آمدند .

میگو یند ، در بخارا ی قدی... اگر راجع به شخصی گپ ز ده... شد ، که او از کو چه « میردوس... است ، در آ ن صور ت همه م... دانستند که او چه کار ه است ... کدا م طریق نانشس را پیدا میک... در کو چه متذکر ه زردوز ها ی... به‌نسل ، یعنی استا دا ن ما ه... زیستند . تا چندین قر ن زر د... پیشه مردانه به شمار میر فت .

در سا ل ها ی قدیم اگر قا... از شهر ی میگذ شت ، اها لی ش...





یك ماشین کمپا ین درحال دروگندم

گزار ش از :جرمی

دولت زمینه کار وفعالیت های زراعتی رادر کشور مساعد می سازد

از آن جایکه سکتور زراعت اسا-
س انکشاف اقتصادی و پایه های
بزرگ تجارت خارجی کشور ما را
تشکیل می دهد ، حزب و دولت
انقلابی ما برای بهتر سا ختن کازو

فعالیت های زراعتی و شیوه های
تولید پس از پیرو زی انقلاب شکو-
همند ثور و به خصوص مر حله
نوین و تکا ملی آن توجه جدی مبذول
می دارد ودر زمینه تصاویب وفیصله

های انقلابی ای را به عمل می آورد.
چنانچه اخیرامصوبه شورای وزیران
جمهوری دمو کراتیك افغا نستان در
مورد تطبیق موثر پلان کشت تیر -
ماهی در کشور صادر گردیده است
که یقینا در امر بهبود کار و فعالیت
های کشاوزی درکشور اثرات مهمی
بجامی گذارد .درارتباط به‌این مصوبه
و کمپاین کشت تیر ماهی در کشور
راپور تر مجله با محترم داکتر ببرك
(ارغند) رئیس‌تبلیغو آموزش زراعتی
وزارت زراعت و اصلا حات ارضی
مصاحبه ای به عمل آورده است که
اینك تقدیم شما خوانند گان می
گردد :

رئیس تبلیغ و آموزش زرا عتی
وزارت زراعت و اصلا حات ارضی
بپاسخ این سوال که هدف از تطبیق
کمپاین کشت تیر ماهی در کشور
چیست ؟ چنین بیان می دارد :

تیر ماهی ،استفاده موثر
فارم های دولتی و کوپرا
زراعتی از ماشین آلات ع
عتی ، آشنایی دهقانان به
آماده ساختن زمین برای
فت وقت مناسب برای ک
یاری ، استعمال مقدار من
کیمیاوی و تخم اصلاح
درست وموثر ادویه جات
و امراض نباتی در مزار
ذهنیت دهقانان از زراعت
قدیمی به زراعت مدرن و
به خاطر تامین رفاه و آس
گی اجتماعی و اقتصادی
در نتیجه با لابردن سط
زراعتی در فی واحد جری
باشد .

- کدام مو سسات مو
در کمپاین کشت تیر ما
با زارعین کشور کمك
نمایند ؟

- موسسا تیکه عمدتا
کپاین کشت تیر ماهی
بیشتر به زار عین ذیدخ
عبارت اند از :

۱- ریاست عمو می
تولیدات زراعتی که مسو
ارتباط بین پلان ها و پر
شعبات ذیدخل را در ک
تیرماهی (٦٠ - ٦١) تف
مطروحه‌مرکزی‌به‌سویه و
وبه سویه‌یونت هاو محل
مدیریت های ترویج ولا
های یونت های ترویج
زارعین را درمورد تطبی
تیر ماهی و استفاده از
از طرف دولت فراهم میگ
دارد .

۲- ریاست فارم‌های
دارد تا اراضی بیشتر
قرار داده و به منظور ت
کشت تیر ماهی تعهداتی
قرار داد هایی که با شر
اصلاح شده و شرکت
انجام داده است تکمیل





مزرعه حاصل ایستاده گندم

شین آلات مورد ضــــرورت
ف ها و اعضای آن را بـه
نقده و قرضه از طریق بانك
زراعتی،شرکت کودکیمیاوی
تخم های اصلاح شده ،ریا۔
کانیزه‌و بانك انکشاف‌صنایع
سعبات ذیدخل تهیه و تکمیل

سرکت کود کیمیاوی افغـان
اردتا مقادرکافی‌کود کیمیاوی
تخم های اصلاح شده مـورد
کمپا ین کشت تیر ماهی را
راگرم مطرو حه ودر او قات
سویه ولسوالی ها و عـلاقه
مطابق سهمیه تعیین شده
رعین انفرادی ، کوپرا تیـف
م های دولتی انتقال و توزیع

سرکت تخم های اصلاح شده
ارد تا تخم های اصلاح شـده
را با در نظر گـــر فتــن
محیطی آن‌طبق سهمیه بندی
ه در وقت معینه و منا سب
شرکت کود کیمیاوی‌افغان
د .

یاست بانك انکشاف زراعتی
ارد تا خدمات کرید تی‌زراعتی
رعین و اعضای کوپرا تیـف

فصل نماید .

۸ـ ریاست میکانیزه‌زراعتی وظیفه دارد تا جهت همکاری و رفع مشکلات دهقا نان انفرادی و کوپرا تیف های زراعتی در کمپاین تیرماهی ســال (۶۰ ـ ۶۱) استیشن های خود را درمناطق مهم زراعتی کشورمنکشف و فعال نگهدا شته و تعداد کافـــی ماشین آلات زراعتی را آماده و به کرایه مناسب در اثنای کمپا ین طبق يك پرو گرام منظم در اختیاردهقانان بگذارد .

۹ـ ریاست حفاظه نباتات وزارت زراعت و اصد لاحات ارضی وظیفـه دارد تا در مورد تداوی تخم هـــای بذری گندم سهم فعال گرفته ومامو۔ رین مربوط خویش را برای رفــــع و مجادله علیه بروز حمله هر گونه آفات و امراض نباتی در مــــزارع دهقانان در جریان کمپاین کشـــت تیرماهی بگمارد .

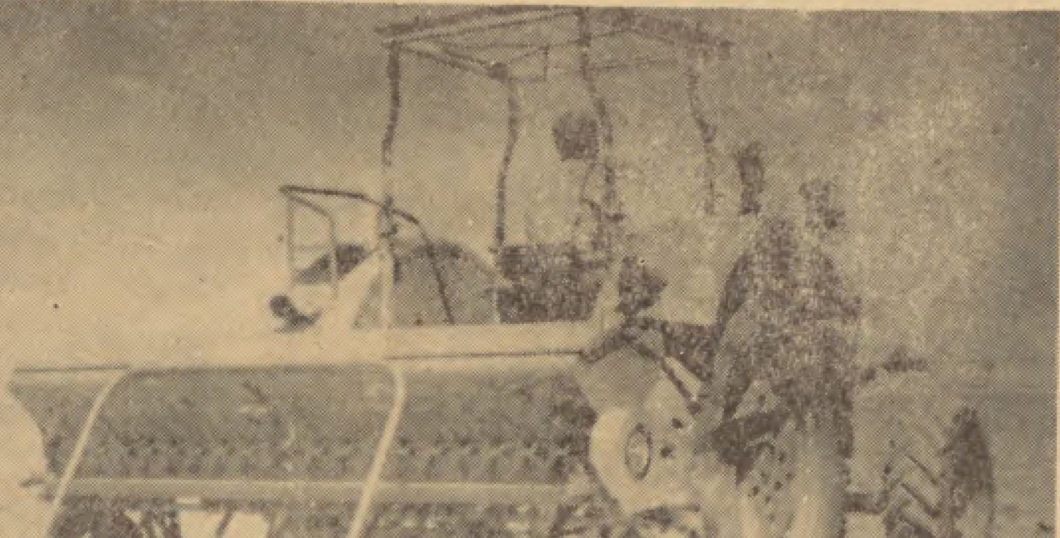
ـ در کمپاین کشت خزانی امسال چه اندازه زمین تحت بذر غله جات قرار خواهد گرفت و به کدام پیمانه گندم اصلاح شده کود کیمیـاوی و ادویه ضد آفات و امراض نباتی در نظر است به زارعین توزیع گردد .

ـ ساحات عمومی تحت بـذر در افغا نستان در سال (۱۳۶۱) بـــه (۳۸۲۷) هزار هکتار پیش بینی شده که از آن جمله برای کمپا ین گندم سال (۶۰ ـ ۶۱) ساحه مجمو عی‌دو هزار و سه صد و چارده هزار هکتار تخصیص داده شده است که منجمله يك هزار و دو صد و شصت هزار هکتار آن آبی و يك هزار و پنجاه و چار هزار هکتار آن للمی می باشد.

به صورت مشخص در کمپا یـن خزانی گندم سال (۶۰ـ۶۱) سا حه موازی يك هزار و پنج صد وشصت و هفت هزار هکتار برای گندم آبی‌و للمی اختصا ص داده شده‌که منجمله این عدد ساحه هشت صد و هشتاد و دو هزار هکتار برای کشت گندم آبی خزانی و شش صد و هشتاد و پنج هزار هکتار آن برای کشت گندم خزانی للمی پیش بینی شده است .

همچنان ساحه کشت جودر کمپ
سال (۶۰ـ۶۱) سه صـد و ش
هزار هکتار پیش بینی گردیده
آن جمله نود و دو هزار هکتار آ
بذر خزان سال ۱۳۶۰ در نـظر
فته شده و ساحه مجموعی جو و
خزانی این کمپا ین به يك هز
ششی صد و پنجاه و نه هزار ه
می رسد . برای کشت کمپا یـ
خزانی گندم وجو مجمو عا مقـ
شصت و يك هزار تن کود کیم
کـه منجمله چهل اعشاریه‌شص
هفت هزار تن آن یوریا ، بیسـ
اعشاریه سی و سه هزار تن آ
های فاسفیت دار و مقادیر دو
یازده اعشاریه پنج هزار تن تخ
بذری که از آن جمله مقدار یکص
پنجاه و چار اعشاریه سی و پنج
تن برای کشت گندم آبی و مقـ
چهل وهفت اعشاریه نود وپنج
تن برای کشت گندم للمی و نـ
اعشاریه دو هزار تن برای کشت
پیش بینی گردیده است از جم
هفتاد اعشاریه پنج هزار تن تخ
بذری گندم اصلاح شده مـــ
ضرورت که مقدار نه هزار تن آ
طریق پرو گرام دولت و بقیه ش
وچهار اعشاریه پنج هزار تن آ
زارعین تبادله میگردد .

همچنان فرو شات معادل
بیست ملیون افغا نی برای ادویه
لازمه نباتی کمپا ین کشت خز
مدنظر گرفته شده است .





نوائی وحافظ

ؤلف : اکادمیسین عبدالغنی میرزایف
ش وتهیه: ع.غ بیاتی

-۲-

رتیکه وضعیت غزلسرایی چنان بوده
در مبحث گـــذشته مطالعه شد پس
ایی همچون یکی ا ز شاعران بزرگ
یجادیات خودرانظربه اکثرهمعصرانش
تعریف مسأله های مهم زندگی‌وادبیات
داده بود .

حه غـزلسرایی دری وتاجیکـی بـــه
کدام استاد سخن میبایست دقت‌و
ماید ؟ ـ البته به غزلهای خواجـ

ازاین نقطهٔ نظروی موافق خواست نظیره
سرایی میبایست . غزلهای بهترین ومشهور
بزرگترین غزلسرا را گرفته ، در وزن،قافیه‌و
موضوع همان ها جواب نویسد . این گونه
غزلسرای بزرگ ،چه‌طرزی که‌در بالا مشاهده
نمودیم ، حتما خواجهٔ شیراز بود .

علیشیر نوایی در غزلهای جوابیه خود ،
در چه موقعها معانی غزلهای حافظ را تکمیل
میدهد . در تصویر کدام مساله ها جوابهای
نوایی با غزلهای حافظ همسنگ افتاده اند،

وادبی که علیشیر نوایی در تاریخ نظم دری‌و
تاجیکی اشغال نموده ، تصورات روشنی‌بدهد
مثال یکم از حافظ :

«واعظان کاین جلوه‌در محراب و منبرمیکنند
چون به خلوت میروند ، آنکار دیگر میکنند
مشکلی دارم ، زدانشمند مجلس باز پرس
توبه فرمایان چرا خود توبـــه کمتر میکنند ؟!
گـوییـــا بـاور نمیدارنـــــد ر و ز داوری
کـــا ین همـه قلـب و دغل درکار داور میکنند
یارب این نو دولتان را باخر خودشان‌نشان
کاین همه ناز از غلام ترك و استر میکنند
ای گدای خانقه برجه که در دیر مغان
میدهند آبی و دلها را توانگر میکنند
حسن بی‌پایان او چندان‌که عاشق میکشد

زین شرف چون منع محرومان دیگر می
چون صفا از توبه اهل زهد را ز
چون بدین تکلیف رندان را مکدر می
می فروشان باده را روز یکه میسا
مجمر رو حانیان زان بو معطر می
از پی نظارهٔ بلبل خوشست او
باد وباران آن صحایف از چه ابترمی
جرعهٔ پیر مغانم ده بدست . ای
رغم آنا نیکه وصف حورو کوثر می
ساده دل واعظ ، که گویدهرچه آی
ساده‌تر آنانکه این افسانه باور می
آن چه چشمانندکه ازمژگان دوصف
عالمی در طرفة العینـی مسخر می
خازنان روضه از اشعـار فانی لعل و
برد بر رخساروگوش‌حور زیور می
معانی تازه درین غزل جوابیهٔ علی
کم نیست . شاعر در برابر به خو
نمودن تمام خواسته های نظیره سرا
نموده است ، که معانی از تازه دا
او نسبت به معانی غزل حافظ به
نوع‌شرح وعلاوه قرارگیرد . برای مثا
بیت اول غزل حافظ را بابیت او
جوابیه مقایسه کنیم ، این حالت را
مشاهده کرده میتوانیم . حافظ دربی
واعظان را انتقاد نموده ، در محراب
ایستاده چه گفتن ودر خلوت بر
به چه کار ها مشغول شدن آنها را
خواست وقت باید باشد ، روشن نمی
از مطالعهٔ بیت شاعر ما بخوبی می
انتقاد حافظ درین بیت ضدیت گفتا
باکردار آنها میباشد . علیشیر نوا
«جلوه در محراب و منبر» کردن وا
قسما شرح میدهد ، یعنی واعظان
گر چه مردم را از می‌و ساغر منع میک
خودشان به آن عمل نمینمایند .
مثال دوم حافظ :
«بیاتاگل بر افشانیم ومی‌در ساغر
فلك را سقف بشکافیم وطرح نودر ا
اگرغم لشکر انگیزد،که خون عاش
من وساقی‌بهم سازیم‌وبنیادش بر ا
شراب ارغوانی را گلاب اندرقدح
نسیم عطر گردان را شکر در مجمر ا
چوددست است رودی خوش ،بزن‌مطر
خوش
که‌دست‌افشان‌غزل‌خوانیم وپاکوبان‌س

ی از احمد عارف (غفار یار)

زندگینامه‌و آثار

رومن پولانسکی

ولانسکی درسال۱۹۳۳ ازپدر و مادر در پاریس ، چشم بجهان‌گشود و ن به سال ۱۹۳۶ به لهستـــان بـاز

هستان از طرف سر بازان هتلـری ند• در گرما گرم جنگ جهانی دوم پولانسکی را به باز داشتگا ههای ستادندکه درین‌زمان پولانسکی هشت ت • بعدازاین حادثه او تنها ماند وارادهٔ دستحکم‌وبا یاری چندخانواده توانست سالهای دشوار زندگی را بر تمام مشکلات غالب اید • پولانسکی نتوانست با ظلم و فشار تلری مقاومت کند ودر باز داشتگاه • اما پدرش توانست جان بسلامت

کی باز یگری تیاتر رادر چهارده ز کرد و در نمایشنامه های بسیاری ست . سپس درمدرسه‌فلم‌نام نویسی ن باآن به بازی درفلمها پرداخت . دوره وپس ازآنکه در ساختن چندفلم انان دیگر دستیار شد • خودش گردانی‌فلمهای کوتاهش را آغازکرد•

پولانسکی یکی از برگزیده ترین و رین فلمسازان است‌که ، با استعداد در دهٔ شصت ،در سینمای جهـان • وتا این زمـــان در اروپا کسی ری کرده نمیتواند واز شهرت خوبی است •

کار پولانسکی دراین است که او متوجه این است که شخصیتهای فلمهایش‌در برابر رویداد های زندگی خود بطور غـریزی چه واکنشهای نشان می‌دهند •

پولانسکی نخستین فلمش یعنی دو چرخه را نتوانست به پایان برساند ولی در فلم بعدی خود استعدادش را بخوبی نشان داد • این فلم (برهم زدن مهمانی رقص) نام داشت که مطالعه ی درروحیه وحالتهای بیمار گـونه ای جوانان بود وپولانسکی برای بازی در آن‌چند جوان مجرم واقعی را به کار گرفت •

سال بعد ، پولانسکی با ساختن یك فلم کوتاهی پانزده‌دقیقه ای،توجه سینما دوستان، لهستانی را به خود جلب کرد. این فلم (دومرد یك الماری) نام داشت وتوانست در جشنواره های بروکسل، سان فرانسیسکو واوبرهاوزن، جایزه های کسب کند .

طرح داستان این فلم کوتاه کـــه از طنزی تلخ وگزنده برخوردار است،در باره دو مردی میباشد که‌همراه بایك‌الماری از دریا سر برمی می‌آورند • وبه ساحل‌می‌آیند وبعدا به شهری ساحلی وارد می‌شوند • این دو مرد برای‌پیدا کردن جایی، همه جارا میگردند • ولی جای‌را نمی یابند وبه تمام نمایندگان اقشار مختلف مردم خواست خود رادرمیان می‌گذارند اما باز هم به‌جای نمی‌رسند و حتی از دست چندجوان شهری اذیت هم می‌بینند وآئینه الماری شان می‌شکنند • دو مرد سرانجام با اندوه به دریا باز می‌گردند واز چشم ناپدید می‌شوند اشایهٔ پولانسکی در این فلم آشکارا به مقاومت واکراه

بیخیال ، روی تخت لمیده است وجوانی لاغر اندام‌که مستخدم‌است (نقش مستخدم‌راپولانسکی خودبازی می‌کند) سر گرم پذیرای‌از اوست نوکر به انجام دادن هر کاری برای اربابش دست می‌زند ، آشپزی می کند ، پاهایش را می‌شوید ، کفشهایش را تمیز میکند وحتی به آهنگ گوشخراش طبل او می رقصد • نو کر گاهی ارزو مندانه به شهر پاریس، که دردوردست اطاق دیده میشود نگـــاه میکنـــد و آرزوی آزادی و رهـــایی را دارد . وسوسهٔ آزادی سرا نجام اورا به اعتراض علیه اربابش برمی انگیزد اما اعتراض اوبه جای نمی‌رسد ارباب به قصد گوشمالی ، نو کر رابه زنجیر می‌بندد و موقعیت نو کر تیره تر میشود وسبب میگردد که او حسرت زمانی را بخورد که دست کم به زنجیر بسته شده بود . درپس ایـــن استعاره لال بازی گونهٔ طنز کوبنده و خشونتی بیر حمانه نهفته است و آخرین نمای این فلم در واقع باز تاب راستینی از اخلاق حاکـم بر رابطهٔ ارباب ـ نوکر وراز بقـای ضعیفان در برابر قویدستان است •

پولانسکی در بازگشت‌به لهستان فلم کوتاه دیگری بنام پستانداران ساخت که در همان سال برندهٔ جایزه‌بزرگ‌جشنوارهٔ (تور) فرانسه شد •

پولانسکی با تنها فلم بلندش چاقو درآب به سال (۱۹۶۲) به گفتهٔ خودش یکشنبه از خواب گمنامی به بیداری شهرت رسید•

برخورد میـان آدمهـــا و فضای آگنـــده از تحقیر چاقو در آب ، به آنها ی که فلمهای



رومن پولانسکی سینماگـــر با استع
درخشندهٔ جهان سینما .

ولی گازم نگیر) نمایش داده شد •و
طنز آمیز است‌پولانسکی درین فلم ،نقش
داشت او بازیگر نقش دستیاری پروفی
باهوش است که همهٔ عمرش رابه پژوه
علمی در بارهٔ خون آشامان گذارنده
پروفیسور نه تنها نسل خون آشامان را
کن نمی‌کند ، بلکه سبب میشود تادس
نیز به صورت خون آشام درآید • بدین
او خود سبب گسترش عارضهٔ خون
میشود •

داستان بچهٔ رزمری . مسلهٔ بـاور
شیطانپر ستی رادر نیویورك سال ۱۹۶۸
می‌کند •

میا فارو زن جوانی‌آبستنی است‌که ش
پرستان از هر سو محاصره اش می‌کنن
به گمان آنها او قرار است که پسری
شیطان به دنیا بیاورد• آنها نوزاد را می
وحتی اجازه نمی دهند مادرش اورا ببین
قهرمان فلم میافارو ، نمادی از معصو
در دنیای فاسد و تباه شده است .

مرگ فجیع همسر رومن پولانسکی
شارون تیت به دست اعضای یك فرقه
شدکه او از چند سالی از کار فلمسازی
بماند • تاآنکه نمایشنامه مکبث شکپیر
ساختن یك فلم بر گزید •

شگفت انگیز نیست که پولانسکی در
اندو هبار زندگیش که‌خاطره‌قتل‌درد نا



...طفال به حقوق اساسی
شان نایل می شوند

در حال حاضر که پالیسی واحد و منسجم اطفال در کشور موجود نیست به ملاحظه احکام اصول اساسی ، قوانین و مقررات و فرامین مختلفه دولت و رهنمود های پلان‌های انکشافی فعالیت‌های مربوط به انکشاف اجتماعی اطفال که عمدتا شامل تامین خدمات تعلیم وتربیه، صحت ، تهیه منزل ، حفظ الصحه محیطی ، تهیه آب اشامیدنی ودیگر ضروریات واحتیاجات اولیه اطفال میباشد انسجام بخشیده شده واز طرح وتطبیق پلان هاو پروگرام های مربوطه آن مراقبت ، نظارت وکنترول بعمل می آید .

در ساحه صحت عامه درپلان ها توجه خاصی درزمینه تامین صحت اطفال و مادران معطوف شده وبه ضرورت اتخاذ تدابیر و قایوی و معالجوی لازم برای تامین صحت اطفال و مادران چه قبل ازولادت وچه بعدازولادت ازطریق مراکز حمایه طفل و مادر، پولی کلنیك هاو مرارز اساسی تاکید شده است •

علاوتا در پروگرام های صحی توجه جدی در زمینه ایفای خدمات تغذی و آموزش مادران حامله واطفال ایشان معطوف گردیده است• همچنان تامین خدمات‌و تسهیلات صحی‌ابتدائی برای خانم هاو اطفال، حمایه و حفاظت‌مادران واطفال در مقابل امراض ساری از طریــق واکسیناسیون و کنترول اسحـال از جملــه اولویت های پلان صحی تلقی میگردد .

مادران کشور مابه طور روز افزونی مانند سایر ممالك شیر خشك‌و مواد خوراکه تجارتی را با شیر مادر تعویض نموده و اطفال شانرا تغذیه میکنند • استعمال وترو یج این نوع غذا های طفل که توسط کمپنی های تولیدی وتجاریکه صرف منفعت خودرا میخواهند اگر قبلا چك وکنترول لازم نشده باشد. صحت طفل را متلاشی ساخته باعث افزایش مرگ ومیرو وفیات زیاد اطفال میگردد •

دولت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان‌که توجه خـاصـی بـه صحــت وسلامت اطفـال دارد وبادر نظر داشت شرایط عینی اقتصادی واجتماعی کشور پشتیبانی جدی خودرا از اعلامیه بین المللی‌که به مناسبت به‌بازارگذاری واستعمال روز افزون غذا های تعویض شیر مادر و ضرر های مربوط به آن نشر رسیـده ابراز داشته خواهان تطبیق مندرجات ایـن اعلامیه میباشد • علاوتا حکومت توقع دارد درین زمینه مبارزه بیشتر ولازم شود تااین

دربخش صحت عامه تذکار یافته موض
وحیاتی دیگر صحی تهیه آب اشامیدن
برای کلیه نفوس و منجمله اطفال کش
که در محدوده امکانات در پلان ها ب
که در محدوده امکانات در پلان ها ب
خاصی مبذول شده است •

ازینکه آب غیر صحی یکی از علل
انتقال وسرایت امراض بوده وباعث
ومیر اطفال میگردد حکومت به صور
جدی میخواهد تااین احتیاج اولیه
گردد وگذشته از آن حفظ الصحه مح
شایدو باید تامین شود • روی ای
است که حکومت بصورت فعالانه در
دهه بین المللی ا بو حفظ الصحا
سهیم گردیده و اقداماتی چند در جه
اهداف این پروگرام حیاتی در محدو
بعمل آمده است •

در بخش تعلیم وتربیه اطفال درپ
انکشافی کشور به فـراهـم نمودن ت
همگانی واجباری دوره ابتدائی برا
سنین ۷تا ۱٤ ساله و محو بیسواد
وتوسعه کود کستان هاو فراهم نمودن
جهت حمایه و نگهبانی اطفال بخصوص
مادران شان یا کار میکنند ویا دارا
کم ونا چیز میباشندتاکید شده است
در پلان هابه پروگرام هائی توجه
طریق آن برای اطفال معیوب تسهیلا
بیشتر فراهم شده و معیوبیت های
وقت وزمان آن تشخیص وتداوی
حدود ممکنه در فعالیت های نور مال
تربیه اشتراك ورزیده بتوانند •

باد رکاهمیت آموزش و تعلیم وتر
که این آموزش هم برای خود شان
شده بهبودی در زندگی شان رونم
نمود وهم ازین طریق اطفال بهتری
جامعه پرورش و آموزش خواهند داد
های بخش تعلیم و تربیه کشور آ
تربیت خانم ها در پروگرام ها و پرو
انکشاف دهات واز طریق تدویر و
کورسهای سواد آموزی تشویق و
گردیده است •

قسمت اعظم تجاویز متذکره انکشاف
اطفال که در پلان ها وپروگرام های
کشور منعکس شده ناشی از سفا
پیشنهادات سال بین المللی طفل
افغانستان طور فعالانه در برنامه آ
ورزیده بود • این سال اساس ا

مرکـــزی احصائیه کمیته دولتی
ذاری است از طـــر یـــق این
جـالتـاً به همکاری مالی وتخنیکی
الیت می‌نماید کوشش بعمل‌میاید
احصائیه های مورد نیاز پیرامون
دی و اجتماعی و نیاز مندیهای
آوری تجزیه وتحلیل ونشر شود
از ارقام مذکور پالیسی وپروگرام
ت حمایه وبلند بردن سطح زندگی
علمی وسیستماتیك طرح و تطبیق
، همچنان سروی وارزیابی قوانین
مونو گرافی در زمینه که ازطریق
ر صورت میگیرد و طرح پالیسی
سهولت خواهد بخشید نشانه بارز
فعالیت های‌تعقیبی سال بین المللی
سور مابه شمار میرود .

وضع قوانین ، ضمایم قوانین و
ین و تنظیم وترتیب قواعدومقررات
یره اطفال وقتی قوی‌تر و عملی‌تر
. که باهم‌ارتباط لازم داشته وازیك
ی طفل منشاء گـــرفته باشد .
فکتور های مورد نیاز پـالیســـی
ت پراگنده در قوانین . فرامین و
وایح وپالیسی‌انکشاف کشورموجود
ست اینهمه اجراء متذکره دریك
یسی ملی طفل توحید ومنسجم‌شود
ه آن از حقوق اساسی اطفال ردج
ی مرز وبوم حراست بهترو همه
بعمل آمده بتواند .

ن سیمینار انتظار برده میشود تا
مشخص و علمی در زمینه تهیه
لیسی اطفال کشور ارائه نماید .
متذکره باید طوری باشد که دولت
زد تاکلیه جوانب موضوع و قوانین
نکشاف طفـــل را در مجموعـــه
اقدامات و فعالیت های اجرائیوی
گیرد .

برای‌تنظیم وتطبیق وارزیابی‌پالیسی
ایجاب می‌نمایدتاارگان ملی‌و مسوول
تعیین شود واین‌ارگان مکلف‌ساخته
ر جات واحکام پالیسی وقوانین
همکاری ارگان های ذیعلاقه در عمل
ه وبه شکل اجرائیوی در آورد و هم
طبیق وتاثیرات آنرا مورد مطالعه و
ارزیابی لازم قرار دهد ، یکی از
فعالیت های سال بین المللی طفل
ه عبارت از ایجاد شورای مشورتی

وتخصص کافی برخوردار نباشند . از اینکـه
قلت کادر در کشور ما کاملا محسوس است
درموردتوسعه‌وانکشاف‌اجتماعی طفل وفعالیتهای
مربوط به‌آن به‌آموزش وتعلیم وتربیه و ریسرچ
در زمینه نیاز مبرم میباشد . زیـــرا از ایـــن
طریـــق اســـت کـــه مسا یـــل وموضوعات
مربوطه به انکشاف طفـــل بادر نظـــر داشـــت
تغییرات‌وتحولات جهانی‌عیارشده تنظیم‌میگردد
موضوعات مربوط به آموزش ور سرچ طفل در
افغا نستان یك ساحه دست نا خورده میباشد

نظریات و مشوره های مشخص ارائه نماید.
تحلیل نهـــایی تربیه و انکشاف سا لـــم
طفل مسوولیت فامیل و جامعه است. مداخله
دولت تنها تا حدودی که شامل حمایه حقوق
وعلاقه مندی و دلچسپی های طفل باشد مفید
واقـــــع میشود . ولی‌در هر پالیسی یاقانون
طفل باید ارزومندی واشتیاق وعلاقه مندی
مردم‌نیز در نظر گرفته شود . زیرا ازاین‌طریق
است که دولت از سهمگیری کافی و مثبت
جامعه و مردم مطمئن شده وطرح قوانین و

ونظریات لازم و مشخص را ارائه نماید .
از جانب کمیته دولتی پلانگذاری منج
مرجع مسوول طرح‌وتنظیم فعالیت هاپروگ
ها‌و پلانهای انکشافی در کلیه شئون‌اقتصا
و اجتماعی کشور در زمینه حمایه و پشتیبا
از حقوق ودلچسپی های اطفال ، تهیه خد
اساسی و مورد نیاز برای رشدو انکشا
همه جانبه اطفال و طرح پالیسی جامـــ
اطفال بادر نظر داشت مشی دولت و ح
بعدا ابراز وفاداری و تعهد میشود . ب



دایر نمودن نمایشگاه های رسامی ونقاشی،درپرورش استعدادکودکان نقش سازنده دارد .

...شهر حماسه

سراینده ، بارق شفیعی
به اهتمام ، س . ن . رستا خیز
از سلسله‌ی انتشا رات موسسه‌طبع وتوزیع‌کتب‌بیهقی در۲۴۲صفحه
... شده در مطبعه تعلیم و تربیه .

کاکتوس

...روری بر کتاب «شهر حماسه»

...ر حماسه مجموعه ای است از ... های شاعر مبارز بارق شفیعی ...یرا به دسترس علاقمنـــدان و ...داران شعر قرار گرفته است. ...ز فهرست واره‌ی مجمو عه ، ... خواننده به بخشی از یك قطعه ... خطی خوش نوشته آمده است ...ند :

...ر من، ای خدای هنر راپیامبر.
... پیروان اهرمن ذوق دوز خی.
...ام من ببر
...یر شعله پرور فریاد مـــــن

...حاز ناله های شرر زاد مـــن

... همین بخش کوتاه از شعـری ...وقعیت و پایگاه اجتماعی شاعر ... و مشخص میگردد خواننده‌در ...د که شاعر و یا به گفته‌ی دگر ...ده‌ی مجموعه‌ی شهر حما سه ...ضع توده ها ایستاده است .از ... گرسنگان دفاع می کند . پا- ...نده‌ی حق و آزادی و عدالت ...ی است .

...عر به این باور است که اگـر ...گان جامعه‌ای کـــه او در آن ... می کند بیداد . تفرعن، یکه ...و خود را یی حکم مـی راند ، ... هایی‌هم درحال شگفتن وقامت ...تن است . جوانه هایی بالنده ...و ناپژمرد نی ، او به این باور ...

زمان ما ، شاعرا نی سطحی اندیش و برای آنکه خاطر همسر ، دوست‌و یا شخص با نفوذی را راضی کرده باشند در سر آغاز کتاب های خود با خطی درشت می نویسند که ،اهدا به فلانی عزیزم .

باری ، به تصریح نظامی عروضی شعر رابرای مردم گویند نه‌برای دل خویش مخاطب شاعر توده هاست آنهایی که کار می کنند ، عرق مـی فشانند و زحمات توان شکـــن را پذیرا می شوند .

گوینده‌ی مجموعه شهر حما سه به مردم نظر دارد ، آنها که همیشه شکو همندی ، سر بلندی ،افتخـار و عظمت می افرینند . قوانین طبیعت را به سود خویش دگر گون می‌کنند. در میهن غرور آفرین ما وقتی انقلاب رهـا یبخش ثـور به پیروزی‌رسید دست آلوده‌ی امپریالیسم خون خوار از استین بیرون آمده تا مگر بتواند کودك انقـلاب را در گاهواره خفه نماید . امپر یالیسم جهانخوار گما- شتگان و دست نشا ندگان خود را در استانه‌ی انقلاب که مردم تازه به آزادی رسیده بودند ، به سر زمین ماگسیل داشت ، تا همه‌ی بنیاد های اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی وفر- هنگی ما را ویران نمایند .

انقلاب را به بیراهه و انحـــراف بکشانند ، از هدف های انسا نی‌اش ...

کشور ما رخت بربست ، مردم دیگر آسایش را نمی شنا ختند . اماعمر- یاو گان ودرو غگو یـان‌همیشه‌کوتاه باشد ، مرحله نوین انقلاب به عمـر تبا هکاران پایان داد .در زندگی‌توده ها روز هایی دیگر آغاز یافت ، روز هایی گرم ، پر درخشش ویا قوتی رنگ ، مردم آرامش از دست رفته‌را باز یافتند .

باری در بخش اهدای کتاب آمده است :

... شهر حماسه که در سال های سیاه بیداد دعوتی صمیمانه بـــه رزمندگی و انقلاب بوده است چـــه خوب است که به شهدای بیـــگناه دوران ستمبار گی طاغوت سیا کـه خون سرخ شان نهال انقـــلاب را جاوید انه آبیاری کرده است اهـدا گردد .

دراین مجموعه جمعا ۷۵ قطعه‌شعر از جمله اشعارش در ۲۴۲ صفحـه گرد آوری شده است بـــه استناد اشاره کتاب شعر های میهنـــی و حماسی را در بر میگیرد . تاریـــخ سرایش شعر ها در نظر گرفته شده است که اینکار در یك مجمو عـه‌ی شعری اهمیتی خارق العاده دارد .در گذشته این شیوه در سر زمین مـا رواجی چندانی نداشته اسـت . در ...

مشخص جامعه‌ای را که‌در آ... می کند نشان میدهد . در آ... نظام سلطنتی بیداد می کن... یارای نفس کشیدن ندارد ... استخوان های شان رسید... تضاد طبقاتی بیداد می کند ... است دود آلوده و مسموم ، ... و فراموشی بر ارگان جامع... کند . سر ها در گویبان ا... زمستان رویش هاو شگفتن ... عـر از وضعی چنا ن نا ه... فراوان می برد .

وقتی می نگرد که نظام ... و بیداد گرانه‌ی اجتماعی ... فقر بدبختی وسیاه روزی گ... هی از زحمتکشان و اسباب ... وراحت مشتی از مفتخوران ... رگان جامعه‌را فراهم آورده ... حربه‌ای قلم به جنگ آن نا... میخیزد ،واقعیت های‌درد نا... خویش را با زبان صریح بی... گوینده «شهر حماسه» بر... کاستی هـا و نا ر ا ستی... اجتـما عـــی از زنــان صر... استفاده می کند تا جایی ک... رنگ شعار می یابند و از ... فاصله می گیرند ، اما هر ش... نمی توان نفی کرد . شعاری ... تاب دهنده‌ی رنج توده ها ، ... ها، نیاز ها و آرزو مندی ... باشد خود به مرز شعر نز... است ، ازقدیم ترین روز گ... آن شعری اقبال پایداری یا... که به نوعی آرمان توده ها ... بازتاب داده است .

شعر مردم گریز و شاع... نشین و گوشه گزین در حا... گی توده ها در حرکت اند ... نمی خورند ، مردم را برای ...

ده مست عشرت و اقبال وعزت اند
جمعی اسیرپنجه‌ی اد بار و ذلت انـــــد
سته غرق عیش و نشاط ومسرت اند
خلقـــی‌اسیر غصه و درد و مصیبت اند
ن دوانتها به‌کجا ، شکوه‌سر کنیـم
یکســـوفغان و اه اسیران رسد به گوش
صدای قلقل و فریاد نوش، نوشی
اینجـازبی لبا سی خود خلق در خروش
سگان حضرت عالی خزینـه‌پوش
زین بی‌عدالتی چقدر دیـــده تر کنـیـم

ی تواند تایید گر نظامی
ایه های خونین آن بـــر
متکشان سنگینی می کند.
ا، نا هنجاری ها وزشتی
را بدون پرده بیان میکند
است که وظیفه‌ای ادبیات
است . اگر زشتـــی ،
بیداد در جامعه وجوددارد
دخل و تصرف از جانب
یسنده نقاش و در مجموع
سان داده شود . اگر چـه
ن نظر را نمی پذیرنـد و
واقعیت های زشت‌اجتماعی
کند نمی پذیرند اما هنر-
مهد را دارد که واقعیت‌را
خ ، زشت و درد ناك‌باشد
.

ه این باور است که توده
حد شوند ، همبستگی‌یابند
ـداد گران می توانند پایان
ی شاعر خرده گیر محض
نتقاد خشك نمی کند ،راه
ها را نیز نشان می‌دهد.
ان اگر چه بود دورکاروان
اثر نکند ناله و فغان
ای خاطر این خلق ناتوان
معرکه‌ی جنگ دشمنان
مبارزه را گرمتر کنیـــم
ران نظام طاغو تی سلطنت
ی و تباه کننده خویش را
دمیده اند خواب آلود گی،
ا امیدی و دلزد گی‌حکومت
و وقتی می نگرد که یاران
عزیزان خواب اند ویـــا
منی آنان را به خواب وا-

شهر حماسه پیشر فت اجتماعی رادر
بیداری ، آگاهی و برخا ستن توده
های داند ، همچنان در وحـــدت ،
همبستگی و اتحاد شان تا جایی که
می گوید .

بارق .نکن هیچ تمنای تـرقـی
تاخلق ستمدیده :افغان همه خوابند
شعر حکایتی درتاریخ ادبیـات دری
پیشینه‌یی کهن دارد درگذشته‌بسیاری
ازشاعران وسخن اراریان درقـالـب
تمثیلات وحکایت اشارات و سمبول
هاواقیعت های اجتماعی رابیان داشته
اند .

گوینده شهر حماسه به پیروی
از این سنت در قطعه‌ی بلارد بـــلا
نشان می‌دهد ستم کاران اگربرزیـر
دست بیداد روا می‌دارند .
زود باشد که‌طومار زندگی شان به
دست مستعفان درهم پیچیده شود.
خانه‌ی ظلم همیشه ویران است.
درقطعه ناله زولانه نیز شاعرازعمق
فاجعه سخن می‌گوید ازروز هـایـی
دشوار .

تیره وغم‌الود ،اومی بیند که‌مشتی‌از
لاشخوران زندگی ارام‌انبوهی ازتوده
ها راتاراج می‌نمایند اشیان واشیانـه
هارا برباد می‌دهند ،پرندگان پیـام
آورسوگو ارند ،پنجه ه‌ی بیدادبسیاری
ازقامت های استوار رابه خاك‌می‌افگند
شاعر این وضع رادرقطعه‌ی، «ناله‌ی
زولانه» بازتاب میدهد.
اواگر دربند اسیر، به‌گرد اوحصـار
هایی سیاه‌وبلند ساخته انداماهمچنان
از ازادی ازپرواز وازرهایی سخن‌می
گوید درز ندان هست امـابـه کلید

طبیعت سخن می گوید ، اما نـظربه
وضع جامعه دارد به‌این اشاره میکند
اگرد راثر بیداد زور مندان ،افزون
طلبان زندگی زحمتکشان رنگ باخته
است، توده ها در عذاب و سیـاه
روزی و بدبختی بسر می برند . این
تلخ‌کامی و سیاه روزی را پایانـــی
است دولت خود خواهان و افـزون
طلبان جاودانه نیست . شاعـر در
قطعه‌ی آیین گردون به این نتیجه‌ی
اجتماعی میرسد که دولت زور مندان
را هم زوالی در پی است . در سر
انجام زندگی به گام تهی دستان ،
زحمتکشان ، انهایی که عرق مـــی
فشانند و کار می کنند می چرخد .
شعر های بارق شفیعی همیشه بازگو
کننده‌ی پیامی است. شاعرمی خواهد
باز تاب دهنده‌ی رنج و اندوه بیکران
توده ها باشد و همین احسا ســات
صادقانه است که شاعر به دنبـــال
جوهری در شعر نمی رود می خواهد
سخن خود را به صراحت بیان‌نماید.
سرایندهٔی مجموعه «شهرحماسه»
چنانکه در آغاز گفته شد موقعیتـی
روشن و مشخص دارد شاعری است
پیکار جو و پر خاش‌گر ، در عمـــق
فاجعه در لحظه های ابستن هزاران
داغ و درد ، اشك و خون ، سخنی
از نهار و فردا ،سپیده و روشنی‌می
زند توده ها را به پیکار مبـارزه و
و مقاومت دعوت می کند .

دلم نظام کهن را خراب می خواهد
ببین مبارزه جو، انقلاب‌می‌خواهد
خمو ش وسرد نیفتد چو سنگ
در بر کوه
چو موج در دل بحر اضطراب می
خواهد
همیشه صاحب سرمایه بهر دزدی
کار
به راه کارگران پیچ و تاب مـی
خواهد
برای خرمی گشت از خود ملاك
مدام دیده‌ی دهقان پر آب مـــی
خواهد
چو انقلاب شود ،پای دارداد گهی

از جفای دهخذ ایان گشت دهقانا
را خراب می بیند در دل او انـد
هزاران کودك‌پا برهنه‌ی روستاس
او غصه های چو پانان را می شناس
درد آن‌بیوه زن روستایی را می‌شن
سد که همه هستی‌در خانه‌ای چوب
با کوزه ای آب ، فرشی از بوریـ
خـلا صه میشود و با دوغ خانـ
ارباب فرزندان خود را بزرگ مـ
کند . او اگر شاعر شهر نشین‌اس
هرگز و هیچگاه از ده روی بر ن
تابد ، صفای دهاتی ها را که س
شان صاد قانه است و کلام شان
ریا دوست می دارد. شاعر «شهر
حماسه» تضاد هایی‌که درشهرجا
است باز می نماید می نگرد که‌دی
در شهر خا موشی بر خـلاف تلا
های پاسداران بیداد رنگ می باز
ذهن کارگران درپشت ماشین‌ش
میگیرد . از دیواره های کار خا
صدای خودرا برون میکنند مانن
موجی توفنده وسر کش سپاهـ
کارگران درخیابان‌ها ی شهر بـ
می‌افتد صدای پای کارگران‌لرزه
کاخ نیشینان میـانـدازد ، د یـ
شهر موجی از مبارزه و موجـــی
مبا رزان پدید آمده است . شا عر
نظاره‌ی این موج این فوج شاد م
میشود . بلند تر فریاد میکند .
براه افتاد گان و راه پیمایان هـ
صدایی ، سرود پیروزی رامی سر
سرابنده‌ی« شهرحماسه» از شه
می گوید که در زیر چکمه های‌خو
نظام طاغوتی‌بیدار شده‌است .شه
که در آن خون زندگی ، مبارزه
ایمان جاری شده شهری که دیگ
نمی تواند آرام باشد ، پنجره ه
شهر در اثر کار ، کوشش ، مبا
و پیکار همه‌ی ساکنان آن به ســ
روشنایی به سوی رهایی و آزادی
می شود . مردم پیروز می شون
حقیقت پیروزمی‌شود .صبحی‌راس
آغاز می یابد ،بنیاد شب و پاسدا
آن فرومی ریزد .
باری ، گوینده‌ی شهر حماس
پیروزی را می بینند ، آفتاب را
نگرد که سخا وت مندانه و بی د

زنان دراجتماع حقوق ،وجایب و مسوولیت ی بس مهمی رادارا هستند که با ایفای آن س موثر و مطلوب ایشان تحقق می یابد واقع این حقوق ووجایب آنها خانه ، اجتماع معه ملی و بین المللی را احتوا می‌کند.
واضح است که در جهان امروز نمی‌توان نقش فعال و مثمر زنان در امر رشد و کشاف جامعه انکار ورزید مگر تجهیز نیروی ان برای سهم گیری در فعالیت های عمرانی تصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، مستلزم دامات وسیع وگسترده است‌که می‌بایست صوصیات خاصی ، طرز تلقی خانواد ه ها و داشت محیطی ، اجتماعی و عرفی جامعه را رد مطالعه وبررسی‌قرار داد وزمینه مساعدی برای این نیمه بدنه اجتماع فراهم ساخت. تا آن زمانی که زن در خانواده واجتماع از سمتی از حقوق انسانی وطبیعی محروم است زندگی زن جامعه ماوجود دارد که از هرلحاظ قابل تعمق واندیشه است •

در امر ازدواج توافـــق هردو طرف «زن‌ومرد» شرط حتمی است یعنی زن حق دارد در انتخاب شوهر توافـــق خودرا آشکار سازد ویا اورا رد کند مگر متاسفانه هستند بعضی خانواده ها که دختران خودرا بدون آگاهی قبلی یابا آگاهی قبلی در بدل طویانه و شیربها به‌شوهر می دهند یادر آوان طفولیت نامزد میسازند یا دختری رادر بدل جرایمی که یکی از اعضای فامیل مرتکب شده بود «بد» می‌دادند همچنان زن بیوه را اجازه ازدواج خارج از فامیل شوهر متوفی اش نمیدادند در غیــر آن مـوضـوع به وخامت کشانیده شده ویا حداقل مجازات‌برای زن بیوه داده میشد اطفالش را ازاوجدا ساخته

درواقع علم آگاهی زنان به موضوعات فوق موجب بروز یك تعداد کثیر ، پروبلم ها شده‌و درنتیجه زنان از امکانات حقوقی ایکه‌دراختیار دارند استفاده کرده نمی‌توانند •

در رفع این پروبلم ها هر گاه مطالعات‌و رهنمایی هایی صورت‌بگیردبه یقین گره‌گشایی در مورد خواهد بود •

۱ـ برای جلو گیری از گیسختن پیونـــد ازدواج وویران شدن کاشانه های خانوادگی وجلو گیری از بدبختی اطفال لازم است جلو می‌بند وباری آن عده از مردان که پابندخانه و فـامیـل خـــو د . نیستنـــد قـا نـو نـاً گرفته شود و هنگام عقدنکاح وجایب طرفین‌به همدیگر شان تفهیم گردد وحتی در پروگرام های مکاتب در مضامین اختصاصی طرز زندگی و برخورد فامیل هـــا در ممالك پیشرفته و

طرز غلط نتیجه گیری ها تبارز باتوجه و رهنمایی درست رهن شاید بسیاری فامیل هااز تباهی

۸ـ موجودیت عقده ها و محر رضایت شوهر از زن ویاعکس آ اختلافات ومنازعات فامیلی میگر

لـذا موجودیت دوکتوران روان قسمت نباید فراموش کرد •

بهر صورت باید متذکر شد یك جز از مجموع سوالاتی است رفتن رسم ورواج های‌منفی‌وبر حقوقی بین زن ومرد در اجرا ارزشمند خود قرار میگرد •

اما لازم است که زن جامعه های فرساینده خانوادگی ورسم خرافی نجات یابد تابتو اندنیر

مشکلات اجتماعی زنان

ی‌تواند در فعالیت های اجتماعی اقتصادی فرهنگی جامعه نقش مثبت و سازنده ای را فا کندو تا آ ن زمان که عرف ، رسم ورواج ی منفی فرصتی برای رشد استعداد هـا و انایی ز ن باقی نمی گذارد جامعه نمی‌تواند نیمی از جمعیت خود انتظار داشته باشدکه دوش بابرادران خود پیش برود .

مبارزه برای آزادی وبرابری زن موضوعی ت دارای اهمیت بس بزرگ که نه تنها از ه حقوقی وسیاسی مساوات را در بین زن و د مورد مطالعه قرار میدهدبلکه بیشتر ازهمه

همچنان یکی از پروبلم های حیاتی که دامنیگر یك تعداد فامیل ها می‌گردید عبارت بوداز طلاق و نتایج آن بعد از تعمق و مطالعه همه پروبلم ها آنچه قابل توجه و دقت شایان ودر نهایت خود پروبلم‌بزرگی را تشکیل داده موضوع بی سوادی اکثریت زنان ودختران جامعه ماست که‌به‌ویژه‌این‌چنین زنان و دختران بیشتر در قرا وروستا هااز نعمت سواد محروم بوده و ساحه زندگانی آنها محدود به چار ـ چوکات منازل شان میباشد که این موضوع خود باعث علم آگاهی آنها از قوانین ومقررات

مترقی و آشنایی به طرز کار آنها مورد توجه قرار داده شود •

۲ـ تورید فلم های آموزنده وانتباهی نیز مورد مطالعه قرار داده شود •

۳ـ نشر مجله خانواده بدون شك‌زنان رابه حقوق ، وجایب و مسوولیت های که در قبال فامیل واجتماع دارند بیشتر آگاه میسازد •

٤ـ دایر شدن کنفرانس ها برای تنویر زنان و آگاه ساختن آنها به حقوق ووجایب شان از طرف قضات، محاکم ودیگر موسسات ذیعلاقه •

٥ـ موجودیت موسسات که بتواند خانم هارا

جهت فعالیت های سیاسی، اجتم وفرهنگی کشور تجهیز بخشد خودو سایراعضای خانواده خو قانون که پایه مستحکم زندگانی بشری است اساس بگـذارد درآ واقعاً نقش بزرگ و مطلوب خو پرورش جسمی وتربیه فکری ف مطابق به معیارها و فرهنگ جا وارزنده جلوه دهد بلکه موثری مادر ، خواهر و همسر درراه اس ودیناتت و آزادی های انسانی خ باتاثیر خواهد بود •

امید پیروزی های چشمگیر زنان

زی تحت شعار آزادی ، برادری
زحمتکشان را بر علیه نظام فیودالی
رد ، هنگامیکه بورژوازی بر قدرت
حق آزادی عمل را پیدا نمود آزادی
و برابری‌راملعمه‌سیاست های آزمندانه
ر داد آزادی در واقعیت عمل برای
عبارت از آزادی چور وچپاول وبهره‌
لمانه از کارگران ودیگر زحمتکشان
جای برادری‌وبرابری را رقابت حیوانی
تساوی بین ضعیف و قوی گر فت
ن بتدریج دریافتند که آنچه در اثر
لطه بورژوازی نصیب آنان‌گردیده‌است
زنجیر ستم است‌که عوض‌زنجیر بردگی
زنجیر برده‌گی ای سرمایه‌داری بدست
ن بسته شده‌است وتحت این شعار
رمایه داری‌زندگی میکنند «انسان‌گرگ
ست» نظام‌سرمایه‌داری هزاران‌مالك‌خرده
کست نمود و جزارتش کار گران‌مزد
یه جز از نیروی کارمالك چیزدیگری
گردانید کار انسان حیثیت متاع بازار
نمود که مانند دیگر کارها «خر ید و
گردد وتابع عرضه شد بر ا ی
سی هرچه ظالمانه‌ترسرمایه‌داراز کار
وزنان که نرخ آن از کار مردان‌ارزان
استفاده نمود • زنان و اطفال که
ت مشترك دارنددرمعرض تاراج‌ظالمانه
زقرار گرفتند عدم تساوی مزددربرابر
بین زنان ومردان واطفال‌قانون عمومی
رمایه داری گردید • وضع رقتبار زن
انی وی را شدیدا لطمه زداونه تنها
م وبی رحمانه سرمایه داری بحیث
قرار گرفت بلکه سلطه مردد‌ر جامعه
وم ویرا اسیر پنجه ظلم وبیداد گری
نگامیکه بحرانات سرمایه داری کارگر
بریکات بیرون میریخت این ضربه به
کاری تربود و سریعاً ویرا وادار بخود
و فحشاساخت‌که‌اهریمن جامعه سرمایه
را بدان محکوم ساخته است درگیرو

امریکا پنجاه فیصد ودر بلجیم ده فیصدبیشتر گردید •

ایدیولوژی دوران ساز طبقه کار ابتکار ارائه جواب علمی و عملی به‌مسئله زنان را که‌در تاریخ جوامع طبقاتی بدان توجه شدبودبدست گرفت کانگره اولی اتحادیه بین المللی کار-گران در جنیوا در سپتامبر ۱۸٦٦ که بوسیله پایه گذار پر نبوغ ایدیولوژی طبقه کار تاسیس گردید قطعنامه دربارهٔحمایه از کارزن رابه تصویب رسانید رهبران پرنبوغ طبقه‌کارگر جهانی این نظریه خرده بوژوازی را که زنان نباید درتولید اجتماعی شرکت جویند رد نمودند وطر فداری خود را ازاین اصل اعلان کردند که‌به جای منع کار زنان باید از آن حمایه صورت گیرد این موضع گیری علمی جنبش کار گری رادرین جهتی رهنمون گردیدکه باید زنان رابه منزله‌متحدین‌کارگران ودارای حقوق ووظایف همانند با مردان به مبارزه علیه استثمار سرمایه داری بکشانند «اگست بیل» این حقیقت را آشکارا بیان کرد که‌برای طبقه کارگر و حزب پیش تاز آن خیلی مهم است که نقش ومقام واقعی زن رادر جامعه بدرستی درك کند وبه علم تساوی اجتماعی آن خاتمه بخشد این چهره درخشان جنبش کارگری می‌نویسد «رسالت تاریخی پرولتاریا اینست که نه تنها رهایی خویش را تحقیق بخشد بلکه همچنان همه خلقها را واز آن جمله‌زنان راازستم وار هاند •

تنها نظام های مترقی گام های بلندی درین جهت برداشته است باساس همین درك علمی بود که حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان بعداز پیروزی انقلاب ثور وبخصوص‌بعداز مرحله نوین وتکاملی توجه جدی به‌مسئله زنان کشور نمود ومقام انسانی زن را احترام گذاشت وزن افغان را در پهلوی برادران زحمتکش وی باحق مساوی قرار داد تازنان بتوانند باافتخار وسر بلندی نه‌تنها فرزندان قهرمان ودلیر بوطن تقدیم کنند بلکه خودبه

نقش سازندگی زن

زنان از باستان زمان تا اکنون مانند مرد عنصر اساسی دینامیزم تاریخ است زن ومرد به‌خاطر موجودیت و ادامه نسل ، دوام زندگی وتامین وسایل معیشت ، لازم وملزوم یکدیگر اند • همچنان تاریخ جوامع بشری گواه است که در تشکیل خانواده‌نقش سازندگی زن ومرد مساوی است همانطور یکه ادامه وتنظیم امور خانه و مسکن به زن تعلق دارد مرد نیز به نوبه خویش در رفع‌حوایج اولیه همت‌می‌گمارد سعی وتلاش هر چه بیشتر بر آن است‌تا لانه وکاشانه اش آرامگاه خوبی برای اعضای‌فامیل وساکنان منزل باشد • اکنون نیز بایك نگاه ژرف و عمیق دیده میشود، همانطوریکه مردان مسوول امور آسایش و آرامی اعضای فامیل است وجایب ومسو لیتهای مهمی رابدوش دارد ، زنان نیز رسالتی بزرگی رابه عهده دارند اینها اند که چه در خانه ویا هم بیرون از منزل در شهر وده در موسسات عرفانی علمی ، فرهنگی و هنری‌وبالاخره درهمه شئون وشقوق با شکوفان‌ساختن‌وتبارزدادن استعدادی های شان با تبارز قدرت فعال و احساسات وطن پرستانه و تفکر علمی و ژرف اندیشی شان توانسته اند بازوبه بازو بامردان کارمؤثر راانجام‌دهندورفع نیازمندی های جامعه را نمایند کار های مفیدو مثمری را انجام دهند وبرای

توصل به اهداف مشخص وپیـ
خودرا با معیار های فکری عـ
مجهز گردانند و بااستفاده
و میتود ها وظایفی به عهده
میشود که اگر بتوانند آنرا بـ
برسانند آنگاه است که به حـ
احساس وبه حیث‌یك زن‌مترقی
ادا کرده‌اند •

مثلا وقتی زنی با استفاد
به نظام اقتصاد فامیل بادر نـ
و مصرف معقول موفق‌می‌گردد
سالمی را ایجاد کرده و نشاط
خانواده کوچك خودیعنی فامیل
است تجربه و عمل‌درجوامع به
که دیگر زن عنصر عاطل ، ضعـ
وتفاوت های فزیکی مانع انجـ
شده نمی تواند جای بس افتخار

امه‌یی ازنویسندهٔ «بخاطر پیروزی»

به ادارهٔ محترم مجلهٔ وزین ژوندون !

در شمارهٔ (۲۱ – ۲۲) مورخ ۷ سنبله ۱۳۶۰ در صفحهٔ(۱۸) برداستان«بخاطر پیروزی» نوشتهٔ اینجانب مقدمه گونه یی در بین یك چوکات از طرف اداره به نشر رسیده است که مرا واداشت تا برای تذکر توضیحاتی‌ارائه بدارم •

شما نوشته اید : (این نبشته نه داستان کوتاه استونه داستان دراز (؟) نه مقاله‌تحقیقی ونه‌نوشته یی تاریخی)•

باید گفت : بر خلاف نظر شما این نوشته «داستان‌کوتاه» است • برای شناخت داستان کوتاه شمارا به دهها کتاب و مقاله که درین باره نوشته شده حواله میدهم واگر کتب مذکور در دسترس شما قرار ندارد میتوانید از کمیسیون محترم قصه نویسی اتحادیهٔ نویسند گان معلومات بدست آورید • فقط میخواهم یادآوری‌کنم که بیشتر اجزاء وویژه‌گی های داستان کوتاه چون گره اندازی ، اوج،

گره گشایی تیپ سازی وپیوند
پدیده هاوو اقعیت هادرین‌داستان
بشرط آنکه یکبار دیگر با توجهٔ
معلومات عمیقتر آنرا بخوانید ولی
ساده نویسی بمفهوم سهل و ممتن

آنرا یك گزارش غیر هنری فکر کر
لطفا چند تا مثل آن بنویسید تا
حقیقت موضوع دریافت گردد •

درمورد کلمهٔ داستان دراز حرف
بگویم، جزاینکه بگویم شماچه خیال
مگر کسی درینمورد چیزی به
است ؟ واما در مورد تحقیقی بودن
هر چند این، یك مقالهٔ تحقیقی
و منافع وغیره نیست وادعای ه
بعمل نیامده ، برای نوشتن چنی
حماسی وتاریخی معلومات زیادی
آوری و تنظیم شده است • تحقیق
نهضت روشنفکری دورهٔ امانی و ف

پاسخ اداره مجله به شمس الدین ظریف‌صدیقی

داستان بی سرودم واشکم

اگرذوق و حالی دارید، نوشتهٔ بخاطرپیروزی را بخوانید . آن داستان (!) در شماره۲۱و۲۲ مجله بنشر رسیده است .

دوست عزیز ما ، ظریف صدیقی، نوشته‌یی‌زیرنام «بخاطر پیروزی» جهت چاپ فرستادند که به‌اصرار و پا فشاری شان از نشرش دریغ نورزیدیم، اماافزودیم که « آن نبشته نه‌داستان کوتاه است ونه داستان دراز ، نه مقاله تحقیقی ونه نوشته تاریخی ...» همان حکایت قز و ینی است که رفت پیش کبودزن که کبودم بـزن . از زبان مولوی میشنویم :

سوی‌دلاکی بشد قزوینیی — که کبودم زن بکن شیرینیی
گفت چه صورت زنم ای پهلوان — گفت برزن صورت شیر ژیان...
گفت بر چه مو ضعت صورت زنم — گفت برشانه گهم زن این رقم
تاشود پشتم قوی در رزم و بزم — باچنین شیر ژیان در عزم جزم
چونکه او سوزن فرو بردن گرفت — درد آن در شانه گه مسکن گرفت
پهلوان در ناله آمد کای سنی — مرمرا کشتی ، چه صورت می زنی

خیره شد دلاك اوبس حیران بماند — تابه دیر انگشت بر دندان بماند
برزمین زد سوزن آن دم او ستاد — گفت در عالم کسی را این فتاد
شیربی‌دم و سر واشکم که دید — این چنین شیری خدا کی آ فرید
چون نداری طاقت سوزن ز دن — از چنین شیر ژیان پس دم مزن

* * *

وگفتیم که آن نوشته ، داستان کوتاه نیست حالا می افزاییم که داستان بی‌دم و سرواشکم است . چنین داستانی ، جز شما ، داستان نویسی کی آ فرید ؟ « نخست باید بگوییم که منظور از آ ثار هنری وادبی‌که بر اساس‌وقایع تاریخی چند قرن پیش نگاشته میشود، بررسی مکانیکی تاریخ گذشته نیست . اساس‌کارمسایل

وقتیکه چنین می گویید ، چر
نمی آورید ، چه جای بحث وفح
کمیسیون محترم قصه نویسی اتح
گان حوالت د هید ، مگر ، غیر
قصه و داستان ، در جای دیگر
شود . مگر کتابخانه هارا بستند
آندره ژید میگوید : « هر گ

رهنگ در زمینه ، جستجوی پیوند
نهضت هاو قیام های ملی دربرابر
دورهٔ فوشنجی هاتا آخرین جنگ
لیس ، تحقیق در مورد زندگی
وتکی ، نقش روحانیت و دین
ستقلال وسهم همکاری مردم درین
ره نوشته یی تاریخی بایدبگویم
شما کاملا مردود است زیرا که
رماجراهای مختلف تاریخی استوار
وقوع و جریان حرب حصول
ریخ مبارزات ملی مردم افغانستان
دورهٔ خراسان چون جانبازی هاو
بومسلم و طاهر فوشنجی که هر
داستان بر روند واقعات تاریخی
ست • در بارهٔ هنری بودن داستان
که کرکتر های داستان هر کدام
خود انتخاب شده اند ، مثلا
ایندهٔ تیپ جوان روشنفکر که

نهضت امانی را پشتیبان اصلی به شمار
میرفتند ، او با تمام احساسات و عملکرد
هایش نماینده گرو هیست که در به پیروزی
رساندن آن نهضت سهم فعال داشتند . پدر
عبدالرحمن از یک تیپ محافظه کارمتمول وبی-
تفاوت زمان خود بر گزیده شده است ،ملاامام
مسجد یك مذهبی خوب و فهمیده عامل موثر
در نزدیکی مردم و دولت بوده وظیفهٔ خود را
در قبال حوادث مربوط جنگ انجام میدهد•
دختر (جنته) هم نمایندهٔ دختران پشتون عمزاد
خود است، واما عشق ، دانش روانشناسی
نشان داده که در بحران های عاطفی ناشی
از وحشت های عمومی ، ترس های همگانی و
بیقراری های روانی ، جوانان که در محرومیت
نفسی وعندی قرار میگیرند ، نیاز شدیدی
به تسکین ناراحتی های خود دارند وبا تمام
خود داری ها در برابر چنین امکاناتی ضعیف
میشوند • نیاز به محبت جویی ، نیاز به

مسکن های چون مواد مخدره . مشروب
ویافتن همدرد وامثال آن قوی ترومؤثر تراز
هر وقت دیگر میتواند اثر خودرا تبارز دهد
ازینرو وجود عشق بین عبدالرحمان وجنته در
چنان شرایط غیر ممکن نیست چه زنان نسبت
به مردان در مواقع خطر بیشتراحساس پناه گاه
می نمایند ، این عشق سرانجام با همکاری
ملای مسجد ونا گزیری مردم سبب هائیکه
خواننده ازیك نیم رخ داستان میتواند توجیه
آنرا دریابد به یك وصلت وپیوند فرخنده ی
منتهی میگردد وواقعاً هم چنین وصلت های
در همان زمان بین منسوبین اردوو مردم صورت
گرفته است • چون اصلا سوژه ای داستان
مایهٔ واقعی دارد ، واما از لحاظ ضرورت زمان:
عبدالر حمان میتواند نمایندهٔ قشر روشنفکری
باشد که اینك در خدمت دفاع از وطن داوطلبانه
به آغوش قوای مسلح جای میگیرند•در عین
حال متوجه ساختن وتشویق جوانان آگاه بدین
منظور در نظر گرفته شده است •

همچنین ملا امام هاو روحانیون خردمند
حال حاضر میتوانند در امر ارتباط مردم باد
همان نقش را ایفا کنند که درحین مبا
ملی برضد انگریز ها انجام داده بود ن
سهمگیری مردم در همکاری با قوای مسلح
کشف ذخایر اسلحه و مهمات دشمن امر
مشهود است و همچنین این داستان تبا
مثبتی است در جهت خواست ونیاز مندی
کنونی ما، در آخر خواهشمندم غلطی های
را که درین داستان بچاپ رسیده چنین ا
فرمائید •

دقیق بجای رفیق ، دغدغه بجای دغه
مامون بجای ماهون، جزء لایتجزای بجای جزلایتج
سپاسگزاری بجای سپاسگذاری، و خیپه(و
بجای وجیبه، صف بجای صفت وبالاخره بی ر
بجای بی رقمی . ازلطف شما تشکر .

ظریف صدیقی

کاپی به اتحادیهٔ محترم نویسند

کل داد سخن میدهد و عقیده یی
نه را آشکار او پیهم ، شعار می-
الیکه نویسنده نشان میدهدوبانشان
میدهد وبانشان دادن شعور میدهد.
نان (!) شما چنین است ؟ آیا در
ناه (!) شما آدم زنده یی هم پیدا

رو لوپ نویسندهٔ انگلیسی می -
استان نویس باید خوا نند گان خود
دمهای خود آ شنا کندکه مخلوقات
ی آنان آدمیانی گویا، متحرك و
. این کار را هرگز نخواهد
آنکه آن شخصیت های متخیل رابشناسد
اهد توانست آنهارا بشناسدمگرآنکه
عیت کامل انس و آشنایی، با آنها
. آدمهایش باید موقعی که او
تابخوابد و موقعی که ازرویاهایش
د باید با او باشند . باید یاد بگیرد
فرت داشته باشد و آنها را دو ست
باآنها مباحثه و مجا دله کند، با
کند، آ نهارا ببخشد ... باید بداند
. هستند یا پرشور .... عمق و
چکی وکم عمقی هر کدام باید براو

ترلوپ چنین نتیجه میگیرد: «...من بدینگونه
باآدمهای خود ز یسته ام و هر توفیقی که یافته ام
از همین راه بوده است . نمایشگاهی از این
آدمها هست ، ودر باره همهٔ آنها که در این
تالار هستند می توانم بگویم که آهنگ صداو
رنگ مو ونگاه و لباس همهٔ آنها را می -
شناسم ...» وشما چطور آقای داستان نویس؟
آیا عبدالرحمن « روشنفکر» را به درستی
می شناسید ؟ « جنته را ازکجا یافته اید؟ ما
همانقدر با پرسو ناژ داستان کوتاه(!) شما
بیگانه هستیم واورا نمی شناسیم که شما، اما
چرا شما ؟ زیرا اگرشما قهرمان قصهٔ خود را
می شنا ختید ، الزاما خوانندگان قصهٔ تان نیز،
اورا می شناختند . زمانیکه آدمهای قصه را
نتوان شناخت ، بصورت عینی و د قیق و جزء
به جزء نمی توان توصیف نمود ، وانگهی که
توصیف نتوان نمود ، ترسیم و تجسم نمیتوان
نمود . و قتیکه ترسیم و تجسم نتوان نمود ،
آنگاه نمی توان از هنر سخن گفت .

فورستر نویسندهٔ معروف در باب طر ح
وتوطئه چنین ا ظهار میدارد : « طرح ، نقل
حوادث است ، اما نقل که در آن حفظ سببیت
باوجود رابطه علی مو جود باشد » میگوید:

شما دست عبدالرحمن ، قهرمان چوبین
قصه (!) را میگیرید به توتکی می بریدتاحادثه
بیافرینید وبه زعم خویش گره می اندازید و
آنگاه باقتل پدر «جنته» گره گشایی می کنید،
بی خبر از اینکه نه گره یی افگنده شده است
ونه بحرانی نه اوج و فرو دی .

آیا دلبا ختگی عبدالرحمن ، قهرمان بی گوشت
وپوست وخون ، به جنته خود نمودی از گفتهٔ
فورستر نیست ، « پادشا هی مرد وبعد ملکه
مرد.» چرا این دو به هم می رسند ، با آ نکه
عبدالرحمن به نحوی عامل و مسوول قتل پدر
وبرادر جنته است ؟ آیا عبدالرحمن طا لب ،
بقول شما و خیپه گیر ، میتواند نمونهٔ از یك
تیپ آزادیخواه باشد ؟

گفتیم این قصه (!) طرح و تو طئه ندارد ،
ببینیم دیگر چه کمبود دارد ؟ حادثه هم ندارد،
جدال هم ندارد و... واگرهم چیزی به نام حادثه
وجدال داشته باشدآنقدرگنگ وغیرروشن است که
بوضاحت قابل رویت نیست و یا اصلا حادثه
خود سا خته به داستان (!) نمی چسپد، زیرا
قهرمانان(!) دینا میك و متحرك نیستند و درقصه
زندگی نمی کنند . » و میدانیم که هیچ قصه یی
بدون جدال نمی تواند باشد واگر قصه یی بدون
جدال باشد .

چیست ؟ و جنگ باکیست ؟ و دشمن کجا
از اینرو بعید نیست که بایستی جدالی
نشود و حادثه یی تشکل نیابد الا به د
تقدیر و تصادف و باز میدانیم که حا
تصادف نیست . حادثه از نظر « گود م
نتیجهٔ جدال ودر گیری کرکتر ها با یک
است ودر واقع اساس طرح و توطئه ی
داستان و آیا همین عنوان فرعی « در حا
جنگ سوم افغان وانگلیس » قصه (!)
شکل و هیات قصه خارج نمی سازد ...
نویسندهٔ « بخاطر پیروزی» میگوید:«...
چند این ، یك مقالهٔ تحقیقی باذکر مأخذ
وغیره نیست و ادعای هم درین باره بعم
نیامده ، برای نوشتن چنین داستان حما
وتاریخی معلومات زیادی علمی جمع آ و
تنظیم شده است .

تحقیقات در بارهٔ نهضت روشنفکری
امانی وفعالیت مکتب و معارف و فر هنگ
زمینه ...» و عیب کار در همینجاست،
ما . این مواد گرد آورده شده ، تنها ش
هیات قصه را نمی سازد و باید هم نس
زیرا مواد قصه از نو ، در کورهٔ ذهن
نویس جوانه میزند واز صافی هنر می گذ

پیام زندگی نو

زمرد پیر خسته دل ، زپرشکسته نـــو جوان
زبیوه گشته نو عروس ، ز اشك‌وخون ما دران
زکودکان در بدر ، ز د خـــتران نـــا مراد
ز خوا هران خشمگین ، ز توده‌های قهرمان
زگوشه گوشه وطن ، کنون بگوش می رسد
پیام ز ندگی نو ، سرود صلح‌جـاویدان
پیام زندگی نو ، ز شهر و ده ودره ها
سرود صلح و دوستی ، رسدبما ز مر دمان
پس ای برادر و رفیق، نشستنت‌بخانه چیست ؟
بجز نهادن وطن ، به چنگ ظلم‌دشمنـــــان
خوش آن بود اگر د هیم، نجات‌مادر و طـــن
زکشور عزیز خود ، بیرون‌کنیم‌ستمگران
بیابیا توکارگر، تو قدرت زمانه ساز
شکن طلسم کهنه را ، بباز وان‌پـــر توان
بیا بیا تو بزرگر ، زگوشه هـــاز بیشه ها
برای عسکر جوان ، سرودمردمی‌بخـــوان
بیابیا تو بذرگر، ز گوشه هـا ز بیشه هـا
برو به جبهـــه نبرد ، به سنگرستمکشان
چو موج مست حمله کن، به چاکران زوروزر
وخلق خود رها نما، ز قید وبندپای و خان

دستگیر پنجشیری

۲۱ سنبله ۱۳٦۰ کابل-افغانستان



پیام ما

ما خواستار صلح
ما رهروان راه شکوهمند کار
ما همقطار مردم ز حمتکش و طن
ما در تلاش راه نوین برادری
یك آ رزو بدل
وآن اتحاد بی خلل جمله کارگر
با جمله بزرگر
و آنکه همه یکی
در جبهه ملی
یکجا رویم بسوی جهان برابری



میهن سر بازان

من فرزند کوه های سر به فلك کشیده‌ام،
با همه تهی دستی ها ، همتم بلند است ،
من زادهٔ دشت های سوزانم بـا آتش خـوگرده‌ام
سالها چون پدر خویش برخار مغیـــلان ره‌سپرده ایم .
از تیر و تیغ و خنجر نمی هراسم
زاده کوه را تندر دایگی کرده
چه صدایی دلم را از جا بر خواهد کند ؟

کبوتر صلح

جنگ است به نزدهمه جومات
آنگونه که نزد نور، ظلمات
در راه نجات نسل انسان

سرباز

ن ـ باروی تان
ست ، کوبنده است
ع
ان خاك مان
، مر دمان

* * *

ا ـ سر باز ها
ح بر دوش تان
رخ آفتاب
ن دشت ها
ون سنگزار
د بر عزم این
من مملکت
صلح اندر جهان

* * *

سرباز ها ـ سرباز ها
جنگ شما
جنگ نو است باکهنه ها
تاکهنه ها مغلوب شود
تانو ها غالب شود
جنگ شماست ضد جنگ
از بهر صلح جاویدان

* * *

سرباز ها ـ سرباز ها
عزم شما ، رزم شما
پاینده باد ، تابنده باد
عشق شما آمان تان

مغرورحسن

بسکه کار تیشه فرهاد رنگین آمده
هرکه بیندنقش‌اوگوید که شیرین‌آمده
سنگ برسرمیزنه‌خسروزشرم کوهکن
نقش این‌استاد کارازبسکه سنگین‌آمده
گر ندارد زلف برسر شوق پابوس‌ترا
ازچه رواز عالم بالا به پائین آمده
شوخ من‌تاریختی خون شهیدان رابخاك
حرف تیغت هرکجادیدم‌که رنگین آمده
گرنگشته مرغ دل در دام زلف اواسیر
همچوگنجشك ازچه‌روآخر به‌چینچین‌آمده
کار فرهاد محبت پیشه راخسر وچودید
گفت این تصویر زیبا سخت شیرین‌آمده
«شایق»آن مغرور حسن‌ازبسکه بدبیندمرا
قاصدی ازکوی اوپیوسته غمگین آمده
«شایق جمال»



ای هیواده

ای هیواده خما روحه ، خما تنــه
زماژوند یی، راته گران یی‌له‌هرخه نه !
ته سبب مـی دژوندون او دبقایی

ای هیوادهٔ، ته خما د...

خکه ، ستامینه به تل زړه کښی‌ساتمه
خما ژوند یی راته گران یی‌له‌هرخه‌نه
ته میراث مونږ ته راپاتی له نیکویی

رازسربسته

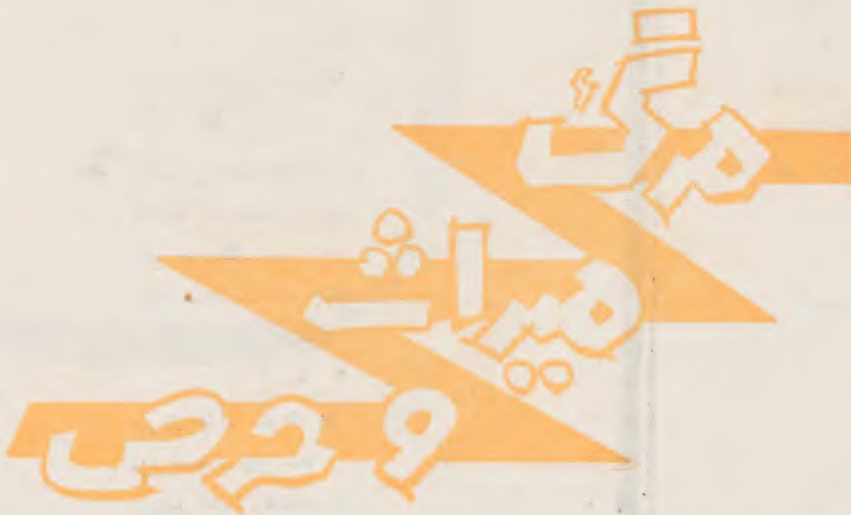
... عمر بمیخانه روم بار دگر
نیست درین قوم ، خدایامبیبی

بجز از خدمت زندان نکنم کار دگر
تابرم گوهر خودرا بخریدارد گــــر

برای شما برگزیده ایم :

این هفته از ادبیات لهستان

ولادیسلاو ایستانیسلاو ریمونت
برنده جایزه نوبل



ت‌کوا در حالیکه اشکهایی را که از شدت
م از چشمانش فرو می ریخت ، پـاك
کرد ، روی پا های کشیش افتاد و آب
ں را در ظرف لب پریده‌یی ر یـخت ،
ب آب مقدس را به گوشه یی گذاشت و
راهرو شد .
ند نفری که همراه کشیش آمده بودند در
رو به انتظار ایستاده بودند ،
ـ حمد بر مسیح .
ـ تا ابد الاباد .
ـ چی شده ؟
ـ هیچی جز اینکه آ مده که اینجا بمیره،
ں ما ، مالی که در حق ما تا توانسته ظلم
ه ، بیچاره من ، بد بخت من .

را به دیگران بخشید. پانزده جریب ز مین ، خانه ، گاو ها و خو کها ، گو ساله هـا و گاریها وآن همه اسباب و لوازم را ، وای بیچاره من ، هیچ عدالتی در این د نیانیست، هیچ ، آه ، آه ... بدیوار تکیه کرد وباصدای بلند شروع به گریه کرد، یکی از همسایگان گفت :

ـ گریه نکن همسایه گریه نکن، خــدا مهربـان است ، بـرای فقرا ، یك روز اجر ترا خودش میده ...

شوهر زن سخن او را قطع کرد و گفت :

ـ احمق ، این حرف ها چه فایده‌یی داره ، ناحق ، نا حقه ، پیر مرد می میرد و تنگدستی میمانه .

مرد دیگر متفکرانه گفت :

زمین می زدند که گرم شوند ، زنها در حالیکه دست های خودرا ز یر پیش بند های شان فرو کرده بودند ، بهم فشرده می شدند و با قیافه های صبور ، به در اتاق نشیمن چشم دوخته بودند .

عاقبت صدای زنگ آنهارا به‌درون اتـاق خواند ، همدیگر را با فشار کنارزدند و یکی یکی داخل شدند ، مـــرد محتضر به پشت خوابیده بود ، سرش کا ملا در با لشت فرو رفته و سینه زردش که پو شیده از مو های سپیدبود از زیر پیراهن بازش بخوبی معلوم میشد کشیش روی او خم شد و آبـرا روی زبان بیرون آ مده اش پاشید ، همه زانوزدند، در حالیکه چشمها یشان به سقف دو خته‌شده بود و سینه هایشان بالا و پا ئین می رفت ،

ـ کجـا میتانـه بـا شه عا لیجن
هر روزی اش .
برای لحظه یی کشیش ایستاد
به جمع انداخت ، لباس پوست گ
اطراف شانه اش محکمتر کرد ، اما
برای گفتن به فکرش نرسید ، آ
را به طرف آنها تکان داد و در حـ
سفیـد خـود را میـداد کـه ببوس
جلوپای او خم شده بودند ، از
رفت .
وقتی کشیش رفت آنها بلافاص
شدند ، روز کوتاه ز مستانی به
می‌رسید ، باد آ رام شده بود ، ا
های درشت و بزرگ همچنان می ب
شب بداخل اتاق می خزید ، آن

برف محو شده بود ، جلو بستر
ا تر دید ایستاد ، آ نو قت‌یکدفعه
سمم و با خشونت از روی بـــدن
اشت و آنرا روی تخت خــواب
ب کرد ، زیر بغل های پیر مردرا
ا روی هوا بلند کرد وبلندفریاد

در را باز کن !
تزده از جا بر خوا ست و در را

جا پا هایش را بگیر !
دستهای کو چکش پا های پـــدر
رفت و منتظر ببالانگاه گرد، مادرش

روی برف کشیده میشد و دو شیار عمیق‌بوجود می آورد .

شدت سر ما پیر مرد بیهوش و محتضر را به هوش آورده بود ، چون در حو یلی شروع به ناله کرد و بریده بریده گفت :

ـ جو لیشا ، وای خدایا ، جو ...

ـ حق داری جیغ بزن ، هر چقدر دلت می‌خواهدچیغ‌بزن، اگر حنجره‌ات راهم پاره کنی کسی صدای ترا نمي شنود .

او را به آنطرف حویلی کشید و باپا در خوکدانی را باز کرد ، پیر مرد را به دا خــل کشید وکنار دیوار انداخت .

خوك ماده خرخر کنان جلو آمد و بچـــه

زن به‌را هرو بر گشت و به آنها نگاه کرد .

ـ مالو شا ، مالو ، مالو ، مالو !

آنتا کوا چراغ کوچك سر بخاری را روشن کرد وپشت به پنجره گردن بند تسبیح را ازهم شگافت ، و قتی چند نوت کا غذی و چندسکه روبل بیرون افتاد ، چشمهایش برق زد :

ـ پس و قتی که گفت پولی برای کفـــن و دفنش جداکرده ، دروغ نمی گفت :

پول هارا در پارچه یی پیچید و در یخن پیراهنش پنهان سا خت .

ـ ای یهود ، ای خاین انشاء الله که برای همیشه کور شوی .

نیم ساعت گذشت و آنو قت برف زیر پای

ـ ننه غلط کردم ، ننه هلایم کن ، ننه
زن محکمتر او را زد :

ـ چوچهٔ سگ ، نه هیزم داریم و نه
وتو ایلا ، ایلا میگردی ..

عاقبت پسرك توانست خودرا از دست
برهاند، از پنجره بیرون پرید از بیرون‌بـ
صدای گرفته فر یاد زد:

ـ انشاء الله د ستت بشکند ، انشاء
بمیری ، آ نقدر منتظر بمان تا بپوسی ، ا
آب ، نمـی آورم و بــه طـرف ده دوید

اتاق به طورعجیبی ناگهان بی سروصدا
چراغ سر بخاری به پت پت افتاد ، د خت
هق‌هق میکرد .



لی نکشید که شوهر آنتا کوا به خانه
ت ، مرد تنو مندی بود و پو ستین بتن
و شالی به دور کلا هش بسته بـــود ،
اش از سر ما کبود شده بود ، بروتش
سری یخ پوشیده بود ، مثل یك جارو .
نا کوا ظرف پر از کلم را از روی آ تش
ست و جلو شو هرش گذاشت تکه نانی
و با قاشق به او داد .
رد مدتی به دور و بر اتاق نگاه کرد و بعد
ید :
پیر مرد کجا ست ؟
کجا باید باشه ، در خو کدانی ..
رد نگاه پرسنده‌یی به او انداخت .
فکر کردم اینطور بهتره ، چرا بستر ها
ه هایمان را چتل سازیم ، مگر او چیزی
م گذاشته ؟ اگر قراره همه چیز هــــا
ب جو لینا شوه موا ظبتش را هم او بکنه،
من نیست ، پیر مرد حقه باز .
وهر دود سگرتش را بلعید و به وســط
تف اندا خت .
اگر همه چیزش را به جو لینا نمی‌بخشید

می توانستیم یك اسپ داشته با شیم و
گاو شیری ، تف ، چوچه سگ .
ن از جا برخواست و بچه را روی بسترش
ست ، بسته کهنه یی را از یخنش بیرون
د و در دست شو هرش گذاشت .
رد بسته را باز کرد ، چهره اش حا لت
دانه‌یی یافت ، برای پنهان کردن پـــول
م قا متش را به جلو خم کرد و دو بارآنرا
رد .
ـ چقدر است ؟ « زن حساب را نمی‌دانست»
ـ پنجاه و چهار روبل .
چشمهای زن درخشید ، دستش را جلــــو
د و پول ها را نوازش کرد ، مردپرسید:
ـ از کجا گیر آوردی ؟
ـ از کجا ؟ یادت می آید پار سال پیر مرد
گفت که پول کفن و د فنش را جدا کرده
ـ بلی همین طور گفت .
ـ به تسبیحش دو خته بود و من آنرا از
دنش کندم ، نباید چیز های مقدس را در
کدانی میگذاشتم .
شوهر با خو نسردی جواب داد :
ـ پول از خود ماست ، از آن همه حداقل
ن یك ذره اش بما میرسه ، بگذار روی‌پول
ی دیگر ، به آن احتیاج داریم ، همین‌دیروز
ر که « آسمو لتز » بمن گفت اگر هزارروبل

چون دیگرهیچ وقت او نمیتانه زمین را از گرو
من خارج سازه و اضافه کرد :
ـ با او قرار داد می بندم که اگر در مدت
پنج سال ز مین را از گرو بیرون نیاره، زمین
ملك شخصی خودم شوه .
ایگناتس با احتیاط به درون اتاق خـــزید،
کسی خشمی به او نگرفت ، همه ساکت بودند
ودر اندیشه های دور و دراز خـــود غوطه ور
بودند ، چند لحظه بعد و قتی که زن ازگذاشتن
پول ها در جای مخصو صی آرام شد همه به
خواب ر فتند و در همانحال پیر مرد مرده بود،
خوکدانی ا تا فکی بی حفاظ بود ، کسی صدای
لرزان نا ا مید او را که طلب رحم می کرد ،
نشنید ، کسی خزیدنش را به طرف در بسته
ندید و ندید که با چه تلاش فوق بشری ازجا
برخواست و کو شید در را باز کند، ا مــــا
نتوانست و در همانجا پشت در بسته‌خوکدانی
بانا امیدی افتاد و مرد .
روز بعد پیش از بر آمدن آ فتاب زن‌وشوهر
از خواب بیدار شدند ، او لین فکر شان ایــن
بود که چه بر سر پیر مرد آ مده است ، مرد
رفت که‌نگا هی بکند ا ما نتوانست درخوکدانی
را باز کند ، جسد پشت در افتاده بود ، بـــا
زحمت ز یاد مو فق به گشودن در گشت ، اما
بلا فاصلـــه باترس فراوان بیرون آمد، باشتاب
خودش را به اتاق نشیمن ر ساند و در حالیکه
رنگش پریده بود و تمام بدنش می لرزید.
در آن لحظه ز نش به دختر کوچك خـــود
نماز یاد میداد:
ـ « ارادهٔ تو کرده شود . »
بادیدن شو هرش با عجله پرسید :
ـ خوب مرد ، روی زمین در خوکدانی ؟
مرد جوابداد :
ـ به طور حتم مرده ، پشت در ، شایدبهتر
باشد بیاریمش اینجا .
زن غرید .
ـ چه حرفها میزنی ، بگـذار همانجا بگنده ،
مگر ما مجبوریم خرج کفن و د فنش‌رابدهیم‌و...
شوهر سخنش را قطع کرد :
ـ احمق او باید دفن بشوه باید از آنجـا
بیرونش بیاوریم .
ـ خوب ، برو بیرو نش بیار !
ـ خیلی خوب ، ا ماتاریکیست ، مــــن
می تر سم .
ـ اما اگر صبر کنی‌هوا روشن شوه‌همه‌مردم
می بینن ، می فهمن .
ـ مرد فریاد کشید : این کثافت‌پدرتوست،

باپوشش سفیدی از برف و صورت درد زده،
بازبان بیرون افتاده و دندانهای قفل شده‌قیافه
هول انگیزی پیدا کرده بود ، لکه‌های کبودی
روی پوست بدنش دیده میشد و سر تا پا از
کثافت پرشده بود ، مرد در حالیکه روی‌جسد
خم شده بود ، آهسته گفت : بگیرش !
آنت کوا چشمهایش را بست و پیش از
آنکه پای پیر مرد را بگیرد ، د ستهایش را
باپیشبندش پو شاند ، او را به زور از زمین
بلند کردند و روی یك چوکی شکسته گذاشتند
وبعد به کمك هم به اتاق نشیمن بر دند، زن
نفس ز نان گفت :
ـ باید کسی را پیدا کنیم که او رابشویه!
ـ درست است ، میروم « کرو گنگی » را
میارم .
همینکه هوا روشن شد ، انتك را عقـــب
کروگنگی فرستادند ، یکساعت بعد مرده‌شست
وشوی گردید و لباس پوشانده شد ، شمعدان
مقدسی را نیز بالای سرش گذاشتند ، آنوقت
انتك رفت که مرگ پدر بزرگ را به اطلاع
کشیش ر ساند و ضمنا بگوید که آنها قدرت
پرداخت مصارف کفن و دفن را ندارند، هنوز
غروب نشده بود که « تو ماك » داماد دیگر
زیر تاثیر گپهای مردم اعلام کرد حاضر است
خرج‌کفن و دفن خسرش را بپر دازد .
روز سوم کمی پیش از مراسم کفن و دفن،
زن تو ماك نیز آمد و در را هرو سینه‌به‌سینه
باخواهرش برخورد کرد ، آنتا کوا که درحال
بردن یك سطل آب به گاو دانی بود ، سطـل
را به زمین گذاشت و گفت :
ـ بالاخره پیدا شدی ، شاگرد شیطان، تو
که خودرا ازشر پیر مرد رهاندی ، چطـــور
جرئت میکنی پای در این خانه بگذاری ، مگر
آمده‌یی لباس های کهنه اش را ببری ، مرده
خوار !
ـ «تومه کوا » به آرا می جواب داد :
ـ عقب پو ستینش آمده ام ، من آ نراباپول
خودم خریده بودم .
آنتا کوا با خشمی دیوانه وار فریادکشید :
ـ پوستین را می‌خواهی ؟ حالا بـرا یــت
نشان می د هم .
وبعد باو ضعی تهدید کننده عقب چیز ی
گشت تا او را لت وکوب کند به گپ هـایش
ادامه داد :
ـ میخوا هی که ببری راستی که پر روی ،
چقدر بوت پاکی کردی و تملق گفتی تا همه
چیزش را بتو بخشید و به حق من ظلم کرد

پست احمق !
ـ تو پوزه ات را ببند ، چوچه
وبعد به جان هم افتادند ، از مو
ودشنام گویان همدیگر را تاسر ح
وکوب‌کردند تااینکه مرد ها به ز
از هم جدا سا ختند ، با چهره
پراز خراش و شبیه به عفریت ها
آنتا کوا از خشم و درماندگی
افتاد ، موهایش را میکند و شیو
ـ خدایا ، خدایا ، مریم مقدس
زن‌نفرین شده نگاه کن ، لعنت به
وای ... وای ...
در همان لحظه تومه کوا در بی
فریاد میزد ، نفرین می کرد و م
می کوبید تماشاگر ها می کوشید
آرام سازند و پند د هند .
عاقبت کشیش وارد شد ، تابو
بیرون آوردند و درگادی گـذاشت
جمعیت به سوی گو رستان روانه
به‌نوحه سرایی پر داختند بچه ه
مشتاق از عقب پنجره های بست
نگاه می کردند ، در کنار آ نها پ
بی دندان که چهره هایشان مانند
پرشیار بود ، دیده میشدند .
جمعیت کمی از اطفال باتنبان
ونیم تنه هایی آ بی که دگمه های
باپا های بر هنه‌یی که در کفش
قرار داشت ، دنبال کشیش می‌دو
تصویر بهشت و دوزخ چشم دو
وبر گر دانهای سرود را با صدای
می خواندند .
دو خواهر نزدیك بهم ، عقب ت
رفتند ، دعا را زیر لب ز مزمه
بانگاه های پر از خشم به همد
سرود لا تینی به آخر ر سید
صدای لرزان به خواندن این سر
پردا ختند :
ـ« آ نکه قرین ر حمت پر و
صدا قدرتـــی نداشت ، باران
بود، نمی گذاشت صدا ها به ا
هوا آ رام آرام تاریك میشد ،
برف را از دشت های بی آب و
وتنه عریان درختان را می پو
ادامه داشت:
« و کلام او را دوست دارد
نگه میدارد . »
وقتی مردم بانگرانی به فضا

...مع :

...سی مجلات تازه کشور

...صحت» تولدی

...ه در مطبوعات ما

...وصیت های عمده وویژگی‌های ...ی عقب نگهداشته شده که‌سده ...ادر زیر ضوابط استثمار گرانه ...سته وزیر فشار های گونه‌گون ...اق سیاسی ، از باروری و ...ونذزندگی اجتماعی بدور مانده ... کــه سلطه ها ی جابرانـــه ...های وسیع انسانی را در بیداد ...اخته وامکان هر گونه فعالیت ...را به منظور تحقق آرمان های ...در جهت رشد و انکشاف جامعه ...سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی‌و ...ان سلب داشته است •

...نجار وضد منافــع ملی ،علم ...ه تولیدی وپا یمال گشتن‌تمام ...رنجبر و زحمتکش به وسیله ... حاکم‌ازیکسوزمینه های چپاول ...مایه‌های‌ملی رابه وسیله صدر ... مساعد گر دانیده واز سوی ...های تولیدی کار گران و دهقانان ... فیصد جمعیت هارا دراین ... میدهند مورد بهره کشی قرار ...ه زمینه های فقر ، بیماری ، ...وادی را هر روز بیشتر بسط ...ست •

...صحی همگانی ، علم موجود یت ...سیع و قایوی که در عمل گرد ...بری امراض رادریك سطح‌ملی ...لم توازن توزیع خدمات صحی ...ای میلیونی ونحوه تقسیم‌خدمات ...ساری وبه نفع اقشار بالایی‌همه ...م بیماری های ساری وغیرساری ...کان ، زنان و مردان رنجبر و

مهار کردن امراض مدهش و کشنده چــون میراثی شوم برای ما باقی مانده ودر برابر ما قرار دارد •

به گونه یی که کشور مارااز نظر تامینات صحی در سطح پائین ترین وپسمانده ترین کشور های حتی عقب نگهداشته شده قــرار میدهد •

هـــر مـــا د ر ا فغـــا ن در مـدت زندگـی طبیعی خود دریك حداوسط نه‌طفل زایمان‌میکند امادر موقع مرگ بیش ازپنج فرزند ندارد ،به معنی دیگر از هرنه کودك ما چهار آنان پیش ازرسیدن به سن مکتب میمیرند ، در حــالیکه اگر شرایط وقایه وپیشگیری بیماری های‌ساری وواگیر وجود داشته باشد ، همه آنان میتوانند زنده مانند •

همین احصائیه هاکه‌شاید اگر دقیق ترتیبه گردند مارااز حجم و سیعتری از معایب آگاهی دهند بر اساس این آمار یك مادراز شش مادر یادر دوران بار داری و شیردهی میمیردو یااغلب به فقر غذایی مصاب میگردد که اگر توزیع خدمات حمایه طفل و مادر تنظیم گردد و مواد غذایی لازم در زمان بار داری و شیر-دهی به مادر برسدوخدمات نرسنگ وقابله‌گی برای همه درده وشهر میسر گردد ، این‌تلفات میتواند در حد نزدیك به صفر کاهش یابد•

در پهلوی این معایب ،توبر کلوز وامراض دیگر زاده فقر که بیشترمولود شرایط ناهنجار اقتصادی ، علم شرایط تامین حفظ الصحه مارا درو میکند •

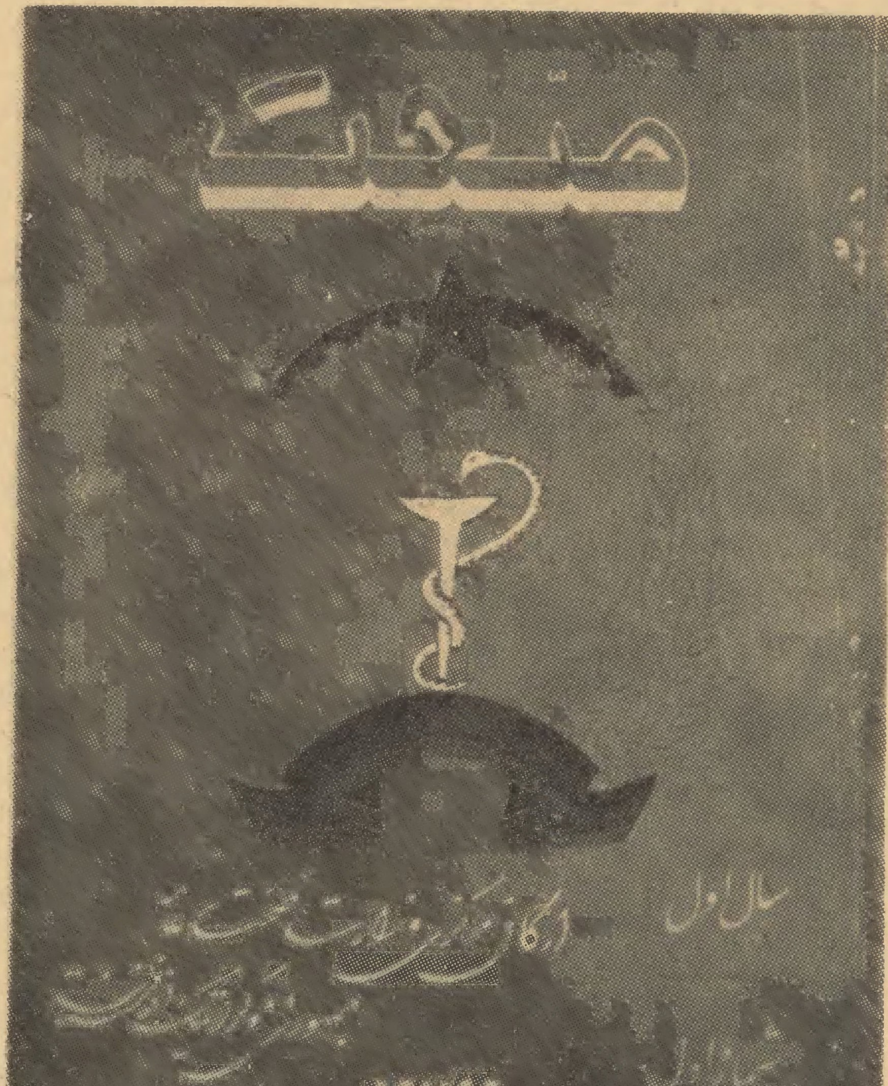
این درست است که برای بوجود آور... تامینات صحی،برای‌توانایی یافتن به‌پیشگی... ووقایه امراض روبالخصوص امراض سار... از یکسو به کدر های مجهز طبی نیاز دا... که تهیه آن خود نیاز مند به فکتور زمان ا... واز سوی‌دیگرسرمایه گذاریهای‌هنگفتی‌راایج... میکند تاتامین خدمات صحی‌وتوزیع عادلانه‌... هر گوشه وکنار کشور میسر گردد که ... هم همه این امکانات و شرایط‌سازندگی گر...

اما مردم از حداقل آگاهی های صحی ... تعلیمات صحی‌برخوردارنباشند باز هم‌ضای... وتلفات فقط اندکی کاهش خواهد یافت‌ودر... گیری مردم به عنعنه های خرافی موجب‌میگ... که گرایش بیشتر به طب بومی و غیر عل... داشته واز طبابت مدرن‌و دساتیر آن درزند... خود استفاده نبرند •

این واقعیت است که وقایه بهتر واررار... از تداوی است اما برای اینکه این واقع... مورد پزیرش جامعه قرار گیرد مردم بای... حد اقل آگاهی صحی بر خوردار گردند ، ب... بدانند که چه بخورند ، چگونه بخورند و ... بخورند ، باید به پاك نگهداری محیط زیس... باور کنند ، باید راه های آسان جلو گی... از انتشار میکروب هارا بفهمند وباید بدا... که در چه شرایطی میکروب میتواند تکثر... ودر چه شرایطی نابود گردد و خیلی دانس... های دیگر را نیز در همین زمینه فرا گیرن... برای رسیدن به چنین هدفی وسایل ار... گروهی ودر شرایط کشور ما که بیسواد... عام است رادیو بیش از همه نقش دارد •

برای تحقق تعمیم صحت وبرای آگاهی... زمینه های وقایوی باید نشرات فراوان صو... گیرد و مسایل در زبان ساده باپوسترها... مفلیت ها، لیف لیت ها، مجلات و جراید ...

های مستند و آموزشی وهروسیله مفید د... توضیح گردد و هم چنین سطح آگاهی‌ودا... پرسونل طب‌و صحت عامه هر روز بلند ... شود تا آنها بهتر بتوانند مفاهیم صحی را... مردم بیسواد و کم سواد انتقال دهند ، ... کار کنان صحت عامه رهنمایی شوند که‌به... آوری احصائیه هاو آمار دقیق در هر کج... که وظیفه دارند و پیرامون مسایل گونا... طبی ودر ارتباط عقاید مردم بابیماری هامعلو... ومواد تهیه وترتیب دارند تااین معلومات ...



یان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایـ

منصور حلاج

« منصور وار گر ببر ند م بپا ی‌دار
مردا نه جا ن دهم که جهان‌پایدار نیست .»

این منصور حلا جی که همـــــه
مشس را شنید ه ایم و شعرا و
ا ی ما آن همه در حق او سخنان
. گفته اند ، کیست ؟
نصو ر نمیرود که از صد نفر ما
فر باشد که بتواند باین سوا ل
ب صحیح ومقنعی بدعد. یك‌نفر
مستشر قین فرانسو ی مو سو م
ما سینیون پـس ا ز زحـمات
یار و تحقیقا ت و پژو هشس های
سمار و مسا فر ت دو ر ودرا ز
بغداد که شهادتگا ه حلاج است
د کتا ب در با ب منصور حــلاج
یف نمود ه که بطبع رسید ه است
لا شك تاکنو ن بدان شــر ح و
سیل و دقت و تحقیق کتاب‌جامعی
در عر بی و نه فارسی و نه د ر
ان هـای فر نگــی نو شته شده
ت . از این رو اطلا عات ذ یــل
از هما ن کتا ب پرو فیســو ر
سینیو ن در تر جمهٔ حا ل حلاج
، می نما ییم :
حلاج مرد مجذو ب و دلبا خته ای
که درراه عقیده پاك و بلندخود
ت مجا هد ت رابه منصه ظـهور
انید و در ترو یج آ ن چــه در
ن خود و چه در اطرا ف جهانی
در آ ن تاریخ بدا ن دستر سی
ه ز حما ت و مشکلات بی نهایت
حمل گردید و بیشس ا ز آنچــــه
سور آید از دست تعصب و جهل
. خوا هی هم کیشا ن‌وهموطنا ن
د عذا ب و مصیبت دید و عاقبت
س از هشت سا ل حبسں متوالی
زندا ن های کثیف و تا ریــك
اد بالاخر ه در بالا ی دار درکمال
انگی و شهها مت جا ن دادچنانکه
یث آ ن هنو ز ورد زبا ن خاصــ
م و ضرب المثل جانفشا نــی
ا نه است . حلاج ما نند عیسی
یح و همنا م خود حضر ت ابــا
الله الحسین و جانبا زا ن‌بزرگ

اینك و قایع عمد ه ز ندگا نـــی
حلاج با تعیین تاریخ آ ن :
اسمشس ابو عبدالله حسین پسر
منصور از اهل بیضا ی فارس ودر
همان نزد یکی بیضا در حدو د سنه
۲٤٤هجر ی بدنیا آمد ه است و لی
تربیتش در عراق در شهر واسـط
بود ه است .
در حدو د سنهٔ ۲٦۰ که شانزد ه
ساله بود به‌شاگرد ی بخد مــت
سهل بن عبدالله‌تستر ی از مشاهیر
ومشایخ و صو فیا ن در آمد و در
هما ن تستر دوسا ل بخد مــت و
تحصیل علم مشغو ل بود .
در حدو د سنهٔ ۲٦۲ در بصر ه
بخد مت و شاگرد ی عمر والمکی
که او نیز از صو فیا ن و مشا یخ
بزرگ است در آمد و هجده ما ه
خد مت نمود و در همان مد ت‌دختر
یکی از مشایخ دیگر را مو سو م‌به
ابو یعقو ب الا قطع بز نی گرفت .
درسا ل ۲٦٤ در بغداد بخد مت
جنید بغداد ی معرو ف در آمد ودر
شمار ه صو فیا ن به حسا ب آمد.
در حدو د سا ل ۲۸۲به مکـــه
مشر ف گردید و یك سا ل تما م
در آنجا به گو شه نشینی تجر د
بسر برد و در حین مرا جعت‌از مکه
با ابرا هیم خواص در کو فه و با
جنید در بغداد مباحثا تی دارد که
مشهور است .
در حدو د سنهٔ ۲۸٤از صو فیا ن
برید ه دوسا ل تمام در تستــــر
انزوا اختیا ر نمود . از حدو د۲۸٦
ببعد مد ت پنج سا ل به مسا فر ت

در حدو د ۲۹۳ از را ه دریا به
هندوستا ن واز هند به ترکستا ن
رفت و همه جا بمو عظه و تالیف
مشغو ل بود .
در حدو د ۲۹٤ سو یمین بار به
مکه ر فت و در آنجا اقا مت‌نمود .
در حدو د ۲۹٦ به بغداد مراجعت
نمود ه و در مسا جد و مجا مــع
بنا ی نطق‌و خطا به های عمو می‌را
نهاد .
در حدو د ۲۹۷ ابن داود اصفهانی
فتو ی بر ضد او داد و حلاج‌دستگیر
گردید ه بتو قیف در آمد .
در ۲۹۸ از حبسں گریخته مدتی
مخفی بود و در همان حا ل‌شاگردش
ابن بشر مورد تعقیب متعصبیـــن
واقع گردید .
در ۳۰۱ دو مین بار دستگیر شده
مورد استنطا قها ی مفصلی وا قــع
گردید و سپس د ر بغداد در حضور
ابن عیسی و زیر او را محا کمــه
نمودند و سخت شکنجه و عــذ ا ب
دادند و عا قبت محکو م شد به‌هشت

سا ل حبسں و لی در زند
دست از عقا ید خود و تر
بر نداشت وچو ن رفته ر
دارا نی پیدا کرد و مخص
دربار خلافت چندتن از
متنفذ به حمایت او برخا س
درسال ۳۹۰ ، اورا باز م
نمودند واین محا کمه هفت
کشید و در روز هجد ه ذ
هما ن سا ل فتوا ی قتل
گردید . از طر ف سه تن
مشهور آ ن عهد و چهار رو
خلافت نیز در قتل او ص
در روز بیست و چار ذی
۳۰۹ در جلو ز ندا ن بغدا
حد زدند و دست و پایشں
وبعد بدار کشیدند در ص
در همان حا ل باز آواز«ا
از حلقو م او بیرو ن می
جسد او را از دار پا یین
سرش را بریدند و تنشں
ندند .
شیخ عطار که او نیز د
۳۰۹ سا ل بعد از آ ن د
٦۱۸ در فتنهٔ چنگیز بشها
در فصلی که در کتا ب «
خود در با ب « تو صیف ا
ووصول به آ ن مقا م دار
حلاج را نمو نه انسا ن
معر فی نمود ه و در حق
سرود ه است .

تولد دیگر

آنها که راهی ،
بسوی فردا های روشن
وتك رواندیشه امروز ما بودند .
فکر و عقیدت شان
بفرو غناکی یك خورشید !

به نیروی جمعی در آمدند
تاجها نرا زیستگاه باهمی

-۳-

و امروز ....
انسان عصر نوین
با آفریدن اسطوره خویش ،
فراتر از مرز زمانها ومکانها
عروج می‌کند !

-٤-

سی که منصو ر ا زکجا رفت

چـر اسرا ر پنها ن بر ملا ر فـت

د منصور ما مو ر شریعت

به معنی دید اسرا ر حقیقـــــت

حضر ت صا د ق بجا ن بو د

ثنـا ی حضر تش و رد ز با ن بـود

دید انـــوار معـــــانـی

بــروشد کشف اسرا ر معا نـــی

و حد ت حق گشـــت آگا ه.

وجو دخو یشتن بر دا شت ا ز را ه

گشت فا نی د ر ر ه حق

زبا نش گشت گو یا در انا الحـــق

سا شد بنور خو یشی آنگا ه

بسو ی بحر و حد ت یا فـــت او راه

باز ر فت و همچـــــواو شد

باول بو د و در آخر هم او شـــد

میشنو د اسبـــــر ارمنصور

بدو گفتاز جـا هـل دار مستور

جا هل اسرار ولـــی را

بـــــه غفلت میرود را ه نبــــی را

آشکارا کـــــــر داسرار

ببردندجا هلا نش بر ســـر دا ر

ی جا هلا ن با او چـه کردند

بنـادا نی بدا ن حقگو چه کرد ند

باز گو یم ای بــــراد ر

جها ن زیر و زبر گردد سرا ســـر

ل عشق چو ن منصو رمیدار

که تــا گو یی انا الحق بر ســــر دا ر

اندر حقیقت همچـــومنصو ر

انـــاالحق گو یی و گرد ی همه نور

خو یشتن از را ه کن دو ر

که تاگردی بمعنی همچو منصـــو ر

ی تو که با منصـــورحقگو

زنــادانی چهـــا کرد ند بـــا ا و

بود از دو عالم بـــرکرانه

نمـــی دانست جزء حق آ ن یگا نـــه

د از و جود خو یشتن گرد

سجو ددر گه حق را چسا ن کـــرد

در جا ی دیگرفرموده:

ند آن حلاج بردا رآن زمان

جز انـــاالحق می نر فتش بر زبـــا ن

با ن او همی نشناختند

چـــا ردست و پا ی اواندا ختنـــــد

چو ن ریخت از و ی خو ن بسی

تانبا شم ز رد در چشـــــم کسی

سرخ رو یی با شد م اینجا بســــی

هر که را من زرد آ یـــم د رنظر

ظــــن برد کا ینجا بترسید م مگـــر

چو ن مرا از تر س یکسر موی نیست

جز چنین گلگو نه اینجا رو ی نیســــت

چو ن جهانم حلقهٔ میمــــــی بود

کــــی چنین جا یی مرا بیمی بــو د

م . ایوب . اعظمی «پتنوال»

دمبارزی سنگر

ای زمونږ د مبارزی سنگره!

ای زمونږ د خلکو دنیکمرغی سرچینی!

په تا کی ډیر پیاوړی ځوا نان جنګیږی!

په تاکی ډیر سرو نـه قـــربان شویدی !

ته زمونږ د هدفونو د بر یالی کیدو لاره یی !

ته زمونږ د خلکوددردو نو دوایی!

تا ډیر ځوانان د مبارزی د پاره روزلی دی !

ته زمونږ د قهرمانانو ځانگو یی!

* * *

تا د مبارزی پ ه ډگر کی ډیـــرقهرمان ځوانان له لاسه ور کړیدی.

تا ډیرو ځوانانو ته د ثبات اومقاو مت شیدی ور کړیدی .

تا هغوی د غیرت په ناز ناز ولی دی .

تا ډیر قهرما نان ، په قهرمان ویاړهدیرو ته لیږلی دی .

او هغوی ته دی همیشنی ویاړورپه بر خه کړی دی .

تا هغوی ته د وطن دمور د غیږی دسا تنی ، روحیه وربښلی ده .

تا هغوی ته وسله په لاس ،د هیواد څخه د دفاع،او د انقلاب ضد، دله منځه وړلو در سو نه ور کړی دی .

* * *

همدا ته وی چی استعمار گـــــر،انگریز ته دی درانده گذا رو نـــه ورکړل .

همدا ته وی چی، د میو نـدپه سخت ډگر کی بر یا لی شو ی.

او داته یی ، چی اوس امریکا یی امپریا لیزم ، چینا یی هژمو نستا نو او د هغوی ملگروته د تاریخ درسونه ښایی !

په تا کی زمونږ د بر یا لیتوب کار نامی ښکاری !

* * *

ای زمونږ د عادلانه مـــبا رز ی سنگره !

ته تل پیاوړی او بر یا لی یی!

ستا عادلانه اهداف به زمونږ په سرو وینو عملی کیږی !

ستاد امید نوی گلان به لاتا زگی ومومی !

مونږ! په خپلو وینو ستا کرل شوی گلو نه او بوو !

ته قهرما ن یی !

ته بر یا لی یی !

بقیه صفحه ۲۵

مروری بر...

ز را آنهم به گونه‌ی موافق آ ن
توان بی ارتباط به شعر دیروز
ود ، سراینده‌ی که به جر یان
، سبك ها و شیوه های شهـــر
ی دری آشنایی ندارد نمی توانـد
ر زمانه‌ی ما را که شعر عصیان
ت شعر بیداری و پر خاشی است
ات‌زنده مرده‌گان همه‌خوابندبلارد
اله‌ی زولانه، آیین‌گردون، داغ-
ق ، تا بکی ، هر قدر رنـــج
سمند ، ابله‌ی پا ، عید من پیام ما
ت شاعر ، در وزن های غـــزل
ری ،چار پاره ،مسدس سر وده
ه اند . در قطعه‌ی بی پرده جلوه
که خطاب به زنان کشور است و
سال ۱۳۳۵ سروده شده شعـــر
، معمول دری را می شکند و از
ی آزاد استفاده می نماید . مـــی
هد سخن دل واحسا سات خودرا
ن قید و بند های قافیه وردیـف
ی کند ، در این قطعه شاعر زنان
ور خود را به سوی کار،به سوی
رزه و به سوی انقلاب دعوت می
. او به این عقیده است تا وقتی
زن از اسارت های خانوادگی و
صادی نرسته است و در رونـــد
ید و چرخ تکامل اجتماعی سهم
فته آزادی تام و تمام ندارد .او
خواهد که زنان با سلاح اندیشه

و دانش که قاطع ترین حربه هاست مسلح شوند . از صفحه‌ی ۵۰ تا ۵۸ نیز با شعر هایی بر می خوریم که اوزانی کهن دارند اما دید گاهـــی تازه ای را ارائه می کنند .

قطعه شبستان قبرها که ازقطعات معروف شاعر است و در وقت آ ن جایزه ادبی رحمن بابا را گرفته نیز در این مجموعه آمده ، این قطعه نیز قالبی آزاد دارد . در مجموع کتاب شهر حماسه آمیزه‌ای است از شعر های آزاد و شعر های دارای اوزان کهن ، اما آنچه گفتنی است اینکـه شاعر ازهرقالب و روشی که‌استفاده کرده است درد زمانه‌ی خود ، نیاز روز گار خود را بازتاب داده اسـت اگر از چند مورد اندك بگـــذ ریم، کتاب بی غلط چاپ شده اســت ، صفحه‌ی اول‌و چهارپشتی‌با تصویری از کار های نقاش معاصر یوســف کهزاد اراسته که بر زیبایی کتاب‌می افزاید و همچنان طرح ،دیزایـــن ، صفحه بست، نقطه گذاری طرزقرار گرفتن عنوان های کتاب جالب مـی توان گفت که در کشور ما بی سابقه است تا پیش از این مجمو عه شعر های‌که چاپ شده است درآنها این همه کوشش‌و دقتی که‌در این‌مجموعه به‌کاررفته است رعایت نشده‌است‌و می توان این شیوه مورد استفاده و پیروی در آینده قرار گیرد به امیـد پیروزی هر چه بیشتر شاعر وتدوین کننده کتاب شهر حما سه

بقیه صفحه ۱۱

طفل و قانون...

سیمینا ر طفل و قانو ن را چکو نه به بررسی میگیرد و چه نتایجی را از آن انتظا ر دارد ، میگو ید :

- بعد از پیروز ی مر حله نوین و تکا ملی انقلاب ثور در کشو ر در واقع گام ها ی فراخ و ارزشمندی در جهت حما یت از کود ك و مادر بردا شته شد چنانکه بـا پیرو ی‌از هدایات مواد بیست وچهار وبیست و شش اصو ل اساسی جمهـــوری دمو کرا تیك افغا نستا ن بود که برای فرا هم آور ی تسهیلا تی برای مادرا ن حا مله سه ماه رخصتی با معاش بعد از ولادت به تصو یب دو لت رسید و هم چنین سا حه معافیت کتلو ی برای بهبود صحی حال کود ك و مادر به پیما نه وسیع تر در دست اجرا گرفته شد هم - چنین وزار ت عد لیه مکلف سا خته شد تا مو نو گرا ف قوا نین تازه و مطابق با عدل را در چو کا ت

اصو ل مد نی برای رفا ه
بدارد که در وا قع همین
نیز بررسی دیگر ی اس
مو نو گرا ف .

از سو ی دیگر باو ع
که از جانب وزار ت عد
شده است نتایج بر رس
سیمینا ر به مقا ما ت صـ
حزب و دو لت گزار ش
شد تا زمینه های تطبیق
آید .

باتو جه به این نکا ت
و ارز یا بی های همه ج
که پیرا مو ن مسایل طفل
در این سیمینا ر به عمل
جای امید وار ی فراوا ن
نتایج آن مفید و با ار زش
به زود ی جهات تطبیق ب
ها به عمل آید ، البته
که مسا یل قانون گذاری
همه به فکتو ر زمان نیاز
جهات تطبیق آن با در ل
محیطی و اجتما عی به م
و قانو ن مو ید ه تطبیقی
باشد .

بقیه صفحه ۱۶

گرد هم آیی...

و سه اعشاریه هفت میلیـــون
واز سال ۱۳۵۹ هفتصدو پنج
ساریه دو میلیون دا لر شده است.
به همین تر تیب مجموع واردات
سال ۱۳۵۸ اندکی بیش از چار
و بیست و شش میلیون بوده

وچار میلیون دالر است و هم چنین صادرات همز مان سال ۱۳۵۹ یکصد وسی میلیون و از سال ۱۳۶۰ یکصد وهشتاد میلیون دالر است کــــه افزایش بیست و هشت فیصد را نشان میدهد .

با تو جه به اینکه در حدود نود فیصد تجارت کشور به وسیلـــه سکتور های خصو صی صورت می گیرد افزا یش ها یی که در ساحه های واردا تی و صادراتی تجا رتی

بقیه صفحه ۳٤

مرگ میراث..

قبرستان دویدند وباعجله وارد قبرستان‌شدند، قبر آماده بود ، آنها شتابزده کمی دیگر دعا خواندند ، مرده را دفن کردند و بعد به طرف خانه های خود دویدند .

تو مك همه را به خانه خود د عوت کـــرد چون پدر مقدس به او این طور گفته بود ودر غیر این صورت مراسم ختم به طور نا مناسبی در محل عمومی بر گزار میشد .

انتك در جواب این د عوت فقط د شنام داد جمع چهار نفری‌که ایگناتس و سمولتز دهقان هم جزو آن بودند به کافی رفتند ، چهارپیمانه مشروب نو شیدند و با همدیگر شان در باره داد و ستد هایشان گفتگو کردند ، گر مای‌کافی وحرارت مشروب به زودی انتك را مست‌کرد،

توفان آشوب میکرد وزوزه می
مرا از هر بلایی در امان
ناگهان ساکت شد ، تاریکی
دو قد می چشم چیزی را نمی
به حد اکثر شدت خود رسیده
وزوزه و حشتناکی هوارا پر میک
از برف را روی انتك و زنش

وقتی آ نها از کنار خانه توم
صدای دعا ختم و گفت و گوی
شنیدند . انتك شروع کرد به دش

- کافر ها ، دزد ها، من صاح
زمین هستم ، بعد ازین روی ز
میکنم ، شما دیگر نمی توانید ا
شماسگ ... با مشت به سینه
وچشمانش را در حدقه چرخاند
طور د شنام میداد ، ا ما همین
رسیدند ، زنش او را روی تخت
چند د قیقه بعد باز فر یاد کش



دوه شطرنج بازان دلوبی په‌حال‌کی لیدل کیږی

کیږی د حساب نتیجه د دغو عدد
په وسیله څرګند یـږی ٥ر٦
٧٠٩٥٥١ر ٧٣٠ر ٧٤٤ر ٧٧٦ر
چی په اټکلی تو ګه د ٣٧٠٠ ملی
خروار په شاو خوا کی کیږی.

ځینو ددی نسبت بوزر جمهر
کړی دی چی انو شیر وان ته ی
شطرنج دراز دور ښود لونه ورو

یی ددغی جایزی پیشنهاد کړ
چی ځینو پخوا نیو تاریخ لیکو
ددغو سر ګذشتونواو د غنمو دش
خوډولونه په دری او عربی مطبو
نقل کړی چی د هغو له جملی

ی ځاځی ځیږ نه او لنډیز

شطرنج په‌زړه‌پوری لوبه‌څرنګه‌منځ ته‌راغله

ج د سا نسکر یت په ژبه
د لر غو نی ژبه ده «شاتارا‌ـ
ی «دسطرنجی د کاغـذپـه
ورو نو» مانا لری ، وروسته
جی په دری ژبه نقل‌شوی‌په
ی چتر نګ یاششرنګ‌او
شتر نګ ویل شوی اوعربو
ب کړی شطرنج یی بللـی
رنج یوه جهانی علمی لوبه
سول او قواعد یی په هرځای
ډول دی که څه هم تیره‌پیړی
بی ځینو جز ییاتو په ځینو
و کی یو د بل سره تو پیر
و اوس هر څوك کولای شی
لو به دمربوطو کتابو پـه
سره په جهانی سویه زده

چینائیان د شطرنج لو بی ته د
جګړی د علم لو به وا یی او ادعاکوی
چی دالو به یوی چینا یی قوماندانی
اختراع کړی ده . خو په هر حال‌کوم
شی چی څرګند دی هغه دادی چـی
د شطرنج لوبه یوه شرقی لو به‌ده
اود هندیا نو په وسیله د شطرنج‌د
اختراع په باب څونور روایتو نه هم
شته چی حقیقت ته نږدی ښکـاری
هغه داستان چی فردوسی‌په شاهنامه
کی‌نقل کړی دی داسی وا یی :
د (طلحند) او (ګو) دوو ورونږ
تر منځ چی له یوی مور اودووپلارو
څخه ؤ د پاچا هی په سر سختـه
جګړه وشوه خو مخکی له دی چی
یوپه بل لاس بر کړی طلحند دخپلو
عسکرو په منځ کی بی‌له‌دی چی‌څـه
زیان وویني مړ شو او مور یی لـه
خبر یدو وروسته هیڅ نه غلی‌کیده‌او
(ګوی) یی د خپل ورور په وژلـو
ملامت کاوه خو (ګوی) ددی د پاره
چی خپلی مور ته ډاډ ورکړی او خپله
مور په دی قانع کړی چی طلحند ته
په جګړه کی زیان نه دی رسید لی

نندارى تکرار د هغه د عمر تر پای
پوری د هغه د مور ډاډ یوازینی‌وسیله
وه، وروسته بیا دغی جنګی نندارى
دیوی لو بی بڼه غوره‌کړه‌اوهمدا سی
پاتی شوه چی د هغی اوږده شرح په
شاهنا مه کی لو ستلی شی .

یو بل روایت‌چی‌څوعربی ماخذونه
هم هغه تائید وی او یو څه شهرت
هم لری وایی چی شطرنج دهند د
بودا یی بر همنا نو څخه د داهیرا
زوی چی سسه یا سسیانو میـــده
اختراع کړی دی او په دی وسیله‌د
سسیا د غنمو د دانو کبسه هم‌منځ
ته راغلی یعنی څرنګه چی د شطرنج
لوبه یی د خپل وخت پاچا ته ورزده
کړه‌نوهغه ورته‌وویل هرڅه‌چه‌غواړی
دجایزی په تو ګه یی د رکړم ، نو

مسعودی په مرج الذهب او ابوری
البیرو نی په التفهیم کی یادو
شو او وروسته نفایس الفنون او
کتابو نو هم دا کار کړی دی .
شطرنج د نوم‌په‌باب فرهنګ‌لیکو
بیلی ،بیلی نظر یی لر ی او کوم
چی حقیقت ته نږدی دی،دادی
اصلا د هغه نوم د سانسکریت
اخیستل شوی‌خومؤړ خین د شط
دمربوطو کیسو په یوه کی هم د
یووالی نه لری او ټول پخوا نی
څرګند و نو ته په شکمن نظر ګو
تاریخ د شطرنج پیدایښت د
په‌قول د پنځمی میلا دی پیړی
پیل کی او د ځینو نورو په قو
مسیح د میلاد نه مخکی شپږ مه
کی یوازی د ا خبره د زیاتو خل
خوا منل شوی چی شطرنج له ه
افغانستان او ایران ته تللی او
عربو له حملی وروسته عربی هی
ته رسیدلی د صلیبی جنګو نو
وروسته د عربو په وسیله اسپ
ته او له هغه‌ځای نه یی نورو ارو

جواب به نامه های شما

پست

سلام همکاران و خوانند گان عزیز
به امیدی سلامتی وموفقیت شما عـزیـزان می‌پردازیم به پاسخ نامه ها :
دوست عزیز ظاهر ناد میان از انستیتوت‌هوا شناسی میدان هوایی کابل ۰
باسلام عرض شود که شعر «افسانهٔ وفا»راخواندیم واینك بار دیگر میخوانیم :

دور از رخ توای مه زیبا گریستم — باغم انیس گشتتم وشبها گریستم
تا گشته ام نشانهٔ تیر نگاه تـو — چون صید تیر خورده بهر جا گریستم
رسوا نبوده‌ام‌ولی باعشق جانگداز — رسوا شدم‌زعشق تو، رسواگریستم
افسانهٔ وفاو محبت‌چه تهمتی است — با تهمت فسون شده‌بی جاگریستم
زین بعد بر دو لبــم خنــده نشگفت — بر گور آرزو و خوشی ها گریستم
ظاهر اگر بخنده لبی تر کنم ولی — تنها شدم بگو شه تنها گریستم

ودعا میکنیم که از گر یستن ورسوا شدن‌نجات یافته باشید ودیگر بر گور آرزو ها
خوشی ها نگریید ۰ همکاری شما را خواستاریم۰

دوست عزیز محمد سلیم «متین» محصل‌ـ‌پوهنخی زراعت کابل
دعاو سلامهان بر تو باد ۰ اشعار فرستاده‌یی‌تان رسید ، از خواندنش‌لذت بردیم وپیوسته
آرزو مندیم که باهمکاری های مثمر خویش‌مجلهٔ خود را آذین ببندید ، اشعار عیـــد ی
در صفحه «ازمیان‌فرستاده های شما»بخوانید آنهم نمونه یی از آنرا در اینجاباهم‌میخوانیم:

عید است بیاتا که شوم پیش تو قربان — سر تا بقدم سرود لارام تـو بـــوسم
عیداست به شادی بکشا زلف پریشان — تا موبه مو جعد سمنسای تو بو سم

* - * *

عیداست بیابر سر بـازار کـــه یکبار — باقد دو تا نقش قد م هـــای تو بوسم
عیداست بیا تا کـــه بشکرانه‌این شعر — لعل لب شیرین و ش مکر سای توبوسم

دوست عزیز محمد فاروق‌سراج
سلام گرم و آتشین مانثــار تان باد . خوشوقتیم که چنین نامه یی نگاشته اید «مدیریت
محترم مجلهٔ ژوندون ، جواب نامه‌های شماره۱۸ مجله را خوانلم‌وهمینگونه‌صفحه «سپورت»
مطالعه کردم وبر شما معلوم خواهد بود که‌بنده از مدت ها قبل نوشته های اندرین باب
«سپورت» در روز نامه های انیس واصلاح‌به‌نشر رسانده‌ام ، اگر حالا هم موافقه دارید
بحیث همکار افتخاری مضامین و معلومات سپورتی برای مجلهٔ ژوندون تهیه میدارم و
میفرستم ۰
البته دربدل آن تنها و تنها یك‌یك‌شماره‌مجله مجانی برایم بفرستید ، اینك نامه‌خدمت
شما نوشتم ، انتظار جواب آنرا میکشم ۰»

پاسخگو : انتظار همکاری شمارا داریم، این‌قلم واینهم کاغذ .

دوست عزیز محمد ظاهر ایوبی متعلم‌صنف‌دهم واو رشته ساینس لیسه عمر شهید
از ما سلام بادت ، همکار عزیز ، همقلم‌ارجمند ما بعداز سلام ودعا که پسکارتی هم
ضمیمه دارد ، چنین نگاشته است :«۰۰۰چندین‌نامه یی که به ادارهٔ مجله فرستادم از شما
خواسته بودم که بنده را به حیث همکار تان‌قبول فرمایید ۰ خوشبختانه شما نه تنها با
جبین گشاده جواب مثبت ارائه کرده بودید بلکه چندین‌بار تکرارنموده بودید که به‌همکاری

طرف مجله کدام ضابطه های خاص و مشخص‌موجود است ؟ اگر کدام ضابطه
در زمینه وجود دارد ، لطفا معلومات دهید ۰
در غیر آن اجازه فرمایید که آستین هارا برزده ودست اندر کار تهیه مص
وبعداز تکمیل نمودن ، آنهارا جهت چاپ به‌مجله بفرستم ، تااز یك سو
نیاز مند به پرورش ، تشویق شده واز سوی‌دیگر دوستان‌وعلاقمندان‌مجلهٔ دلپ
از موجودیت استعدادهای‌نهفته و غیر شناسای‌کشور با خبر شوند ۰

پاسخگو

اگر از مقرره وضابطه شروغ کنیم، خواهیدگفت که کار را مشکل ترا شی
بگذارید که از قواعد صرف نظر کنیم و فقط‌کار شمارا به‌ارزیابی بگیریم ، گ
صرف نظر میکنیم ، زیرا شما تا هنوزبصورت‌سیستماتیك تحصیل روزنامه نگ
وچه بسا مصاحبه یی را سرو صورت بدهیدولی ندانید که قواعدودستور آن
بود ؟ وخوب میدانید که رابطه نظر و عمـــل‌مورد نظر است ۰
تلاش خیر خواهانه یی است که به سراغ‌گمنامان میروید ونقاب فراموشی ا
به یکسو می زنید ، همت تان بدرقهٔ راه تان‌باد ۰

اجازه به دست شما وبر زدن آستین هاهم‌به اختیار شما ، یکبار بیا غازی
وماحصل کار تانرا به ما بفرستید و آنگـاه‌خواهیم گفت که عیب کار در کج
کار در کجا ؟ و نمیشود هنوز چیز دقیقی‌گفت‌چرا ؟ نتیجه سعی و کوشش شما
ندیده ایم ، اگر خواستید معلومات بیشتری‌حاصل نمایید کار کنان مجله
خواهند بود ، بهر حال در خاطر شما باشدکه‌مصاحبه‌یی‌بی عکس برای مجله د
نمك است . به انتظار مصاحبه یی تـوام بـاموفقیت شما ۰

دوست عزیز فقیراحمد غزنوی دکاندارجادهٔولایت ۰

بپذیرید سلام صمیمانه مارا هم ۰ درباب‌آن قطعه «مخمس» که به مجله ف
عرضی نداریم جزاینکه بگوییم پاسخ به نامه‌هارا به دقت بخوانید ، حتما از
نشر آن در آن شماره های پیشین چیزی خواهید یافت ۰ همکاری تانرا
دهید ۰ موفق باشید ۰

دوست عزیز دیانا جوان شیر متعلم صنف‌هشتم مکتب نسوان جمال‌مینه۰
سلام همکار عزیز ، از لطف و مرحمت شماممنونیم و خوشحالیم ، توصیهٔ
همین قدر است که شعر بسیار بخوانید ،فعلااز شعر سرودن بسیار دست ب
مطالعه زیاد نمایید و اگر هم شعر میگوییدکم‌گویید و همچون در بگویید ۰
آن نوشتهٔ عاشقانه طنز آلود را که محمد ظاهرایوبی نگاشته، پسندیده اید ،
شما تشکر میکنیم وبه‌ایوبی میگوییم‌که همچون‌نامه ها، نامه های دیگر نیز به
از نشر این پارچه شعر تان خودداری میکنیم‌بخاطر ی که بیان آ ن ناقص
به تذکر مینماید که بایستی گفته شود‌محتوای‌شعر سروده تان خیلی عالیس
همنوا هستیم ۰به انتظار همکاری های‌دیگرشما۰ کامیاب باشید ۰

دوست عزیز فقیر احمد عزیزی

زیز حمید متعلم صنف‌دواز دهم لیسه حبیبه

کا ر ارجمند . استعدادقابل تو صیفی دار ید و در آینده ه
ه نویسس معرو فـــی‌شوید اما مشر وط بر ا ینـکــه
ه بسیار بخوا نیــــد.طرح‌قصه‌را برمنطق مستحکم ومحکم
رگاه میخواهید فا صله‌های طبقا تی را در یك قصه تجسم
ـوش نکنیـــد کـــه‌معلو ل ها را بر جا ی علتها عو ضی
صل چیز دیگر ی است‌و نا حق میگو یید « دگور غر یبی»
محسو س بد بختـــی‌خانواد ه لطیف است ، اما علت‌اصلی
ت . ففر مو لود بر خوردهما ن دو طبقه است که اگر دست
ن را کو تا ه کنید ازفقر دیگر خبر ی نخوا هد بو د .
کر به انتظار همکار ی‌تان خوا هیم بود .

زیز محمد طاهر غوثی ازچاریکار :

سلام اضافه شود کـه‌قرار بود آن پارچه شعر را در صفحه
... می خواند ید ،اینك‌درین صفحه آن شعر نغز وپر شور
ری را بخوانید از خلاف‌وعده عذر می خواهیم .

که ساقی باده در پیمانه‌می ریزد
رسد تادور ما دیوار این میخانه می ریزد
کس بکوی عشق بـازی‌پیرو فرهاد
بروزجانفشانی خون‌خودمردانه میریزد
ون پی مجنون ز رسوایی‌مرنج ایدل
که دایـم‌سنگ طفلان برسردیوانه می‌ریزد
شهر مصر بین در کفه‌یوسف
دیگر ها سیم وزر اما زلیخا دانه می ریزد
ـــر برون آرد زدل آه‌پشیمانی
زپای یـوسف زندا نیش زولانه می ریزد
رخسار که میسوزد دل‌زارم
که امشب‌بر سرم‌ازهر طرف پروانه‌می‌ریزد
روی جانان بپر سید اززبان من
شهیدانش‌بز یر خاك ریزد یانه مـــی ریــزد
من ای مشاطه تا زنـارخود سازم
ز زلف یارهمان تاریکه وقت شانه می ریـزد
ان گذر از جان ودر کام‌نهنگی رو
که در هرگزبه ساحل از لب دریانه می ریزد
ند بجا قدر وقار عـزت‌آنکس را
که آب روی‌خود را بر در هر خانه می ریزد
و زرعالم بدست(عشقری) افتد
شب دعوت‌به پیش پای آن جانانه می ریزد

همکار یهای خوب‌همکارعزیز روز شماری می کنیم و علاوه
ه همینگو نه اشعار پـرمعنی و پـر احساس را برای مجلـه
ب نمایید . بخت یارتان‌کامیابی در راه تان .

زیز بی نام ونشان

ار جمند ما مینگارد : « در یکی از پنجشنبه ها ... که
یدن پرو گرام «بررسی‌از پروگرام های رادیو » بودم شعر
سالها گو شم به‌آن آشنابود و گذشته از آن با شاعر آن‌هـم
تم از لابلای امواج رادیو نشرشد ودر ضمن نطاق پروگرام از

می کنم وقتی مو ضوع را برایش‌گفتم کمی بر افرو خته شد و بعدا
لبخند آرامی روی لبا نش نشستـــه‌گفت نمی دانم برادر گاهی تخلصم،
گاهی شعرم را از خود میدا نندمی‌ترسم روز ی نگو یند که فرهــاد
«لبیب» خودم هستم بعدا کمی‌جدی‌شده گفت من بخود حق نمی دهم‌که
حتی نام شاعر و یا نو یسنده رابرخود بگذارم وتنها افتخارم درایـن
است که در پی افتخار نیستم . درپی شهرت قلبم نمی تپد همین است
که راه بی افتخاری را دنبال می کنم‌ولی مو ضوع شعر را گفتی ؟

بعدا از جایش بر خا سته سوی‌الماری کتابها یش رفت چند مجله‌و
یك کست را برایم آورد که همین‌شعر «مرا به صبح دل انگیز این
دیار قسم» به نام و تخلص خود ش‌در شماره ۲۷ سال۱۳۵۵مجله حربی
پوهنتون وهمچنان همین شعر بدون‌غلط طبا عتی وتصرف به نام وتخلص
خود ش در شماره ۱۳ سال ۱۳۵۷مجله ژوندون بچاپ رسیده بودوبعدا
کست را در رادیو تیپ گذاشته که‌همین شعر چند سال قبل‌در پروگرام
«ارمغان سحر» که فعلا «پیام بامدادی»یاد می شود نشر شده ا ست.بعد
گفت برادر چه فکر می کنی شعرازکیست از فرهاد «لبیب» است یااز
آقای «نظام» وقتی مجلات و کست‌را دیدم و شنیدم بدین نتیجه‌رسیدم
که شاید «نظام» کسی باشد به سن‌دوازده ، سیزده سال که فکر می کند
اگر در اخیر شعر هر کس نام ویـاتخلص خود را بنو یسد شعر از او
می شود شاید هم آقای نظام شاعری‌باشد بزرگ که این شعر راده یـا
پانزده سال قبل سروده‌ودر سینه‌اش یالابلای دفترش در منزل محفوظ
داشته و شاید این فرهاد «لبیب»باشد که هشت سال قبل شعر را از
ا و دزدیده باشد !

رو بطرف «لبیب»کرده گفتم معلوم‌است نظام طفل است وگله‌کردن‌از
او خوب نیست و این طفل فرد ششم‌غزل را هم خوب خوانده نتوا نسته
یعنی عوض .

دهم بخون خودم شستشوش‌بادل‌ناشاد .
کنم دوباره اش گلگون بصدمزارقسم
(کفم بخون خودم شسته بادل ناشاد
کنم دوباره‌بس گلگون به‌صدمزارقسم)

وشعر را هم بی معنی سا خته که به‌زعم خودش شعر را اصلاح کـــرده
است . تنها «شاد »را(ناشاد) شاخته‌وفرهاد را بیرون کرده عوضش نام
ویا تخلص خود ش «نظام» را افزوده‌وفکر کرده که شعر همینطور گفته
می شود و آنرا به پرو گرام خودش‌یعنی «پروگرام اطفال» برای نشر
ارسال کرده است ، خیر جـــای‌تشویش نیست .

بعد فرهاد «لبیب» .گفت چند ماه‌قبل از رادیو به آواز گرم «رحیم-
مهریار» آهنگی را شنیدم که دروهله‌اول فکر کردم همین شعر است که
من سروده ام ولی بعد از دقت متوجه‌شدم که تغییر دارد حتی در بعضی
جاها با اندك تغییر که من سروده‌ام‌می باشد . مثلا «مرابه‌عشق شهیدان
داغدار قسم» که چنین شده است«مرا بخون شهیدان نامدار قسم»

وقتی تیلفونی پر سیدم که این‌شعر از کیست گفتند از «سید نور
فرخ» من گفتنی دیگر ندارم‌فقط‌شمااین دو غزل را از نظر بگذرانید و
مقایسه کنید و هر نام که بالای‌آن‌می گذارید درست است .

فرهاد «لبیب»

مرا به صبح دل انگیز این‌دیارقسم



محسن زاده

درراه هدف مشترك نسل جوان

سازمان دمو کراتیك جوانان افغا نستان
خش جدایی ناپذیر جنبش جهانی نسل جوان
دراه صلح ، دمو کراسی وترقی اجتماعی را
تشکیل داده ودو شادوش موج خروشان نسل
جوان در راه تحقق این ایدیال پیکاربی امانرا
به پیش میبرد .

عضویت سازمان دمو کراتیك جوانان افغا-
نستان در فدراسیون جهانی جوانان دموکرات
وکمیته اجرائیه اتحادیه بین المللی محصلان
بیانگر اعتقاد خدشه ناپذیر سازمان رزمنده
جوانان افغا نستان به انترناسیو نالیزم ، که
نیروی مطمئن در پیکار عادلانه وبر حـــق
جوانان و مردمان کشور آزاده ما افغا نستان
برای تحقق ارمان انقلاب ثور و مرحله نوین
کاملی آن می باشد، است .

پیکار علیه امپریالیزم ، هژمونیزم وارتجاع
که بخش لاینجزاء کار وپیکار انقلابی نیروهای
اصیل انقلابی جوانان کشور ما را در عرصه
ملی و بین المللی تشکیل میدهد از خصلت
زایش خود نستوه ورسالتمند صفوف خویشرا
در پیکار علیه جنگ ، تجاوز و غارت که
خصلت امپریالیزم وارتجاع را تشکیل میدهد
منظم و منسجم ساخته و مسوولانه درراه‌زیست
در شرایط مملو از صلح رزمیده ومی رزمند .

امپـریـالیـزم به سر دمـداری امپـریالیزم
ایالات متحدهٔ امریکا غیر مسوولانه بصورت
انجام گسیخته ودیوانه وار باتشدید مسابقه
تسلیحاتی وایجاد فضای تشنج ، صلح جهانی
رابا خطرات جدی مواجه نموده است .

امپریالیزم و نیروی های جنگ طلب آزادی
واستقلال کشور های جهان را نادیده گرفته
پیوسته مسایل داخلی کشورهای مستقل‌وخود
اراده و مناطق آزاد جهان دست غارت ، تجاوز
وتحریك رادراز نموده مناطق جدیدی از جنگ
وتجاوز را ایجادمی نماید وعملاسدراه خلقهای
جهان در تعیین حق سر نوشت شان میگردد.

نیروهای جنگ طلب هژمونیستی و امپریا-
لیستی از عادی شدن روابط میان کشور های
دارای نظامهای مختلف رادر جهان ممانعت

جوانان وروابط خانوادگی

باتوجه به‌اینکه زندگی امروزی روز بـروز
بیشتر بر مشکلات انسان ها می افزاید ، ولی
با تمام آنها ، انسان های با اراده و مصمم
توانسته‌اندباتمام این‌مشکلات مبارزه‌کنندوزندگی
را طبق آرزو و خواسته شان عیار سازند .

یك‌موضوع را باید خدمت تان عرض کنیم
که بسیاری از جوانان مشکـلا ت را خـود
برای شان می سازند . مثلا فلان جوان که‌تازه
ازدواج نموده است . برای اینکه به سروووضع
خانه‌اش سر و سا مانی داده باشد، دایم در
فکر این‌است که چطور وازکدام راه می‌تواند
بعضی از نیازمندی های منزل را پوره کند اما
باعاید محدود که دارد نمی‌تواند به‌این‌خواسته
هایش جامهٔ‌عمل‌بپوشاند واز اینرو در ناراحتی
های گوناگونی سرگردان وسردچار می گردد .
خانم جوانی که مایل است منزلش از هرنگاه
باذوق و سلیقه اش برابر باشد و تمـــا م
اموال واشیای خانه طبق ذوق و سلیقه ا و
انتخاب گردد، نمی‌تواند که این اشیارا تهیه
نمـایـد از ایـن رو هر وقتـی بـرای خرید
به بازار می رود ، بدون اینکه بتواند چـیزی
بخرد دو باره با دست های خالی بر می‌گردد
که این عمل باعث ناراحتی اومی گردد، زیرا
اشیای مورد نظر قیمت خیلی بلند دارد و او
با پولی که دارد نمی تواند این اشیا رابخرد،
از این‌رو وقتی شب شوهر جوانش که او هم
مثل همسرش آ رزو دارد خانه‌اش بر خور دار
از زیبایی باشد می آید بنای داد و فر یاد را
می گذارد واز زندگی واز بی پولی می نالد و
زاری میکند . این رفتار زن برای شو هـــر
بی چاره که به زنش علاقه فراوان دارد وهرگز
آرزو ندارد که زنش را ناراحت ببیند خیلی
گران می نماید . بهر وسیله‌یکه میشود پو لی
قرض میکند وآن پول را به دسترس همسرش
می‌گذارد ، همسر و قتی پول را می گیردخوش
میشود لبخندی از ر ضایت روی لبهایش‌میدود
وازشوهرش تشکر میکند .

فردای آن زن به مغازه ها می رود و اشیای
مورد قبولش را می‌خرد ، واز این مغازه به‌آن
مغازه سر می زند و تمام آن پول هارا باخرید
چند چیز بر باد مید هد .

شب و قتی شوهر به خانه می آید ، ازخرید
زن تحسین میکند و ذوق او را و سلیقهٔ او را
می ستاید ، این ستایش شاید از روی ظاهر

مجبور میشود که در آینده پو
وهمه رابه همسرش بیاورد ،
گذردکه‌قرضدار به خا نه می‌آ
بصدا می‌آورد و مطالبه پول می
زندگی برای این دو جوان به
وبنای ناله و شکایت از این
می گذارند . حقیقت این است
تمام مشکلا تش شیرینی های
شوهری خواسته باشند زندگی
از هرگونه ناراحتی داشته باش
این زندگی را برای خود بساز
اینست که هردو به واقعیت ه
ببرند و بدانند که تجمل واش
باعث خوشبختی نمی شود ، خ
خوشبختی نمی آورد . این م
است که صفا می آورد و زندگ
سازد .

اگر انسان باکمی که دارد
او را از تپ و تلاش با زش ندا
ساده وخالی از هر گونه تشو
زندگی که تجمل داشته باشد ا
وخوشبختی و آرامی نباشد تر
درزندگی خانوادگی اش شکست
وزندگی ایده آلی خوا هد داش



د هاج

جوانان رسالتمند در جامعه

شکوهمند ثور چر خش عظیم
مردم افغانستان رونماگردید
ستان تحت رهبری ح۰د۰خ۰ا
ای‌اسارت رااز دست‌وپاهای
و خود حاکم بر سر نوشت

ست هر باریکه قدرت های
نه است با تحت تاثیر در
کشور وآزاد منش افغا نستان
کشور شان استفاده کنند،
ردمی کشور ماموا جه شده‌اند
ما تازمانی به مبارزات برحق
. تا فرمان روایی آنانرا واژ-
ود حاکم برسر نوشت‌خویش

نانی مردم وانقلاب میخواهند
. خلایی رادربین مردم ایجاد
. ازاین طریق وحدت مردم
،ولی مردم افغانستان ازاین
گوره راه نبرد موفق بدرآمده
ناصرضدانقلاب را نمیخورند۰
ثور و خاصتا پیروزی‌مرحله
ه بر کاخ آرزو های شیطانی
ی را وادار به فتنه گری و
وده است ۰

دم‌وجوانان انقلابی افغانستان
ان با لاستحقاق تمام‌گنجنیه
ی کشور خود میباشند درراه
تصاد کشور کُرو پیکار بی

علاوه برآنکه درامر پیروزی
ن ما نقش مهم داشتند ۰

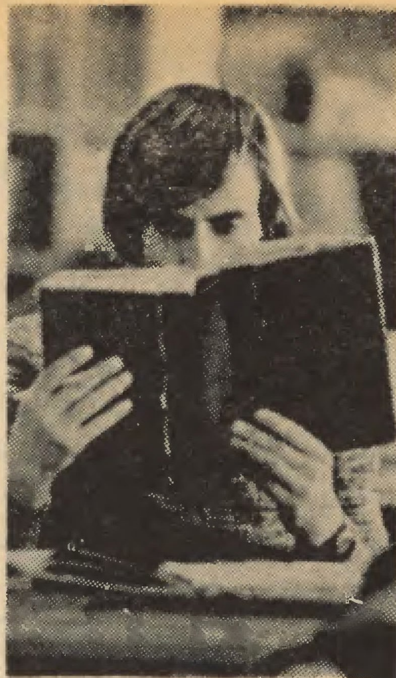
امروز نیز در امر دفاع از دست آورد های آن نیز با همان قاطعیت انقلابی آماده جانبازی و خود گذری میباشند ۰ زیرا دولت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان با شکست مرز های ظلم وستم وبخاطر بهبود سطح زندگی مردم با طرح پلان های مترقی وارزشمند به‌پیش میرود ۰

اما دشمنان‌شرف وآزادی‌کشور در صدداند تابا طرح پلان های شیطان صفت نه خوددوباره حاکمیت خودرادر کشور مستقر سازند ، روی این ملحوظ امپریالیزم جنایت کار امریکا با- اجنت های داخلی ونو کران خارجی ، بخاطر ایجاد تشویش برای مردم رنجدیده افغانستان دست به عملیات خرابکارانه می‌زنند ۰

مثال عمده آن کمك های مادی و معنوی‌و تربیه افراد نظامی در کمپ های به اصطلاح مهاجرین افغانی و فرستادن آنـان در داخـل کشور بخاطر ایجاد نا آرامی و تحریك‌مردم در مقابل دولت ، از طرف دولت امپریالیستی امریکا و کشور های دست نشاندهٔ آن درمنطقه میباشد ۰ بخاطر باید داشت ، با وصف آنکه ارتجاع‌داخلی ومنطقه دست به‌عملیات خرابکارانه میزنند ولی بیشتر از ایــن نمی توانند رخنه بروحدت آهنین و همبستگی خلق ماوارد کنند زیرا جوانان پر غرور و میهن پرست‌ما همگام با حزب قهرمان خود با پیوستن به صفوف‌قوای مسلح این مدافع انقلاب و مردم در راه نابودی کامل ضد انقلاب با قاطعیت وایمانداری به مبارزه بر حق خویش ادامه میدهند و لحظه هم در مقابل این اجیران وگماشته گان امپر- یالیزم غفلت نمی‌کنند ۰

زندگی ومطالعه

ازگهواره تاگور دانش بجوی»
در طول حیات خویش محتاج
زیرا برای دانستن به علوم
ازندگـــی انسان ها ارتباط
ون دانش امـروزی مشکـل



می‌نماید ولی تا جای که قدرت وتوان انسان واستعداد توانایی اوبرایش اجازه میدهد باید ازاین دانش نوین استفاده نماید وبهره‌بجوید۰ رسیدن به‌این دانش وقتی میسروامکان پذیر است که مطالعه را فراموش نکنیم ۰ کتاب بخوانیم و درباره آنچه خوانده ایم بیاندیشیم واز مفاد آن استفاده معقول نمائیم ۰ شایدهمه مااستطاعت وقدرت این را نداشته که هر کس در خانه خود کتابخانه مجهز داشته باشیم که‌در آن هر نوع کتاب مورد ضرورت موجود باشد ، بلی این مشکل است ، اما این‌مانع از آن نمیشود که مارااز مطالعه و تحقیق وتتبع باز دارد ۰

خوشبختانه در کشوره‌ومخصوصاًدر شهرها کتابخانه هاوانواع واقسام کتب موجوداست‌که میتواندنیازمندی های مارامرفوع سازد. در این کتابخانه هاانواع واقسام کتب موجود اســـت وهر نیازمندی میتواند کتاب مورد ضـرورتش را بیابد واز آن استفاده برد ، اگر مازیاد سخت گیر نباشیم وواقعاً کتاب خوان باشیم میتوانیم هر نوع کتاب مورد ضرورت خویش را بیابیم ۰ مشروط براینکه واقعاً به کتاب واندوختن علم علاقه داشته باشیم ۰

خوشبختانه امروز در جهان به ملیون ها کتاب و کتابخانه وجوددارد‌که میتوان به نحوی از آن استفاده نمود ۰

در کشور ما نیز به صدها کتابخانه‌موجود است ، که در آن بر روی همه علاقمندان علم و
کتاب باز است ۰

شرایط عصر وزمان با این همه پیشرفته
ترقی اش به انسان های عصر وزمانش‌موقع
میدهد‌که برای بقای زندگی به مطالعه روآوردو
بردانش خویش بیافزایند .

دانش امروز یك ضرورت‌است ، اگر دیروز
به کتاب علاقه ودلچسپی نبود امروز نمی‌توان
بدون آن زندگی کرد ۰ چه شرایط زندگـــی
امروزی با دیروز تفاوت زیاد نموده اســت .
و بـــدون دانش مشکـل است کـه بتـــوان
زندگی کرد ۰ پس برای اینکه بتوان زندگی
نمود باید علم بیاموزیم وبردانش خودبیافزایم
واین وقتی میسرو امکان‌پذیر است که باکتاب
سرو کار داشته باشیم واز لا بلای صفحات‌آن
به مطلوب خود دست بیابیم ۰

امروز ما درراه‌قلم‌گذاشته ایم که‌بدون‌دانش
نمی تـوانیم خود را بـه سر منزل مقصـــود
برسانیم ۰ خوشبختانه کسانیکه قبل از ما
به‌این نکته پی برده وچندصباحی قبل ترمطالعه
کرده اند ۰ دانش اندوخته اند وجامعه خودرا
به شگوفایی رسانیده‌اند ۰ وامروز که‌ما تاز
به زندگی نوین قدم گذاشته ایم باید از این
امکانات استفاده اعظمی نمائیم ، وبردانش خو
بیا فزاییم۰ واین کتابو مطالعه است که مار
میتواند به سر منزل مقصود برساند وبر آرزو
های‌ماجامه عمل بپوشاند و راه‌زندگی رانشان
دهد ۰



مشخص از اوضاع مشخص بادید ژرف و هم
جانبه که ازنظر اسلوب و نیل به اهداف عالی

بقیه صفحه ۱۳

من هم یك انسانم...

مار تین در قربستان (سوت‌ویو) به خاك سپرده شد . این قبر ستان را یك عده سیاه‌پوستان خریده‌بودند سیاه پوستان اجازه دفن اموات شان رادر قبر ستان شهر نداشتند و لی میتوانستند از اراضی همجوار آن استفاده کنند .

بروی سنگ قبر کنگ آخرین و معرو فترین جمله‌بیانیه‌اش «من‌خواب شمارا دیده ام ، خدارا شکر آزاد شدم آزاد شدم »حك گردیده بود.

وقتی کنگ به خاك سپرده شد به مردم توصیه شد بجای فریادو گری ه و سخن پردازی بدانند کنگ چرا و به خاطر چه حیات خود رافدا نمود .

در راپور کمیسیون (جلو گیری‌از بلواو شورش) ریاست جمـــهور ی وضع حیات سیا هان به تفصیـــل متذکر داده شده است. درین کتاب مطا لعات کمیسیون در باره شیـــوه زندگی سیا هان فقیریکه در نوا حی شهر ها امرار حیات می کنند هـــم منعکس شده است . در راپور آمده است که این محله هاچگونه آبادشده وچرا به همان حال او لی نگهداشته می شوند .

پو هنتون بوستون ده سکالرشپ برای شا گردان و محصلان محلات فقیر نشین اختصا ص داد. پوهنتون مذکورا دو صندوقـی بنـام صندوق ممدادیه تحصیلی داکتر ما رتیـــــن لوتر کنگ افتتاح نمود . هدف این این صندو ق را تر بیه هزار لوتر کنگ بجای یك لوتر کنگ ازیست فتر تشکیل میداد .

شاگردان یکی از مکا تب عالی‌طی عریضه تقاضا کردند شا گردان‌سیاه پوست به مکتب همرا ی آنها یك‌جا درس بخوانند .

یك کمپنی امریکا یـــی صندوق خصوصی به منظور کمك به فامیل

جمهور امریکا عکس العمل خود را در باره این قتل بیان کرد عقیده بر آن بود کــه وی از مقننین شخصـــا تقاضا خوا هد نمود لایحه معـــوق حقوق مد نی را منظور نماید، اعضای کانگرس احساس می نمود ند کــه رئیس جمهور بالای آنها فشار وارد خواهد نمود ولی کانگرس به تقاضای قوه اجرائیه عکس العمل نا مساعد ارائه خواهد کرد واز همین نگاه‌بود که تقاضا از طرف رئیس جمهوربـــه عمل نیامد. لایحه در مجلس سناپاس شده بود .

منازل مسکونی مناسب برای‌مردم بدون در نظر گرفتن نژاد توسط این قانون گذاری تهیه و تضمین خواهد گردید قانون مذکور حا وی مطا لبی است که از حقوق مد نی کار گران وهندی های امریکایی حما یت شده میتواند . لایحه برای چند ین روز در مجلس نما یندگان معطل ماندبالاخره در دهم اپریل مجلس روحیه ملت (مملکت)را درك و آنرا بارای ۲۵۰-۱۷۱ پاس کرد .

این تصویب باعث اطمینان و شادمانی مردم شد رهبران جنبش حقوق مد نی مردم را از استقبال زیاده از حد بر حذر داشتند و متذکر می شدند که بسیار ی پروبلم های کلبه نشین های فقیرتوسط این‌قانون حل خواهد گردید . رهبران از نگاه اینکه شایداکثرمردم به غلط باین‌فکر شوند که‌ملت امریکا واقعا با اهداف داکتر نایل آمده اند ابراز نگرا نی

می کردند .

فردای روز به خاك
باران می بارید دست
که با لای قبر کنگ
بروی آب باران شنا
آرام شدن باران هف
پوست که پتلون و
به‌تن کرده بودند با
آمدند وبه‌خطوط منقو
خیره شده بودند . یك
مارتین بدون اینکه ر
نظر گرفته شود مرد
زن یك تعداد دسته‌ها
قبر مرتب کرد و از

آنها کنگ را تنها
داکتر بروی یك تپه ك
حاکم است به خواب
است .

پایان

بقیه صفحه ۲۰

نوائی ...

بیا حافظاکه‌تاخودرابه ملك دیگراندازیم»(۱)

نوایی :

بهارا نگر بگلشن ،طرح جام‌وساغراندازیم
بیااین سقف بشکافیم وطرح نو در اندازیم
سپاهی گر نماید غم ، که سازد وقت‌ماتیره
بیك برق شعاع جام ، بنیادش بر اندازیم
زرعنایان دورنگی ،تابکی دیدن درین‌بستان
یکی ماهم ، شراب لعل ،در جام زر اندازیم
بیا راییم ، بر طرف گلستان بزم شاهانه
زمستی شورو غوغا ، در رواق اخضر اندازیم
برقص آریم هر سوشاهدان شوخ‌را ، وانگه
پرستان ،مطربانرا ، نیزدریکدیگراندازیم
که مستی ، شهان گرپانهنداز حدخودبیرون
فریدون را ،سراندازیم‌وجم‌را ،افسراندازیم
بنه زانو،که می‌نوشیم، از ترکان یغمایی
تماشای عجب ،در اهل این‌نه منظر اندازیم
بدین آیین قدح نوشان‌وپاکوبان وسرمستان
برندان خویش را،سوی‌خرابات اندراندازیم
شبی‌هر کس که‌چون‌فانی، بدین‌سان‌مست‌خواب‌افتد
سزد، جام‌صبوحش‌گر، بصبح محشراندازیم»(۱)

در مناسبت بین این دو غزل نیز همان صحنهٔ خوشحالی‌است . با عبارت دیگر ، او وقت و محل «گل افشانی‌و می‌درساغر اندازی حافظ را در فصل بهاران ودر طرف گلشن میداند .

عموماً معانی تازه و تصویر لطیف بدیعی درین دو غزل جوابیهٔ علیشیر نوایی تادرجهٔ زیاد و ماهرانه آورده شده اند ، که آن‌هارا به غزلهای بکلی مستقل واشعار درجه یکم نیمهٔ دوم عصر پانزده ادبیات دری وتاجیکی مبدل گردانیده است .

این حالت در دیوان «فانی» یك حادثـــهٔ تصادفی نمیباشد ، استادی علیشیر نوایی‌و مهارت بلند درنظم دری و تاجیکی او ، زیاد وکم در هر یك غزل جوابیه و غیرجوابیه او به خـــوبی مشاهـــده کـــرده میشـــود . سی غزل جوابیهٔعلیشیر نوایی وسی غزل مورد جواب قرار گرفتهٔ خواجه حافظ ، که‌به طریق نمونه بعداز این آورده میشوند ، درین باره بهترین ترجمان خواهند بود .

ازمطالعهٔ این قسمت آثار علیشیر نوایی چنین برمی‌آید ، که اساسگذار ادبیات اوزبیك

ادبیات داخل خواهد شد .

حافظ :

صبا بلطف بگـــو آن
که سر بکوه وبیابان
چوبا حبیب نشینی و
بیاد دار محبـان بـ
غرور حسن اجازت م
که پرسشی بکنی عندلی
بخلق‌ولطف توان، صید
به بند و دام نگیرند م
ندانم ازچه‌سبب‌رنگ‌آش
سهی قدان سیه چشم
جز این‌قدرنتوان‌گفت‌در
که صنع مهرووفانیست
درآسمان نه‌عجب گر
سماع زهره بر قص آو

نوایی

نسیم صبح ، بگو آن
که باغ عمر خزان‌ازتو
بیك قدح‌که‌کشیدی زآب
چه آتشی که زدی عاشق
شدم بزهد قوی غــره
که زور عشق بعجز ا
نوای جوان‌که‌شکیبا ز
ترحمی بکن این پیر

صفحه ۳۵

صحت‌تولدی...

طب وصحت عامه کشور قرار داشت
رات آن متوقف ساخته شد•
مك نشر یك مجله آموز نده‌صحی
لا روی سطح آگاهی مسلکی و دانش
رکاران طب وصحت‌عامه کمك بتواند
ت مفید وبارزش که تجارب و مهارت
کی را میتواندر خدمت دانش‌پژوهان
به شرط آنکه در محتوی خود بتواند
نیاز مندیهای باشد که بیشترین
سونل آنرا احساس میکنند واینکه‌این
ر چه حدوپیمانه یی میتواند ضرورت
انی کار کنان صحت عامه را برآورد
ست که باید در انتظار ماند تاشماره
ر آن بدسترس علاقمندان برسد•
به مطالب و مقالات نخستین شماره
، بعداز نشر بیانیه ببرك کارمل‌منشی
میته مرکزی حزب دمو کراتیك خلـق
ن ، مقدمه‌یی به نگارش پوهاندداکتور
راهیم عظیم وزیر صحت عامه ویاد
دیر مسوول بالاناوین سازماندهی
دمات‌طب‌معالجوی ووقایوی درجمهوری
یك افغا نستان نوشته دکتور نبی
«په کوچنیانو کی دپروتین او کالوری
ی» به قلم دکتور «مل» کانسپت‌حمایه
ادر از دکتور سمیع فریار ، وزن
دید الولاده وتعیین معیار جدیدالولاده
فغانی، تحقیقی از دکتورشاه ولی آرا۔
عرضه بهتر خدمات اپیدیمیا لوژی
در کشور ،از دکتور یعقوبـــی ،
در کشور ، از دکتـــور یعقـوبـی ،
تی در تغذی نوزادان ، نوشته دکتور
ضرورت تغییر پروگرامهای درسی در
طب ودورنمای فعالیت های ایـــن

کنونی وزارت صحت عامه به نگارش آمده و حتی به صورت نمونه یك مقاله در آن‌نمیتوان یافت که‌به وسله متخصصان خارج از کدر اداری به نبشت آمده باشد ، هم چنین در معرفی مسوولان وگردانند گان مجله ازیك هیات تحریر شش‌نفری وشورای تحریرسیزده عضوی نام برده شده است که معلوم نیست چه تفاوتی میان مسوولیت های نشراتی‌هیات تحریرو شورای تحریر وجود دارد •

در صفحات نخستین‌مجله بیانیه ببرك‌کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان به مناسبت افتتاح اولین کنگره کار مندان طب جمهوری دمو کراتیك افغا نستان به نشر رسیده است که علاوه از آموزنده‌بودن ، هوشی دارنده است وکارکنان طب و صحت عامه رابه وظایف شان درشرایط انقلابی کشور آگاهی میدهد •

پوهاند دکتور محمد ابراهیم عظیم وزیر صحت عامه در بخشی از مقدمه یی که برای مجله نگاشته است پالیسی نشراتی و هدف از نشر آنرا چنین تعیین میکند :

«••• این مجله که هر سه ماه بعد نشر بیگردد از یك طرف ممثل وانعکاس دهنده پالیسی ها پلان ها و فعالیت های مختلف وزارت صحت عامه به منظور آگاهی بیشتر هموطنان در بخش‌صحت عامه میباشد، ازجانب دیگر دست آورد های طب و صحت عامه راکه دانشمندان وکار مندان مربوط درنتیجه کاوش هاو مطالعات علمی به‌آن نایل میگردند انتشار میدهد تا کارکنان صحی کشور ارزش های‌آنرا درساحه عمل مورد تطبیق قرار دهند •••»

مدیر مسوول مجله در آغاز سخن خــــود مینویسد :

«انتشار یك مجله کار ساده ای نیست بخصوص مجله علمی مسلکی ، آنهم باعدم آشنایی در فن روز نامه نگاری •••»

که خوش بختانه وزارت صحت عامه همین اکنون دکتوران ژور نالیستی رادر کدر های خود دارد که‌نه تنها به فن روز نامه نگاری آشنایی کامل دارند . بلکه مدت هانیز مجلاتی مانند ژورنال صحت عامه ورمز صحت راموفقانه نشر کـرده انـــد ، آغــاز نشـرات مجلـــه صحت را به وزارت صحت عامه به کار کنان طب وصحت عامه وعلاقمندان به مطبوعات کشور تبریك میگوییم .

بقیه صفحه ٤١

جواب به‌نامه‌های شما

که‌گر بدامن گلگون ا ین دیاربینم
نشسته لکه ننگی به کر دگارقسم
دهم بخون خود م شستشوش‌بادل‌شاد
کنم دوباره اش گلگون بصدمزارقسم
همین به عالم‌هستی است‌آرزو(فرهاد)
که جان دهم به‌ره پاك این‌دیارقسم
«سید نور فرخ»
مرا به سنگر گرم تو ای دیارقسم
مرا بخون شهیدان نامـــدارقسم
مرا به گلشن آما ل سینــــه‌میهن
مرا به غیرت مردان روزگارقسم
مرا به ماه وبه دریا ولاله و خورشید
مرا به ذره‌ذره خاك وبه کهسارقسم
مرا به بلبل‌وپروا نه و به‌شمع‌وبگل
مرا به صبح بهار و به لاله‌زارقسم
مرا به همت مردان راستین‌وطـن
مرا به عرصه میدان کار زارقسم
به قلب دشمن این خاك میزنم آتش
مرا به‌حرمت آن ذات کردگارقسم

بعدا فرهاد لبیب گفت برادر ازاینگو نه کار ها خیلی زیاد اسـ
من خاطره های دارم و یك مو ضوع‌تازه را می خواهم برا یتان بگوی
«کست سوم» آواز خوان جفا دیده ما«ساربان» یك خواندن بنام «بشـ
است که چنین شروع می شود.
(بیاای نغمه گر بشتاب۔ که‌کان‌نغمه ها اینجا ست) ا ین شـ
سال ۱۳۵۷ شماره ۱۹ ژوندون ازاین جا نب به چا پ رسیده
چند جای آن مثلا عوض(دراین ویرانه‌پا بر جاست) خوانده شده(
سینه پا برجاست) ویا «رسان‌تاآن‌کران دور» خوانده شده (ر
تاکوی دلدارم) و امثال این تغییرکلمات. حال شما بگویید که‌ت
ویا تغییر یك قسمت و عوض آن‌جادادن گفته خود درست است چ
عوض (رسان تا آن کران دور) را (رسان تاکوی دلدارم) بسازند
رسانیدن پیغام و یا پیام بکوی‌دلدارشان باشد باید آنرا بابال کبو
نامه رسان خود رسانند نه آنکه‌آنرادر چانته دیگران جا دهند و یا د
کبوتر دیگران ببندند ؟»
خدایا قلم بدستان مبتدی وناشی‌راهدایت کن ونگذار که دزدی
وکمان نمایند وبه سنان قلم مـــال‌دیگران را بر بایند . آمین .
والسلام

بقیه صفحه ٤٣

بتوای جوان

زوایای تاریك وازیاد رفته با مسوولیت تام آنرا بیاموزان •
بگوش تاصرف‌درچاردیوار یك ناسیونالیزم

وده ها مسایل دیگرمارادرخودپیچیده‌است
بیائید باهم بایك‌اراده‌آهنین و مستحکم
ومتحد یکصدا هماهنگ شده بر علیـ
دشواری های که منبع اساسی علم
وپیشرفت است با تلاش خستگی ناپ

شگفتی های ... جهان

۹روزمسافرت درراه کرهٔ مریخ

صنوعی بنام «وینوس ـ۱۲»که بسوی
رتاب شده بود بتاریخ ۲۱ دسامبر
عداز ۹۸ روز مسافرت وطی مسافت
ز ۲٤۰ ملیون کیلو متر مواصلت‌نمود
۲۵دسامبر«وینوس‌ـ۱۱» اتحاد شوروی
قبل از وینوس ـ۱۲ درکرهٔ مریخ
د این پیاده شدن به بسیار آسانی
رفت وعکسها وراپور های جالب علمی
مریخ به زمین مخابره شد •

ها از قدیم به ستاره صبحگاه (مریخ)
شته وبا علاقمندی‌خاص نام آنرا بزبان
این نه‌فقط‌علاقمندی وعطش‌انسانهای
بــه علم نشا ن میدهــد بلکـــه
آنها را به دانستن فاصله که کرهٔ
زمین دارد نشان میدهد • انسانهای
ش مینمودند تا وسایلی را بــدســت

اند برای انسانها اهمیت فوق العاده واساسی داشت که بدون این آگاهی واطلاعات تکامل وحدت هر نوع تئوری دربارهٔ گذشته و آینده سیستم شمسی ناممکن است •

اتحاد شوروی اولین کشوری بود که‌درین راه قلم برداشت این اقدام در فبروری ۱۹٦۱ صورت گرفت • در وهلهٔ نخست قبل ازینکه معلومات و اطلاعاتی در بارهٔ شرایط حاکم بر نضای مریخ دریافت گردد نظریات مختلف ومتعدد در زمینه وجود داشت •

اولین قمر مصنوعی که موفق گردید فشار وترکیب درجه حرارت مریخ را به صورت مستقیم ملاحظه وتحقیق نماید وینوس چهارم بود که درسال ۱۹٦۷ درین راه اقدام نوودو اطلاعات لازم را در بارهٔ فشار ودرجهٔ حرارت (که در حدود ۱۸ درجه اتمو سیفر میرسید)

مورد درجهٔ وفشار اتموسفیر به ثبوت رسانید که‌درجهٔ حرارت درسطح کرهٔ مریخ ۵۰۰درجه سانتی گرید بوده که معادل به ۱۰۰ درجه فشار سطح اتموسفیر میباشد .

به این ترتیب کتلهٔ قمر مصنوعی «وینوس ۷» درسال ۱۹۷۰ صــد کیلو گــرام اضافــــه ترشد تابتواند به فشار های خارجی که‌به۱۸۰ درجهٔ اتموسفیرمی‌رسدمقاومت نماید •وینوس هفتم توانست درسطح مریخ پیاده شده ومدت ۲۳ دقیقه در آنجا توقف نماید • درین حال ثابت گردید که درجهٔ اتموسفیر درنقطهٔاصابت وفرود اقمار مثبت۲۷٤درجه و منفی ۲۰ درجه سانتی گرید بودوفشار درین نقطه به ۱۹۰الی

۹۵ درجهٔ اتموسفیر می رسید که
اساس علما توانستند شناخت خودر
ازین سیاره تکمیل بسازند •

اقدام بعدی درین مورد کاملا انکش
تر وپچیده تر بود که دانشمندان س
بدریافت ارقام واحصائیه دربارهٔ ط
ها وساختمان قشری سیاره توسه
هشتم گردیدند ودر یافتند که درس
عناصر کیمیاوی مشابه به عناصر
مناطق خشکه زمین وجود دارد و
نمودند که ابرهای این سیاره شدت
را تا حدود زیادی کاهش می‌بخشد

توکسین زهری که ۲۵۰ملی‌گرام
میتواند تمام‌نفوس دنیارا محو نم

بصورت عموم‌زهر ها دو نوع اند یکی آنرا که بنام سم یادمی‌کنند. تمام زهر هایی را در برمی گیرد که از نباتات زهری مانند بعض سمارق ها ـ وبعض نباتات زهردار چراگاهای وحشی بدست می آیند و زهرهای موادکیمیاوی مانند ارسیك سرب سیماب وغیره اما نوع دوم آن عبارت‌اززهری است که توسط میکروب های زنده افراز می‌گردد وبنام توکسین یاد میگردد. درینجا منظوراز توکسین این است‌که از یکنوع میکرو اور گنیزم‌غیر هوازی بصورت عموم در غذاهای‌که درقطی های سربسته وبدون هوا جا داده شده‌اند در اثر تکثر میکروب بوجود می‌آید •

شدت تاثیر توکسینی آن به اندازهٔ است‌که تانك هاوتمام سلاح های‌ثقیله‌جهان امروزی به‌آن برابری‌کرده نمیتواند این‌توکسین ازمیکرواور- گنیزم بنا م کلوستر یدیوم بولونیوم بوجود می‌آیدکه یك مرض کشنده قوی می‌باشدومرض مذکور را بنام بوتولیزم یادمی کنندتوکسین‌های بوتو لیزم نو یرو تو کسین (توکسین عصبی) بوده خیلی توکسین قوی است •

کلو ستر یدیوم بو تو سینوم دارای پنج تیپ مختلف می‌باشد ، که سیروم یکی آن

پرودربین خریطه های پلاستیك وگ
غذاهای که در قطی ها سربسته تو
تسمم مواد غذایی باکلو ستریدیوم
توجه نمود •

زیرا یك غذا وقتی ملوث میشود
دو شرط باشد • اول اینکه شرایط
برای تکثر میکروار گنیزم مهیا گرد
حرارت‌معین وزمان معین احتیاج دا
محافظه کا نسرو ها به مدت طولانی
عادی این شرایط را تامین می‌کنند

مواد غذای کانسرو یا گوشت
قطی ها جا داده می‌شوند باید قبل
به دقت بوی شود، بدون‌بوی‌کردن بای
نگردد ، در ساسج‌عموما ناحیه‌که بو
حاصل شده نیز به دیگر قسمت های
می‌باشد ویك تغیر کمی رنگ نیز
خواهد شد ، در کانسروهای خانگی
فاسولیه ، لوبیا تیپ الف و ب اضاف
تولید عوارض شده و در ماهی ها ک
وقطی میشود تیپ ی. آ دیده شده
ترودیوم بوتو لینوم یك‌اور گنیزم
بوده سپور آن نسبتاً حرارت زیادتر
تا تخریب شود ،

روابط فامیلی در یك کشور
کثیر الملیت چگونه است؟

ۀ شصت و سه اعشاریه
ن همسرا ن در شورو ی
چهار ده فیصد آ ن ا ز
نژاد ی مخلو ط میباشند
تیر ینتیوا معـاون رئیس
ت نژاد شنا سی اکا د می
اد شورو ی در مورد این
نین اظهار نظر نمـو د ه

که من فکر می کنم انتخاب
. یا ز ن از هر ملیت یکی
آزاد ی بشر یست .و ی
اگر یك جا معه ازدوا ج
غلط تلقی کند آنرا نمی
جا معه دموکرا تیـک
قبل از انقلاب سو سیا ـ
تو بر ازدوا ج مختلط در
رو ی بعید بنظر می رسید
راتور ی رو سیه مرد مان
کسس را اجاز ه ازدوا ج با
ی نمی داد . وی می گوید
انو ن هنوز هم و جو دمی
ا میل من اصلا و جود نمی
زیرا من یك رو سی هستم
یهود ی ، در حالیکـه
ایك تبعه جمهـو ر ی
آلما ن ازدوا ج نمود ه
ه زاد ه ام بایك تاتـار
مود ه است . و ی علاو ه
که فا میل من تجسـم
ه است که نژاد انسا ن یك
د بیو لو جیکی میباشدکه
ه مساو ی اند ، بعد ا ز
و سیا لیستی اکتو بر ،
قانو ن اساسی برای همه
اد شورو ی بدو ن درنظر
ید ه ، ملیت ، جنسس ویا

مساو ی بر خور دار اند . ار قا م احصا ئیه عمو می و دست آو ردهای مطالعا ت نژاد شنا سی نشان می دهد که تعداد ازدوا ج های مختلط در آن کشور بطور عمو می رو بـه افزایش است . ده سا ل قبل د ه ازدوا ج مختلط صورت گر فته بود ولی اکنو ن انداز ه آن یك برهفت است .

یك رقم بلند (یك برپنج) درلتو یا قزاقستا ن و او کراین ثبت گردیده است . در عین زما ن این رقم د ر ار مینیا فقط سی و هفت فیصداست ودلیل آن تشا به ملیت ها میبا شد که نسبت به دیگر جمهور یت هادر آن بیشتر است . نژاد شناسا ن می گویند که ازدوا ج مختلط د رشهر هازیاد تر میبا شد .

ورقم آن به بیست و سه اعشاریه هفت فیصد در شهر های آسیا ی مرکز ی اتحاد شورو ی وبلندترین رقم سی الی چهل فیصد در شهر ها ی مولدا و ی ، اوکراین وبیلا ـ روسیه ثبت گردید ه است . زبان نمی تواند سدراه ازدوا ج مختلط گردد زیرا ز با ن مشتر ك روسی است که اکثر مرد م با آ ن تکلم می کنند . پرو سه تشکیل چنین نوع فا میل ها سا ده نیست. روابـط میان ز ن و شو هر درین گو نـه ازدوا ج ها متضمن اختلا فا ت ز یاد در طرز تفکر ، رسم وروا ج وغیره عادات میباشد . واین مسـتلز م احترا م دو جانبه به عادات وخصو ـ صیا ت طر ف مقابل و طرز زندگی آن میباشد . ز ندگی به اثبـا ت رسانید ه است هر گاه دو همسر از ملیت های مختلف در نخستیـن ایا م ز ندگی زناشو یی شا ن با مشکلات موا جه شو ند ، آنها دارای استعداد اضا فی در جهت فا یـق آمد ن بر آ ن مشکلات رانیز دارا می باشند . لود میلا به جوا ب ایـن

سوا ل که ملیت طفل متو لد
چنین فا میل ها چه خوا هد بو
افزود که این بستگی به خود
دارد و زمانیکه در سن شانز
سالگی پا سپو ر تیشن داد ه
شود می تواند ملیت پدر و یااز
را انتخا ب نماید . بطور مثـ
جوانا ن از فا میل های اوکرا
وروسی که در خار ج از اوکرا
زندگی می کنند ملیت خودرا رو
وآنا نیکه در داخل اوکراین زند
دارند اوکراینی می نا مند .



وقتیکه بخانه داخل شوید چراغ روشن می شود

اعضای هیات مدیرۀ دیپارتمنت انرژی ا
متحدۀ امریکا هنگام کاردر دفاتر مربوط
های شانرا سوچ نمی کنند (سوچ چر
مذکور اتومات است)•

چراغ های دفاتر آنها توسط یك د
اولتر سوند که درمقابل حرکت انسان حس
نشان میدهد طور اتومات روشن و خا
میگردد • دستگاه مذکور که در سقف
از دفاتر نصب است مرکب از یك ترانس
اولترا سوند ویك آخذه میباشد • این د
طور دایم فعال بوده وکمترین انرژی بر
به مصرف میرساند •

طرزالعمل دستگاه طوری است که به
داخل شدن شخص در اطاق آلات سیستم
گردیده ویك سگنال به دستگاه ارتباط
(کنترول کنندۀ سوچ) عبور نموده وچرا
روشن میسازد فرق نمیکند که شخص
صبح داخل دفتر خود شود یا هنگام شا

...نده خنده خنده

برای شما انتخاب کرده ایم

شب خوشی

...وانی به تازگی با دختر زیبائی آشنا شده‌بود و قرار بود بزودی نامزدی آنها اعلام ... •

...ك روز جوان به سراغ نامزد آینده‌اش رفت و با خوشحالی گفت :

... امشب بسیار خوش خواهد گذشت .

...رای‌شب نشینی بزرگی که در هوتل برپامیشود سه کارت ورودی دارم •

...ختر تعجب کرده گفت :

...ولی چرا سه کارت ؟

...خوب یکی برای پدرت ، یکی برای مادرت‌ویکی هم برای برادر کوچکت •مادر منزل ...نیم •



دیوانگان

دیوانه ای یکی از دوستان خودرا که مثل خودش دیوانه بود در شهر پاریس گردش میداد ضمنی گردش دیوانه دومی گفت :

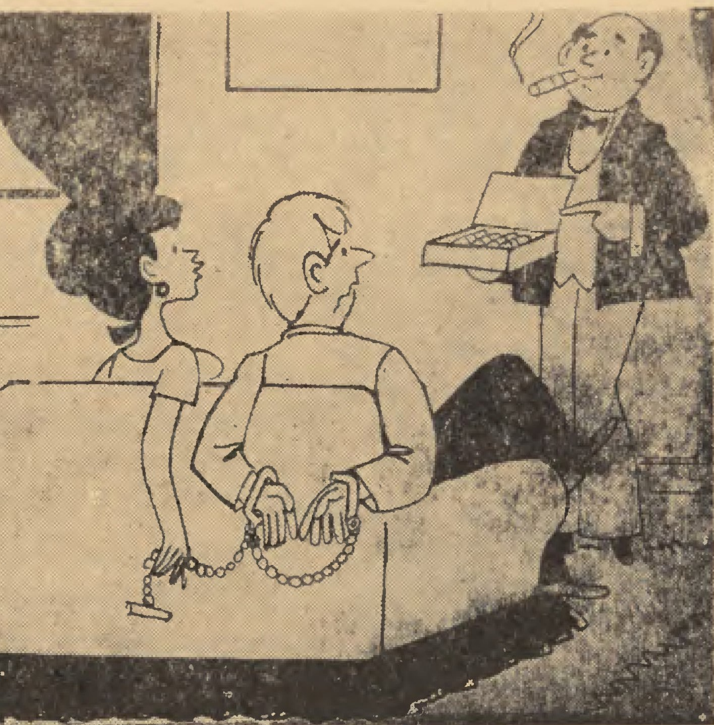
ــ اینجا واقعا شهر قشنگی است• حتما مردان بزرگ زیادی در آن به دنیاآمده اند •

اولی سری تکان دادو گفت :

ــنی • در اینجا فقط بچه های بسیار کوچك بدنیا می‌آیند •



بدون شرح



برادر برو شوهرم تصمیم گرفته که دیگر سیگار نکشد .

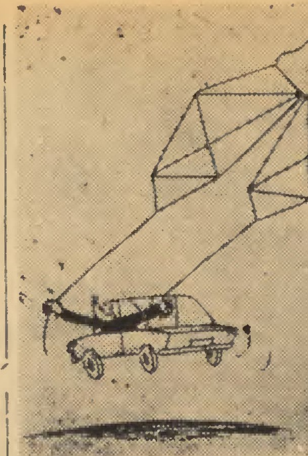
بازهم اسکاتلند

دو اسکا تلندی با ریل سفر می کردند یکی از آنها ناگهان قیافهٔ پریشانی به خود گرفت وگفت :

ــ عجیب کاری کردم • بسیار بدشد •وبعد در مقابل چشمان حیرت زده دوستش دستمال از جیب بیرون آورد وبا احتیاط تمام آن را باز کردو یك جوره دندان مصنوعی ظاهر شد

دوستش گفت : توخوددندان های سالم ...





بدون شرح

...روتش است یا نه؟

...ی پیشه ای به دختر جوانی‌دل
...تا آن حدکه شاید قصدازدواج
...ست • بالاخره یـــك روزصحبت
...واده گی بمیان آمد ، دخترجوان

...قعا مرد خود ساخته وبر جسته
...ی یك پول هم نداشت وبعد با
...کار شبـاروزی موفـق به کسب
...حظه‌ای شد، میخواهی بدانی به
...ی ثروت را بدست آورد ؟
...انه جواب داد :
... اماقبلامیخواستم‌موضوع دیگر
...گو هنوز هم ثروتش را دارد

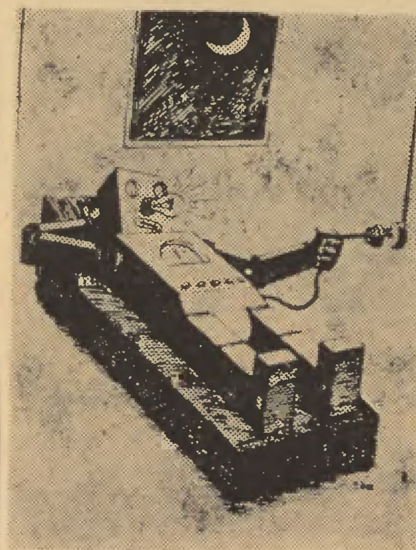
فقط یك كمربند!

دوستاره جوان دریکی از کاباره های پاریس در باره گرفتار یهای شغلی صحبت میگردند ، یکی از آنها به دوستش گفت:

ـآخرین لباس که من در آخرین پروگرام ام پوشیده بودم یادت هست ؟

ـبلی اینطورکه‌میگفتند بسیارعم با استقبال تماشا چیان روبرو شده بود •

ـدرست است تازه امشب متوجه شدم که این لباس فقط یك کمربند بوده است !



بدون شرح



لطفاً آنجا آنرا نصب کنید .

گداوزن صاحب خانه

زنگ دروازه نواخته شدزنی پشت در آمدودید مردی که زنگ زده یك‌نفـــر ...
ابرو ها را در هم کشید و گفت :

ـخجالت نمی‌کشی برای گدائی در میزنی؟زودخودرا گـــم‌کن و گرنه شـوهـرم ...
میکنم •

مرد پوزخند تمسخرآمیزی زد وگفت :

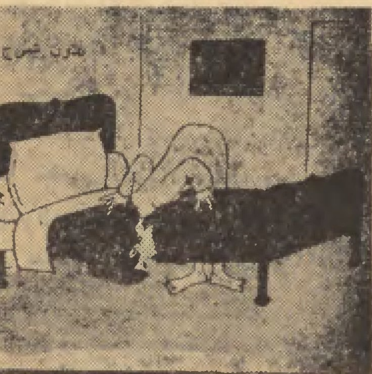
ـ شوهرت را صدا میزنی ؟ خودم خوب می‌شناسمش ، عمان مردبود که دیر...
زنگ زدم بمن گفت :زود از اینجا برو وگرنه‌زنم را صدا میزنم •

آن خواهر من است

در کنار یکی از حوض های عمومـــی در فرانسه جوانی کم تجربه از دوستش پرسید:

ـبگو تو میدانی بهترین وسیله برای شنا یاد دادن به‌یك دختر جوان چیست ؟

ـالبته این کار احتیاج به تکنیك دقیق و مهارت زیادی دارد . ابتدا دست راست را دورکمر او حلقه میکنی . بعد د ست چپت را ...



بدون شرح

میخواهی دیگرکی باشد؟ آن خواهرم...
ـ خو ب خواهرت پس معذرت می ...
دراینصورت به روی آب آنرا بگذار ...



پروفیسور عبدالغنی میرزایف

دمیسین پروفیسور عبدالغنی میرزایـــف
از دانشمندان بر جسته و کم نظیـــر
ربت سوسیالیستی تا جکستان اتحاد ـ
ی میباشد •

وفیسور میرزایف تحصیلات عالی خودرا
کولۀ شرقی پوهنتون لنین گراد بسال
بپایان رسانید • درسال ۱۹۵۵ بحیث
وپروفیسور علوم زبان‌وادب شناخته

در طول چهل سال فعالیت علمی‌خود،
اد زیاد آثارعلمی تحقیقی‌نوشت‌که‌مهمترین
قرار آتی است :

ـ کمال الدین بنایی هروی (احوال‌وآثار

ابو عبدالله رودکی ، طبع ۱۹۵۸ .

ـ رودکی وجریان زندگی او (درمجموعۀ
وزمان او که درسال ۱۹۵۸ چاپ شده
) •

ـ رودکی و انکشاف غزل در عصر های
تاپانزدهم •

سیدای نسفی و مقام او در تاریخ‌ادبیات

ـ احوال و آثار ملهم بخاری
ملا مفید بلخی ومفید یزدی .
ـ دربارۀ تخلص میرزا عبدالقادر بیدل .
ـ تصحیح و مقدمۀ رسالۀ تاریخ سلطنت
منغتیه تالیف احمد مخدوم دانش .
ـ تصحیح مجموعۀ اشعار ابو اسحاق
شیرازی .
ـ مقدمه بر پنج رساله دربارۀ آفاق و

ـ تدوین اشعار باقیماندۀ رودکی ومقدمه

ـ (میر علیشیر نوایی) فانی و خواجه
بطور مقایسی •

و فیسور عبدالغنی میرزایف بیش از دو
پنجاه مقالۀ علمی وتحقیقی نوشته کـــه

جمع آوری نسخه های خطی شرقی کتابخانه انستیتوت شر قشناسی تاجکستان که بیش از دوازده هزار اثر می باشد زحمت فـراوان کشیده ودر امور توصیف وتحلیل آن نسخه ها، اعضای آن موسسه‌را رهنمایی کرده‌است• فهرست نسخ مذکوردر تحت نظارت وی‌در ده جلد تهیه شده که از سال ۱۹٦۰ تاحال پنج جلد آن منتشر شده است •

پرو فیسور میرزایف دیوان کمال الدین بنایی هروی را بامقابلۀ نسخ متعدد خطی و بامراجعه به جنگهای بیشمار کتابخانه های اتحاد شوروی تهیه کرده بود •

اکادمیسین میرزایف به کشور های متعدد آسیایی وبه اروپا سفر کرده وبه کنگره ها، سیمینار هاو سیمپوزیم‌های علمی ،بین المللی منعقدۀ آن کشور ها فعالانه اشتراك کرده • چنانچه بسال۱۳٤۱ شمسی‌به سیمینارنهصدمین‌سال وفات عارف بزرگ کشور ما شیخ‌الاسلام خواجه عبدالله انصاری هروی اشتراك نمود • ومقالتی تحت عنوان «نسخه های‌خطی آثار پیر هرات در کتابخانه های اتحاد شوروی ایراد کرد که آن‌مقاله در صفحات ۱۳۵ تا۱٤۰ مجموعۀ مقالات‌سیمینار مذکور چاپ شده است•

آخرین مقاله های چاپ شده پروفیسور ـ میرزایف معرفی نسخۀ خطی «رقعۀ زیبـــای جهانگیر » تالیف مطربی اصم سمر قندی (۱۰۳٦ه‍) در مجلۀ رهنمای کتاب و «مخترع غزلهای هنرمندی مگر سیفی بخاری است؟» در مجلۀ اخبار فرهنگستان علـوم تاجکستان میباشد •

پروفیسور عبدالغنی میرزایف ازسال۱۹۲۸ تادم مرگ به پست های مهم مطبوعاتی وعلمی کار کرده و جایزه‌های‌متعدد در مقابل خدمات علمیش بدست آورده است •

وی سالیان متمادی بحیث رئیس انستیتوت شرقشناسی فرهنگستان‌علوم تاجیکستان‌ایفای وظیفه کرد •

تاریخ تولد پروفیسور میرزایف ۲۰ نوامبر ۱۹۰۸ در شهر کتاب ماوراء النهر بوده است• پرو فیسور میرزایف در اثر مریضی‌مهلك



میخائیل یوریویچ لیرمنتوف شـ
ونویسندۀ بزرگ روسـی

لیر منتوف ازسخنسر ایان ونویسندگان‌بزرگ قرن نزده‌روسیه است‌که درسال ۱۸۱٤ عیسوی در شهر مسکو چشم بدنیا گشود . پـــدر لیرمنتوف از اشراف و اعیان شهر مسکو بود. شاعر عمر کوتاه و پر ثمری داشت • شاعر در ۲٦ سالگی یعنی در سال ۱۸٤۱ عیسوی در بهار جوانی و شباب ، زندگی اش پا یـان یافت •

شاعر با اندیشه های عالی وافکار بکر خود آثار زیبایی نوشته که در زمرۀ بر جسته ترین ادبیات کلاسیك روسیه قرن نزده قـــرار

لیر منتوف شاعر پر شور و سحرکار بود در شاعری قدرت‌وتوان عظیم قریحه واستعداد عالی داشت •

(مرگ شاعر) معروف ترین شعر لیر منتوف است که در واقعه مرگ الکسندر سرگه‌یوویچ

دو پارچه شعر شاعر را بنام
کوهساران تقدیم میداریم •

باد بان

یگانه باد بان از دور نمایان
در غبار بحر آبـــی رنگ !
چه میجوید در کشوری دور د
در سر زمین مادری چه چی
است ؟ ••••

موج هادر تلاطم اند باد صفیر
باد بان خـــم میشود و نالـــ
آه ••• او نه‌در جستجوی خو
ونه چنین‌است‌که‌ازخوش‌بختی
در زیر سینه‌سفینه(آب) نیلگ
برفراز آن‌انوار طلائی آفتاب
مثل اینست که او طوفان ر
میخواند •

سرکس در...

یف چه باید بازی کرد ۰
ـه بازی میکردند ، مـولانـا
طرافت اسب رافیل واری بازی
ان طپانچه ای بر روی مولانازد
او قریب‌به‌یک ماه بر چهره‌اش
بان اورا نیز بدرید » (عین
ـص ۱۲۲)

که معرکه میگرفت :

جمال بز کبودی داشت درغایت
بز در درازی بحدی که‌نزدیک
معرکه میگرفت‌که‌قریب به‌هزار
۰ بابا جمال گردن آن بز را
یرون می برد. کسی از اهـل
به کسی داده پنهان‌میساخت
کس نمیدانست‌که‌آن انگشتری
رآن‌بابا جمال‌آن‌بز رادر معرکه
میکرد ، وآن بز میگردید وبك
۰ ناگاه دست بر یکی می‌زد.
نگشترین ازوی ظاهرمی شد.
صد نوبت این کار میکردند
» (بدایع الوقایع ـج ۲، ص

زیبایی را می‌فهمید:

ی‌داشت‌که او را چمندر نا م
ای وی صوتی بسته بودو هر
ی وی رابه چیزی تشبیه‌کرده
ارباب فصاحت وبلاغت اورا
آنرامسجع ومصنع ساخته، در
ه غجك به نوعی ساز می‌کرد،
ی مینمود که عقل عقلا حیران
ت :

زن عجوزی گنده پیری عاشق
تو گردیده ، به جای آ ب ،
جو، مغز پسته وبادام قندی
ر سایهٔ درختی نگاه میداردکه
ـهد واز سقرلات عمل نبا ت
می‌سازد و هرگز ترابارنمیکند

ابرو کمندی ، لبها چـو قندی ، پسته دهانی،
موی‌میانی ، راحت جانی ، ترا طلب میکند۰که
از کوه مختار (درسال خیابان محل قبراستاد
بهزاد) ترا سنگ‌بار کند و به جوالـدوزی
پشت و پهلوی ترا فگار کند و هر جفایی
که از آن بدتر نباشد باتو کند ، چون است،
قبول داری ؟

به مجرد گفتن این سخن از جای می‌جست
وتارعر میکشید وبه گرد معرکه میگردید۰۰۰
وکار های می‌کرد که مردم از خنده بیهوش
می‌شدند۰ » (همان کتاب ، ص ۳۹۹)

سایره ایکه پول رادوست میداشت:

«واز جملهٔ غرایب آنکه‌بابا جمال سیره ای
داشت که پول را هر چند بلند می انداختند.
پرواز میکردوآن رااز‌هوا گرفته پیش باباجمال
می‌آورد وقفس او هرگز ازده پانزده تنگه پول
خالی نبود ۰ و غریب تر آنکه از کاغذ های
ملون مقدار تنگه ها بریده بودو هر پولی
از آنها در زیر قطعه ای کاشی پنهان میکرد
وآن قطعه های‌کاشی رابه شکل دایره‌می چنبید
ومیگفت :

ـای سیره ! کاغذ فلان رنگ را بیار ۰

آن سیره‌درمیان دایره می‌نشست وبه‌دور
دایره نگاه میکردوآن کاغذ مطلوب رابه نو ل
خود بیرون می‌آورد و هرگز غلط نمی‌کرد۰ »
(همان کتاب ص ۳۹۹)

باباجمال را خوبتر بشناسیم:

این باباجمال بزباز ، صاحب واداره کنندهٔ
سر کس از قسمت‌های‌غرب امپراتوری تیموری
بمرکز خراسان به هـــرات آمـده بود ، او
همیشه در ظل حمایت امیر علیشیر نوایی
در نقاط مختلف هرات میگردید وبساط معرکه
ونمایش خود را به اشکال گوناگون و دلپذیر
ارائه میداد ۰ علاوه بر نمایشات تفریحی
حیوانات ، خودش نیز با آهنگ های جالب
باآلات موسیقی ، مردم رابه شادی و نشاط
وامیداشت ۰ زین الدین محمود واصفی دربارهٔ
شخصیت باباجمال بز باز نیز سخنان شنیدنی
و خواندنی دارد :

بقیه صفحه ۱۷

زردوزی...

شنا ختند که ، این کار وا ن‌ازکدام
شهر ، د ه و یا قر یه آمـــد ه،
مقصد مسافر ت شا ن چیست ؟
در کدام محفل خو شی اشتر ا ك
میکنند و یاا ز جا یی آمده اند ؟یابه
کدا م عبادتگا ه و یا زیار ت‌میروند
ویاباز گشته اند ؟

درین او اخر در بخارا فا بریکه
زردو ز ی رو ی کار آمد ه کـــه
تولیدا ت آن در دیگر ممالك جهان
نیز عر ضه میگردد . درین فابریکه
کارگرا ن رابعد از اخذ امتحــــا ن
انتخا ب ومی پذیر ند ، زیرا علاقه
مندا ن آن خیلی ز یاد است .

میز های بلند که از آن بحیث
کار گا ه دو خت استفا ده می شود
تکه مورد نظر به رو ی آن کشـــ
شد ه و زنها بالا ی آن مصرو ف
میشو ند ، در دست هر کدا م‌شان
سوز ن ها ی گلا باتو ن دار بر ق
میز ند و به این تر تیب خا نه های
رسم شد ه زود تر پـر کا ر ی و
گلدوز ی می شود . اگر تعـــدا د
بخیه های کار پر مشقت دو زند ه
به حساب آید ، قبل ا ز آنـــکه
کار تما م شود ، صر ف بـــرای
گلدوز ی آن شانزد ه هزار مر تبه
سوز ن به تکه فرو برد ه مـــی
شود .

کسا نیکه با انوا ع مختلـــف
دوخت بلد یــت کامل نداشته‌باشند
ممکن تما م آنرا در یك ردیـــف
قرار داد ه به یك نظر بنگر د ،
صرف همین قد ر بگو ید که ، با
زیبا ست ، اما استاد فن دو خ
بدو ن درنگ هر کدا م آنرا جداگا
تشخیص نمود ه و میگو ید : ک
این نو ع«صدبر گ » «نگینه »
«دلبر » ویاکدا م قسم دیگر ی‌است

موسسا ت تو لید زر دوز ی
مانند گذ شته ها، اگر به مناسب
جشنی محصو لات زیبا ی جشنی
عرضه میدارد ، در آ ن ردیـــف
یکی هم کلا ه های بنام «زمین‌دوزی
میباشد که با گلا باتو ن به صور
بسیا ر دقیق تهیه گردید ه است
عروس ها در رو ز جشن عرو س
شا ن بدو ن کلاه زر دوز ی بـــ
محفل عرو سی نزد مهمانا ن حاض
نمی شو ند ، در دیگر جشن هـا
اعیاد نیز از کلا ه ها ی زر دوز
استفاد ه میکنند ، اما در رو زها
عا دی مرد م از کلا ه های‌بسیا
ساده که رنگ آن‌سیا ه و دو خ
آن بدو ن گلها ی پر زر ق و بر
گلاباتو ن دوز ی است استفا د
میکنند.

در عصر حا ضر و سایل ماشین
جاگزین حر فه زر دوز ی گردید
است. باآن هم فابریـکه زر دوز
بخارا ، مانند سا لهای پار ،هما
عنعنا ت و همان شهر ت خـــو
استا دا ن ما هر را حفظ نمـود
است .

بقیه صفحه ۸

دفاع‌ماز ..

کراتیك افغا نستان پیرا مون‌جلب و
احضار قسمی سر بازان و خردضا‌
بطان قطعه به صفوف قوای مسلـح
چنین می گوید : علاوه بر اینکه در
آید . پس با در نظر داشت شرایـ
کشور و برای سر کوب عناصرضد
انقلاب وظیفه هر فرد وطن پرســ
واجد شرایط این مصوبه به است



فوقانی دهن قـا در
است. اگر دیده باشی
زبانش را به سرعت
میسازد و بداخل میبر
در قسمت حس شـا
کمك می کند . زمانیک
دهن بیرون می آید به
ذرات مواد را جذب
در دو خالیگاه کوچك
آخری بینی مار قرار
کند و بدین ترتیب

هنگامیکه چوچه های ماراز داخل تخم خارج شده اند

مارها وحیات حیرت آورشان

شاید درموردمارهابسیار چیزها
خوانده و شنیده باشید اما حیات
این جانوران خیلی جـالب و عجیب
است آیامیدانیدمارها چوچه میدهند
یاتخم میگذارند ؟ آیا این حیوانات



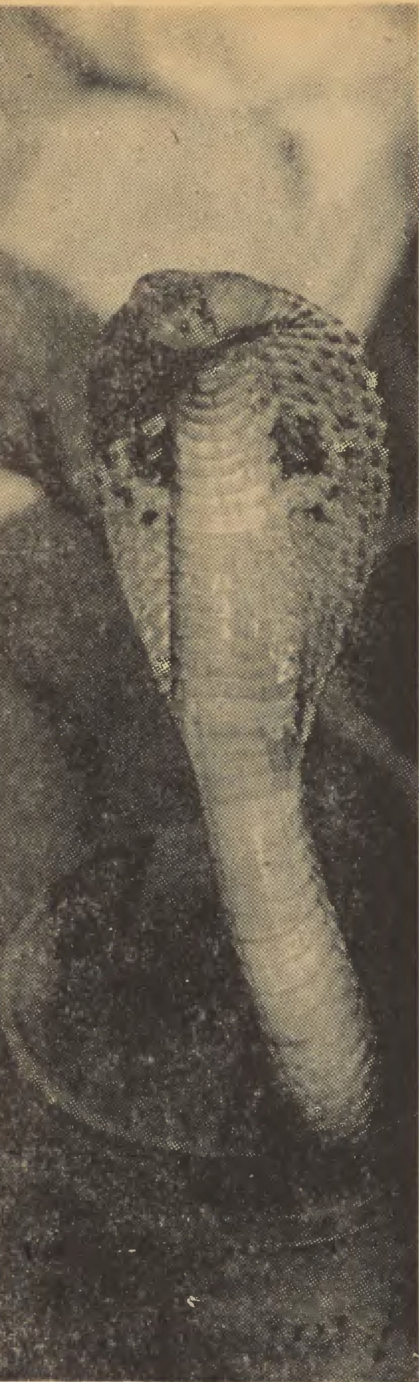
در خشکه زندگی می کنند یادر آب؟
ممکن است در جواب دادن باین
سوالات دچار اشکال گـردید و
مغشوش شوید اما باید بگویم که‌مار
ها، بعضی شان تخم می گذارند و
بعضی دیگر شان چوچه میدهند.جای
ومسکن مار هانیز متفاوت است چه

های مختلف در دنیا پیدا می شوند.
مگر در بعضی منا طق جهان مانند
جزایرها وائی (در بحر الکا هـل)
قطعا مار پیدا نمی شود . تنها در
باغ وحش ها وایی یك جوره مار
ماده برای‌نمایش نگهداری می گردد
وقتی چوچه های مار بدنیا آمد از



...ان مارها بخواب عمیق‌رفته وتا اوایل بهار می خوابند

... می‌شود. قبلا گفتیم که ... هافرق می کند بعضا ... ت میرسند و بعضی ... یلی کو چك است که ... بسرمیبرند و یگان

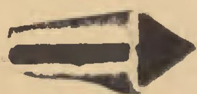


مار کفچه

وقت بجا ی کرم زمینی اشتباه می شود .

دراز ترن مار ها در امریکای جنو بی و هند و ستان پیدا می‌شود که‌طول شان به ۳۰فت میرسد.مار هاگر چه پاندارند اما با حر کات معوج خویش بعضا از انسان ها سریعتر راه‌می‌پیمایند. چوکات‌بندی وجود مار از استخوان های کوچك ونازك تشکیل یافته که تعداد استخوان های قبر غه آن به ۳۰۰ میرسد . بنا بر آن وجود مار مانند یك رشته رابریست که به هر جهت باسانی و سر عت تغییر خورده می تواند . طرزشکارمار ها نیز مختلف است . بعضی شان به شکارحمله کرده آنرا نیش میز نند، یك تعداد دیگرشان دورشکارمی پیچد تاشکار بمیر دوبعدا آنرا میخورند. یك‌تعداد دیگر به شکار حمله‌کرده وبزود ترین وقت آنرا میبلعند . شکار مار از حیوانات کو چك‌مانند موش ، بقه ، خرگوش تا حیوانات بزرگ‌مانند خوك ، ،شیر و آهورا دربر می گیرد که‌البته نظر به‌قدرت وجسامت خود مار فرق می کند،مار هابجز دودندان ازهری(نیش) دیگر دندان ندارند و خوردن شان شکل بلعیدن را دارد . از ایام زمستان، این حیوا نا ت به خواب عمیق رفته‌و تا اوایل بهار می خوابند. زما نیکه هوا دو باره مساعد شد ، مار ها بیرون آمده ودوران حیات را با چوچه دادن و شکار ادامه میدهند خواننده های عزیز باید بدانند که مارها حیوانات مضر نیستند بلکه تنها درموقع‌احساس خطر وتهدید نیش‌میزنند درغیر آن به‌کسی‌غرض ندارند و با خوردن حیوانات دیگر مانند موش های صحرا یی وزمین های زراعتی و خوردن چلپاسه ها به‌زارعین کمك زیاد می‌نماید و نیز در طبابت مدرن استفاه های زیادی اززهر مار بعمل آمده است . دریك تعداد ممالك مار ها را برای گرفتن زهر شان نسل گیری می‌نمایند و این زهر برای یك تعداد امراض دوای مؤثر است .





بقیه صفحه ۲۹

داستان بی‌سرو...

مردوداست زیراکه این داستان برماجرا
مختلف تاریخی استوار است ... »بسیار
ای برادر ، پس اگر چنین است، داستان
.نیست ، چونکه داستان کوتاه نو شتـۀ
خی نیست ونوشته یـی تـاریخـی داستان
.

گفته‌بودیم ، آن نوشته نه مقالهٔ تحقیقی
، ونه نوشته تاریخی . نوشته تـاریخی
ت بخاطریکه عبدالرحمن و جنته شخصیت
تاریخی نیستند « در حالیکه قصه باچیز
سروکار دارد که در تاریخ حتی برزبان
آیند ، چرا که قصه با طبیعت د ر و نی
ن سر و کار دارد ... »

نویسندهٔ « بخاطر پیروزی » می افزاید :
در بارهٔ هنری بودن داستان باید بگویم که
ر های داستان هرکدام نمایندهٔ تیپ خود
اب شده‌اند ، مثلا عبد الرحمن نمایـنـدهٔ
جوان روشنفکر که نهضت امانی رابشتیبان
ی به شمار می رفتند ، او باتمام‌احساسات
کرد هایش نمایندهٔ گرو هیست که در به
وزی رساندن آن‌نهضت سهم فعال‌داشتند.»
ر قصه (!) نهضتی رانمی بینیم که در به
وزی ر ساندن آن ، عبدالر حمن نقش‌سازندهٔ
نه باشد ، جز اینکه عبدالرحمن بـرای
خیبه، در هر خانه‌یی را می کوبد و تو ته
به گدایی می برد .

ویسندهٔ محترم علاوه می نماید « مـلا امام
جد یك مذهبی خوب و فهمیده عا مـل
ر در نزدیکی مردم و دولت بـوده وظیفـهٔ
رادر قبال حوادث مربوط جنگ انجام می ـ
.... » از کجا دانستید کـه مـلا امـام
جد آ دم فهمیده و خوب است . درقصه(!)
لا ا مـا م حضـو ر جـمـسی ملموس
و شـن نـد ا ر د . چـه ر سد به اینکه
یم او چگونه شخص است، مگراینکه بمدد
رمل واسطر لاب بدانیم ، چنانکه شما دانسته
اید .

نویسنده محترم ادامه می‌دهد: «... واماعشق
دانش ر وانشناسی نشان داده که در بحران
های عاطفی ناشی از و حشت های عمو می ،
ترس های همگانی و بیقراری های روانی ،
جوانان که در محرومیت نفسی و عندی قـرار
می گیرند ، نیاز شدیدی به تسکین نا راحتی
های خود دارند و با تمام خود داری ها دربرابر
چنین امکاناتی ضعیف می شوند. نیاز به محبت
جویی، نیاز به مسکن های چون مواد مخدره ،
مشروب و یافتن همدرد وامثال آن قوی‌تر و
موثر تر از هر و قت دیگر می تواند اثر خودرا
تبارز د هد از این رو و جود عشق بین عبد ـ
الرحمن و جنته در چنان شرایط غیر ممکن‌نیست
چه زنان نسبت به مردان در مواقع‌خطر بیشتر
احساس پناه گاه می نمایند ...» از قیاسش
خنده آمد خلق را . پدر برادرش را بر بادبده
وآنگاه به اسناد و شواهد روان شناسی جنسی
طـرح عشق با دختر متوفـی بریز (!) این
صفرا و کبرای خنده دار ، قصـ
دار می سازد وبه هیچ صـورتـ
به این عشق نمی دهد مگر این
آخر جنته تو لد فکر شماست
نیست .

از بر رسی بعد زبان می
یکدست نیست و لهجه غلیظ مـ
اینگونه نیست بخوانید . « آخـ
امروز پبهره استند ومن و مادر
وگفتنی های دیگر را ، در بابـ
پیروزی می گذاریم برای و قتـ
ارادت.

بقیه صفحه ۴۲

درراه هدف مشترک

این ها عناصر وعواملی اند بیانگر ضرورت
وحدت نسل جوان در برابر دسایس وتوطئه
های ارتجاع هژمونیزم و امپریالیزم ، نسل
جوان که سعادت وبهروزی شان وابستگی
مستقیم به زیست وپیکار در شرایط صلح‌آمیز
دارد ، میداند که چه وظایفی در سطح جهانی
در برابر شان قرار دارد وای درك میکند که
باید متحدو همدست در جبهه جهانی صلح و
ترقی‌ا جتماعی‌رسالت‌تاریخی خودرا تعهدمندانه
ایفا نماید ، پیوند نزدیك وارگانیك میان
اردوگاه سوسیالیزم در راس اتحاد شوروی
جنبش آزادیبخش ملی خلق های آسیاوافریقا
وامریکا ی لاتین وطبقه کارگر در کشور های
سرمایه داری درراه افشای دسایس و توطئه
های ارتجاعی و امپریالیستی ایجاد نمایند.

در جنبش جهانی نسل جـوان عـدهٔ وسیعی
از جوانان بادرك ضرورت وحدت عمل درراه
امر صلح وزیست در شرایط رفاه وسعادت
بشریت ، دراین پیکار سهیم اند. صرف‌نظر
از اعتقادات اید لو ژیك سیاسی و مـذ هبی
و منطقوی جوانا ن جهان یکجا در پیوندنزدیك
باهم متحداً به امر صلح مسوولانه برخورد
می‌نمایند، گردهمایی های جهانی جوانان و
محصلان درراه خلع سلاح‌ودیتانت ،در ایتالیا،
بود اپست ، صوفیاو اخیراً درماه جنوری
سالجاری در هلسنگی مرکز فنلند بیانگراین
حقیقت است‌که نسل بالنده جوان‌کشورما، نسل
پاسدار انقـلاب ، به ضرورت امر پیکـار و
استحکام مواضع ضد امپریالیستی شان ملتفت
بوده ودر وجود گردان انقلابی ورزمنده شان
س ۰د۰ج۰ا درافشای ماهیت ضد انسانی
هژمونیزم وامپریالیزم وظیفه‌خویشرابامسوولیت
انجام می دهد .

س ۰د۰ج۰ا با درك این حقیقت که این امپریا ـ
لیزم‌و هژمونیزم عظمت طلب چین است که
دیوانه وار بخاطر منافع از دست رفته خود
در افغا نستان دست تجـوز رادر کشور مقدس
مادراز نموده وبا آتش‌زدن‌وویرانی موسسات
خدمات تعلیمی واجتماعی کشور در راه برهم
زدن شرایط صلح آمیز کشورما عمل‌می‌نمایند.
پیوند شان را در سازمانهای جوانان جهان
نزدیکتر و فشرده تر می نماید .

س ۰د۰ج۰ا سازمان پیش آهنگ جوانان
کشور ماامروز باداشتن روابط باپیش از ۱۵۰
سازمان جوانان وبیش‌از۱۰۰ سازمان محصلی
در سراسر جهان عملا در صحنه جنبش جهانی
جوانان و محصلان نقش ورزمنده گی ایفاء
می‌نماید ، در پر تو این رابطه در پیوند نیکوی

بقیه صفحه ۲۷

به امید پیرو

اینست نمونه های انسان
به‌انسان امید آن میرود کـ
روزنه های امید بروی همو
کشیده واز جمله زنان کشو
از امتیازات انسانی مستفید
جهت دولت انقلابی ما سعی
به خرج میدهد ودرین راه
بلند و بلند تر برداشته می
این پرورش دهند گان نسل
موجودات که از بوجود آمدن
مشکلات پروبلم هاومحرومیت
را متحمل شده اند .

به امید پیروزی هاو بهر
بیشتر زنان .
بدانیم او چگونه شخص است

مدیر مسوول: راحلـ
معاون : محمد ز مـ
آدرس : انصاری وات

اعلان

اعلان

دیزاین بی مانند   کار استادانه   وشهرت جهانی

درماشینها و دستگاه های بی رقیب ساخت اتحاد جماهیرشوروی که در هفتادو چهارکشور جهان ازطریق موسسه تجار ت خارجی
اکسپور ت صادر میگـرددخلاصه میگردد.
ت ماشین آلات :ـ ماشیـــن حفاری هید را لیکی ودرك لا یـن،ماشین های دستی نصب و بـــار ،ماشین های سا ختمانی ، دستگاه
و جغله سازی ، ماشیـــن ولوازم چاه و معادن کنی



MACHINOEXPORT

